

مادر؛ دستخط خدا در کتاب آفرینش



مادری که در جان کودک خود مهر کتاب می‌کارد، به پرورش و رشد شجره‌ای همت می‌کند که ثمره آن، نگارش سطر به سطر فردایی پرامید و روشن است.

لحظه لحظه روزگار کودکی، چون بیت بیت یک مثنوی بی‌مانند، با دم و آوای مهربان انسانی ورق می‌خورد که صحیفه وجودش، وامدار آیات الهی است و هر نفسش، نیایشی ناب.

کتابخانه

شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸
جمادی الثانی ۱۳۰۴۳۰، ژوئن ۲۰۰۹
شماره ۱۸۵، پیاپی ۸۳۶
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



«ابراهیمی دینانی»
در کلام
شهین اعوانی

۱۶



عبور از ممیزی
مردسالارانه
ناشران

۸



زنان موفق
در مشاغل
مردانه

۵

بزرگداشت قیصر امین پور

مراسم بزرگداشت قیصر امین پور، شاعر فقید ایرانی که قرار بود ۲۱ خرداد از سوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شود به علت نزدیک بودن به انتخابات به سوم تیر موکول شد. به گفته شهرام اقبال زاده، دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، مراسم بزرگداشت امین پور، چهارشنبه (۳ تیر) از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در خانه هنرمندان برگزار می‌شود. در این مراسم فیلم «ایستگاه رفته» که در آن با فعالان ادبی درباره قیصر گفت و گو شده برای حضاران پخش می‌شود. این فیلم ۳۰ دقیقه‌ای با هدف نشان دادن تاثیرگذاری مرحوم قیصر امین پور بر شعر نوجوان ساخته شده و امیر پیمان حبیبیان، کارگردان آن است. قیصر امین پور، شاعر مطرح معاصر، ۸ آبان ۱۳۸۶ در بیمارستان دی تهران درگذشت و در زادگاهش «گتوند» به خاک سپرده شد.

پاسداشت شاهنامه با برپایی موزه فردوسی

فردوسی در شهرهای دیگر ایران موجب جذب گردشگران خارجی و داخلی شده و امکان پاسداشت این نامه گران سنگ را فراهم می‌کنیم.

به گفته دبیرکل بنیاد فردوسی، بر اساس مذاکرات صورت گرفته و موافقت رسمی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و ابلاغ این طرح ملی به ستاد نمایشگاه‌ها و تبلیغات این سازمان، موزه اختصاصی فردوسی و شاهنامه در یکی از مجموعه‌های تاریخی فرهنگی این سازمان راه اندازی شود.

وی به اهداف بنیاد فردوسی اشاره کرد و گفت: بازشناسی ابعاد وجودی، نگره‌ها و اندیشه‌های مفاخر ادبی، علمی، هنری و فرهنگی ایران، ساماندهی گروه‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی، هنری و ادبی، راه‌اندازی کارگروه‌های تخصصی و آموزش نیروهای علاقه‌مند و جوان برای توانمندسازی بنیاد، بهره‌گیری از تخصص نخبگان و استادان مجرب، پشتیبانی و حمایت از حفظ و سالم‌سازی محیط زیست به وسیله ایجاد بوستان سراهای فردوسی و تلاش برای شناسایی و شناساندن چهره‌های برتر در راه ترویج و گسترش فرهنگ، تمدن، ادب و زبان پارسی از جمله اهداف بنیاد فردوسی به شمار می‌رود.



دبیرکل بنیاد فردوسی از راه‌اندازی موزه ای اختصاصی به نام فردوسی و شاهنامه در یکی از مجموعه‌های تاریخی فرهنگی سازمان میراث فرهنگی خبر داد. برپایی نمایشگاه آثار موزه‌ای و نیز نمایش شاهنامه‌های نفیس در نمایشگاه‌های فرهنگی از جمله برنامه‌های موزه اختصاصی فردوسی و شاهنامه خواهد بود.

دبیرکل بنیاد فردوسی با اعلام این خبر گفت: بر اساس اساسنامه مصوب بنیاد فردوسی، برپایی هفته‌های فرهنگی به نام فردوسی و شب‌های ایرانی به نام شب‌های شاهنامه در استان‌ها و کشورهای علاقه‌مند به برپایی این مراسم می‌تواند در برنامه‌های این موزه گنجانده شود.

یاسر موحدفر افزود: بر اساس مذاکرات صورت گرفته، سازمان میراث فرهنگی اعلام آمادگی کرده که آثار موزه‌ای مرتبط به شاهنامه را در موزه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی شهرهای مختلف در یک مرکز متمرکز کند و در این صورت شاهد راه‌اندازی موزه‌هایی به نام فردوسی در شهرهای مختلف ایران نیز خواهیم بود.

موحدفر به پاسداشت شاهنامه در هزاره فردوسی اشاره کرد و گفت: با راه‌اندازی موزه اختصاصی شاهنامه و

صفحه نوجوان ایبنا راه‌اندازی می‌شود

صفحه تخصصی ویژه نوجوانان در خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) راه‌اندازی می‌شود.

این صفحه که با هدف اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب در حوزه آثار مربوط به نوجوانان در آینده‌ای نزدیک راه‌اندازی می‌شود علاوه بر پوشش خبری این حوزه، به معرفی تازه‌ترین آثار مکتوب در این زمینه می‌پردازد.

این صفحه نیز چون سایر بخش‌های خبرگزاری کتاب، مطالب مربوط به حوزه نوجوانان را در قالب‌های متنوعی از جمله گفت‌وگو، گزارش، خبر، نقد و معرفی کتاب با توجه به نیازها و دغدغه‌های موجود نوجوانان با زبانی ساده ارائه خواهد کرد.

همچنین در صورت استقبال مخاطبان از این صفحه، فعالیت‌های آن گسترش می‌یابد و در صورت امکان در قالب یک خبرگزاری مستقل فعالیت خواهد کرد. مطالعه اخبار این صفحه از طریق مراجعه به سایت خبرگزاری ایبنا به نشانی اینترنتی www.ibna.ir امکان‌پذیر است.

بچه هایمان را از اول کودکی عادت بدهیم که کتاب بخوانند؛ مثلاً وقتی می خواهند بخوانند، کتاب بخوانند و بخوابند. وقتی ایام روز فراغت هست، یا مثلاً روز جمعه که بازی می کنند، بخشی از آن را حتماً برای کتاب قرار بدهند. در تابستان ها که بچه ها و جوان ها تعطیل هستند، حتماً کتاب بخوانند؛ کتاب هایی را معین کنند، بخوانند و تمام کنند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما پس از بازدید از ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۷۲/۲/۲۱

«تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» مکتوب شد

«تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» با کوشش عباس پسندیده به دوزبان فارسی و عربی از سوی انتشارات دارالحدیث منتشر و روانه بازار نشر شده است.

کتاب «تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» به دو زبان فارسی و عربی با رویکردی بر آیات و احادیث مربوط به خانواده روانه بازار نشر شده است. کتاب «رنگ در قرآن» نیز که حاوی مباحثی از جمله تعادل، تنوع، اهمیت و جایگاه رنگ در قرآن کریم است به زودی به قلم ولی کمری به چاپ می رسد. «فلسفه تربیت اسلامی» نیز عنوان کتاب دیگری در حوزه مباحث قرآنی است که با رویکردی انتقادی به فلسفه های تربیتی حاکم بر مراکز آموزشی به قلم بهروز رفیعی نگاشته شده است.

«تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» به بررسی آیات و احادیث مربوط به خانواده می پردازد. در این کتاب خانواده در سه بخش «تشکیل خانواده»، «عوامل تحکیم و تعالی خانواده» و «آسیب ها و فروپاشی آن» با استفاده از آیات قرآن و روایات ائمه اطهار (ع) به صورت منسجم بررسی شده است. نویسنده در این کتاب بانثوری روان و صمیمی با توجه به مضامین خانواده ها در جامعه امروز، تلاش داشته تا الگویی طبق قرآن و منابع اسلامی ارائه داده و خانواده ها و جوانان را در رسیدن به آرامش در زندگی هدایت کند. نویسنده در فصل اول به تشویق به تشکیل خانواده و فراگیری آداب و موانع آن پرداخته است و در فصل دوم مهربانی، عطف، تربیت دینی، پاسخ دادن به غرایز جنسی، دعا کردن و تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده مورد بررسی قرار گرفته است؛ در فصل سوم نیز آسیب های کلی خانواده و آسیب های وارده از سوی شوهر و زن به تفصیل مورد بحث قرار گرفته اند. «تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» به قلم عباس پسندیده و زیر نظر محمد محمدی ری شهری و با ترجمه حمیدرضا شیخی در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، ۵۲۰ صفحه و به قیمت ۵۰۰۰ تومان از سوی انتشارات دارالحدیث منتشر و روانه بازار چاپ و نشر شده است.

«رنگ در قرآن»

به زودی منتشر می شود

کتاب «رنگ در قرآن» به نویسندگی ولی کمری با تلاش حوزه هنری ایلام منتشر می شود. ولی کمری نقاش و نویسنده ایلامی درباره این کتاب گفت: «در این کتاب به مباحثی همچون تعادل، تنوع، جایگاه رنگ ها در قرآن کریم و اهمیت آنها در تقسیم بندی زمان و فعالیت های انسان اشاره شده است.» کمری افزود: «رنگ یکی از عوامل فعال سازی ذهن بشر است که عنصری اساسی در میان سایر عناصر مصور به شمار می رود، از همین رو نقش اساسی در چگونگی روند زندگی معنوی و عاطفی اثر دارد.» «رنگ در قرآن» با همکاری انتشارات برگ آذین در ۸۸ صفحه و در شمارگان ۲۵۰۰ نسخه چاپ منتشر می شود.

مدیر عامل مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی خبر داد

گزیده سه دهه ادبیات انقلاب، جهانی می شود

آثار برای ترجمه - با توجه به نگاه ایدئولوژیکی موجود در آنها - تا چه حد به مولفه قرین بودن این آثار به ادبیات جهان توجه شده، تصریح کرد: «نگاه ایدئولوژیکی! جزئی از ادبیات انقلاب ماست و نمی شود آن را از ادبیات منفک کرد بلکه باید آن را بشناساند و به دیگران فهماند. اگر این کتاب ها خوب شناسانده شوند جایگاه خود را در همه جایی پیدا می کنند ضمن این که گروه های کارشناسی که این کار را می کنند تمام جوانب را در نظر می گیرند و سعی می کنند به گونه ای عمل شود که جذابیت هایی که ادبیات ما بعد از انقلاب داشته، به درستی منتقل شود. به گفته حجتی، تعداد عناوین منتشر شده نشر تکا از ابتدا، (سال ۸۶) تاکنون ۱۰۰ عنوان شعر و ۱۰۰ عنوان داستان را شامل می شود و در حال حاضر ۱۵ عنوان جدید نیز مراحل نهایی چاپ را می گذرانند.

«برها هنوز نعره می کشند» اثر سید احمد میرزاده و «صلیب و ستاره» اثر سهیلا عبدالحسینی در حوزه داستان و پنج کتاب شعر با عناوین: «دیر آمدی بهار» اثر مرتضی حیدری آل کثیر، «سرمه رنگی» اثر رئیس احمد نعمایی، «حکمت مشاء» سروده بهروز خواجهات، «فصل آخر زمین» از مجید نظافت و «چلچراغ عشق» اثر ولی الحق انصاری از جمله جدیدترین آثار نشر تکا هستند که اخیراً به چاپ رسیده اند و هشت عنوان دیگر نیز مراحل نهایی چاپ را طی می کنند.



که احتمالاً این کار ترجمه این کتاب ها تا پایان امسال به سرانجام خواهد رسید.

حجتی با اشاره به این که تاکنون، هم در نمایشگاه های استانی و هم نمایشگاه بین المللی کتاب استقبال خوبی از آثار نشر تکا صورت گرفته است، ترجمه گزیده آثار ادبیات داستانی و شعر بعد از انقلاب را به زبان های دیگر، گامی در جهت معرفی دستاوردهای فرهنگی ایران به جهان دانست. حجتی در پاسخ به این سوال که در انتخاب این

مدیر عامل مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران از ترجمه گزیده ای از آثار نشر تکا (توسعه کتاب ایران) به زبان های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، عربی، اسپانیولی و روسی و همچنین از افزوده شدن ۱۵ عنوان جدید به بسته کتاب تکا خبر داد.

احسان الله حجتی در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر، درباره نحوه ترجمه این آثار گفت: «قصد داریم از مجموعه کتاب هایی که تاکنون در نشر تکا به چاپ رسیده اند، که به طور مشخص حوزه شعر و داستان سه دهه بعد از انقلاب را شامل می شوند، تعدادی را با نظر گروه های کارشناسی و خود مولفان انتخاب کنیم بدین معنا که مثلاً از مجموعه ۱۰۰ جلد داستان یا شعر، ۲۰ عنوان را به دست مترجمان بسپاریم.»

حجتی افزود: «در حال حاضر انتخاب آثار انجام شده و رایزنی هایی نیز برای ترجمه این آثار صورت گرفته است اما به دلیل حساسیتی که در کار ترجمه از جهت انتقالی درست مفاهیم و بسیاری مولفه های دیگر وجود دارد، این کار با دقت بیشتر و سرعت پیگیری می شود.»

حجتی همچنین با تأکید بر این که ترجمانی که می خواهند این کار را انجام دهند باید توانایی های لازم را در امر ترجمه داشته باشند، یادآور شد: «تمهیدات اولیه صورت گرفته و تاکنون گروه های مختلفی انتخاب شده اند و در حال حاضر آماده کارند»

«محقق»، دبیر کنگره شعر دفاع مقدس شد

حسین زنجانی، مدیر انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس از انتخاب جواد محقق به عنوان دبیر علمی هجدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس خبر داد و افزود: «سوابق درخشان این شاعر پیشکسوت در طول سی سال گذشته و حضور مستمر در حوزه ادبیات و فرهنگ مقاومت، از جمله عوامل موثر در انتخاب وی بوده است.»

زنجانی با اعلام این خبر اظهار داشت: «جواد محقق، شاعر انقلاب و دفاع مقدس، طی حکمی از سوی سردار میر فیصل باقرزاده، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، به عنوان دبیر علمی هجدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس منصوب شد.»

نویسنده کتاب «مزد مقاومت» تصریح کرد: «جواد محقق، در روزهای اول انقلاب با همراهی زنده یادانی چون قیصر امین پور و سید حسن حسینی، حلقه فرهنگ و هنر انقلاب را تشکیل دادند و این حضور تأثیر گذار، تاکنون ادامه یافته است.»

هجدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس، به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در پایان سال ۸۸ برگزار خواهد شد.

خریداری نسخ خطی یمن از سوی کتابخانه مجلس

کتابخانه مجلس شورای اسلامی حدود ۷۰۰۰ تصویر دیجیتال نسخ خطی موجود در یمن را خریداری کرد. این نسخه ها روی ۶۲۰ لوح فشرده قرار دارد و از بهترین نسخ موجود در این کشور است که توسط مؤسسه امام زید تصویربرداری شده است.

برخی از این نسخه ها مربوط به قرن های پنجم و ششم هجری و بسیاری از آنها از آثار مربوط به زیدیه و معتزله، است. اهمیت دیگر این مجموعه آن است که بیشتر به روستاها و خانواده ها تعلق دارد و دیجیتال سازی

انتشار انگلیسی دیوان پروین

نخستین ترجمه کامل اشعار پروین اعتصامی، شاعر فقید، به زبان انگلیسی به کوشش مهدی افشار از سوی نشر سمیر منتشر شد. به گزارش ایونا این ترجمه که به کوشش مهدی افشار انجام شده است نخستین ترجمه اشعار پروین اعتصامی به زبان انگلیسی است که در قالب مجموعه ای همراه با متن فارسی اشعار به صورت ترجمه سطر به سطر منتشر شده است.

این مجموعه همراه تذهیب شش رنگ به شکل نفیس و با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۶۰۰۰ تومان توسط این مؤسسه منتشر شده است.



کتاب فصل به خوان هشتم رسید



محمدعلی رضائی فرانی، دبیر جایزه ادبی کتاب فصل، از برگزاری هشتمین دوره این جایزه در آخرین روز بهار خبر داد. در این دوره از جایزه ادبی کتاب فصل، بیش از پنج هزار اثر منتشر شده در زمستان سال گذشته با هم رقابت کرده اند. جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مولفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته و با هدف ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی، به همت مؤسسه خانه کتاب برگزار می شود.

در هشتمین دوره جایزه کتاب فصل، از پدیدآورندگان کتاب در رشته های مختلف تجلیل خواهد شد. در این دوره، بیش از پنج هزار کتاب منتشر شده در زمستان سال ۱۳۸۷ برای شرکت در این جشنواره ادبی با هم رقابت کرده اند.

به گزارش دبیرخانه جایزه کتاب فصل، ۲۱۵ اثر از پنج هزار کتاب ارسال شده به دبیرخانه به مرحله دوم داوری راه یافته اند که پس از بررسی و داوری در مرحله پایانی، برگزیدگان این دوره معرفی خواهند شد. جایزه کتاب فصل با هدف حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مولفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی، برگزار می شود. هشتمین جایزه کتاب فصل، ۳۱ خرداد در سرای دائمی اهل قلم، برگزیدگان خود را در رشته های مختلف معرفی می کند. این جایزه به همت مؤسسه خانه کتاب برگزار می شود و محمدعلی رضائی فرانی، دبیر علمی آن است.

گران ترین جایزه ادبی کودک و نوجوان بدون نمایندگان ایران

سه نهادی که به نمایندگی از مسوولان برگزارکننده جایزه ادبی آسترید لیندگرن، همه ساله نامزدهای ایرانی را برای شرکت در این جایزه معرفی می کنند، امسال هیچ کدام از فعالان عرصه ادبیات کودک و نوجوان کشورمان را به گران ترین جایزه ادبی کودک و نوجوان جهان معرفی نکرده اند.

شورای کتاب کودک به همراه موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان سه نهادی هستند که نمایندگان ایران را برای حضور در جایزه ۵ میلیون کرون سوئد معرفی می کنند که امسال با توجه به شانس پایین فعالان ادبی ایران برای کسب این جایزه، از معرفی نماینده کشور در این جایزه خودداری کرده اند.

هر ساله رقابت های بین المللی ادبی فراوانی با رویکردهای متفاوت به صورت تخصصی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان در سراسر جهان برگزار می شود که در این میان دو جایزه آسترید لیندگرن و هانس کریستین آندرسن معروفترین آنها هستند. با وجود برگزاری چنین جوایز بزرگی معمولاً حضور نویسندگان ایرانی در رقابت های مهم ادبی جهان، حضوری کم رنگ و نامحسوس است. توران میرهادی، عضو هیات مدیره شورای کتاب

کودک درباره عدم معرفی نامزد ایرانی برای جایزه لیندگرن گفت: در مجموع به این نتیجه رسیدیم که آنها به طور سلیقه ای این جایزه را اهدا می کنند و نامزدهای ما شانس برای دریافت این جایزه ندارند. میرهادی که خود در سال های گذشته نامزد دریافت جایزه لیندگرن بوده است با اشاره به هزینه های معرفی نامزد برای جوایز ادبی می گوید: ارسال آثار و ترجمه های فراوان از مدارک مختلف هزینه زیادی برای معرفی یک نامزد تحمیل می کند که با توجه به این هزینه دستاورد یک معرفی مورد سنجش قرار می گیرد.

میرهادی درباره اینکه آیا مسائل سیاسی نیز در اهدای این جوایز تاثیرگذار است یا خیر می گوید: آنها در اهدای جوایز به ترویج کتابخوانی توجه دارند که این بخش تا حدودی به سلیقه های داوران بستگی دارد.

آسترید لیندگرن، نویسنده نامدار کودکان و نوجوانان سوئدی، خالق «پی پی جوراب بلند» یکی از محبوب ترین و معروف ترین نویسندگان جهان است. او در سال ۲۰۰۲ در سن ۹۴ سالگی درگذشت. دولت سوئد برای زنده نگاه داشتن نام او، جایزه ادبی لیندگرن را از سال ۲۰۰۲ به منظور قدردانی از مروجان



آسترید لیندگرن

تصویرگران، مولفان و قصه گوین فعال جهان در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان در قید حیات هستند، برگزار می کند.

این جایزه پنج میلیون کرون (۶۵۰ هزار دلار) به لحاظ مالی اولین و بزرگترین جایزه جهانی در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه جهانی در حوزه ادبیات است.

کتاب دیگری درباره محمود درویش منتشر می شود

«هر روز زاده می شوم»، شامل گفت وگویی که روزنامه الحیات با محمود درویش، شاعر فقید فلسطینی انجام داده، به فارسی ترجمه شد و در قالب کتاب منتشر می شود.

این کتاب را محمد حزایبی زاده به فارسی ترجمه کرده و نشر آشیان آن را به بازار کتاب ایران عرضه می کند. «هر روز زاده می شوم» با نام فرعی «گفت وگو با محمود درویش و گزیده اشعارش» شامل گفت وگویی مطبوعاتی است که عده وازن، منتقد لبنانی و دبیر گروه فرهنگی روزنامه الحیات، با محمود درویش انجام داده است.

این گفت وگو، علاوه بر روزنامه الحیات در فصل نامه عربی زبان «الکرمل» هم چاپ شده، اما تاکنون به صورت کتاب منتشر نشده است. درویش در این گفت وگو به شعر خودش، تاریخ شعر عرب و نقد آن می پردازد. ناشر ایرانی ترجمه برخی از سروده های درویش را هم در این کتاب گنجانده است. این کتاب در ۱۲۸ صفحه چاپی روانه کتاب فروشی های ایران می شود.

محمود درویش، شاعر فلسطینی که به او لقب شاعر ملی این کشور را داده اند، سال ۱۹۴۱ میلادی متولد شد. سال ۱۹۴۸ پس از اشغال فلسطین از سوی



صهیونیست ها مجبور به مهاجرت از سرزمین خود شد. مدتی در مسکو سکونت گزید و سپس به مصر مهاجرت کرد. وی در این کشور و تحت فشار مجامع صهیونیستی، مدتی را در حبس گذراند و پس از آن آشکارا فعالیت های سیاسی اش را برای راهی فلسطین اشغالی پی گرفت و به سرودن اشعار با مضامین اعتراضی و مدح آزادی پرداخت. وی پس از سالهای تبعید، در سال های پایانی قرن بیستم موفق شد به سرزمین خود باز گردد.

از سروده های درویش می توان به مجموعه های «گنجشک های بی بال» (۱۹۶۰)، «برگ های زیتون» (۱۹۶۴)، «عاشقی از فلسطین» (۱۹۶۶)، «تحت بیگانه» (۱۹۹۹)، «دیواریه» (۲۰۰۰) و «موقعیت محاصره» (۲۰۰۲)، اشاره کرد. تاکنون جوایزی چون ابن سینا، لوتس از انجمن نویسندگان آفریقایی-آسیایی، جایزه هنرهای حماسی، و آزادی فرهنگی از بنیاد لبنان و جایزه ناظم حکمت به این شاعر تعلق گرفته است. پیش تر ترجمانی چون موسی بیدج، جاهد جهانشاهی، یوسف عزیزی، صابر امامی، امیره ضمیری و موسی اسوار، برخی از سروده های محمود درویش را به فارسی ترجمه کرده اند.

سرقت طرح های پیکاسو در پاریس

کتابچه قرمز رنگی که دربرگیرنده ۳۳ طراحی مدادی پیکاسو بود، از موزه پاریس به سرقت رفت.

به گزارش «سافرانسیسکو کرونیکل»، یک اثر متعلق به پیکاسو که شامل ۳۳ طراحی او بود، صبح روز سه شنبه از موزه پیکاسو شهر پاریس به سرقت رفت. به گفته یکی از مقامات پلیس، ارزش تقریبی این کتاب به ۱۱ میلیون دلار می رسد. وزیر فرهنگ فرانسه اعلام کرد که این دزدی در ساعات بین نیمه شب دوشنبه و صبح سه شنبه صورت گرفته و ربایندگان با باز کردن محفظه شیشه ای این اثر، آن را دزدیده اند. این در حالی است که باز کردن این محفظه نیازمند یک ابزار ویژه بود. تاریخ خلق این مجموعه ۱۶ در ۲۴ سانتیمتری، به سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۴ میلادی بازمی گردد. مقامات پلیس تمایل ندارند تا این موضوع را عمومی کنند. به گفته پلیس فرانسه، اتاق محل نگهداری این کتابچه، سیستم امنیتی و نظارتی نداشته است. پلیس فرانسه در سال ۲۰۰۷ موفق شد دو نقاشی و یک طراحی متعلق به پیکاسو را که از خانه نوه یک هنرمند به سرقت رفته بود کشف کند. ارزش تقریبی این سه اثر به ۶۶ میلیون دلار می رسید. پیش از این نیز در سال ۱۹۹۴ هفت نقاشی پیکاسو با ارزش تقریبی ۴۴ میلیون دلار از یک گالری در زوریخ به سرقت رفته بود.

انتقاد از مسابقه «امیر شعرای عرب»

سومین دوره برگزاری مسابقات بین المللی «امیر شعرای عرب» با شدیدترین انتقادهای هیات داوران این مسابقه روبه رو شد.

به گزارش روزنامه اردنی الدستور، برخی از شعرای مشهور عرب از این که افرادی برای هیات داوران این دوره از مسابقه بین المللی «امیر شعرای عرب» انتخاب شده اند که تجربه چندانی در زمینه شعر ندارند و برخی از آنها حتی شعر چاپ شده هم ندارند، به شدت انتقاد کردند. پس از پایان جلسه ای که برای انتخاب داوران ترتیب داده شده بود، کسانی که به جمع داوران مسابقه راه نیافتند و ناکام از جلسه بیرون آمدند بلافاصله به مقابل دوربین های خبری رفتند و گردانندگان این مسابقه را برای شیوه گزینش هیات داوران این دوره مورد انتقاد قرار دادند. دکتر «عبدالمالک مرتاض» یکی از کسانی که نسبت به گزینش داوران انتقاد داشت در این باره گفت: «هر شاعری که برای هیات دوران انتخاب می شود باید بداند که مسئولیت بزرگی بر دوش اوست. زیرا هیات داوران ابتدا شعر او را مورد بررسی قرار می دهند. این نشان می دهد که مسئولیت هر کسی که به عنوان یکی از داوران هیات داوران انتخاب می شود تا چه اندازه سخت و طاقت فرسا است.» این مسابقه دو سال است که در ابوظبی پایتخت امارات برگزار می شود.

جنبش شکست حصر غزه آغاز شد

مشارکت جنبش غزه آزاد، مبارزه برای شکستن حصر این منطقه را با ارسال فایده های حامل کتاب و سایر محصولات فرهنگی آغاز کرد. بر اساس گزارش های آژانس رفاه و کار سازمان ملل، رژیم صهیونیستی ارسال جوهر، کاغذ و سایر محصولات آموزشی به غزه را محدود کرده و این اقدام برای اعلام همبستگی و مقاومت در برابر

جنبش شکستن حصر غزه با ارسال کتاب به این منطقه آغاز شد. به عقیده حامیان این جنبش، این تلاش به نهاد های آموزشی سراسر دنیا امکان می دهد از طریق اهدای کتاب های نو یا دست دوم از حق مردم فلسطین برای آموزش و تحصیل دفاع کنند. به گزارش «مانتلی ریویو»، دانشگاه الاقصی با

حاشیای جنبش شکستن حصر غزه با ارسال کتاب به این منطقه آغاز شد. به عقیده حامیان این جنبش، این تلاش به نهاد های آموزشی سراسر دنیا امکان می دهد از طریق اهدای کتاب های نو یا دست دوم از حق مردم فلسطین برای آموزش و تحصیل دفاع کنند. به گزارش «مانتلی ریویو»، دانشگاه الاقصی با

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

یادداشت هایی از اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از خانواده کتاب دوستان به دید مخاطبان خود می گذارد، این هفته یادداشت هایی از مرتضی سرهنکی، نویسنده و منتقد، بهروز کهری نویسنده و روزنامه نگار، رضا نجفی، نویسنده و منتقد ادبی، مصطفی مستور، داستان نویس و ملای کاشیگر، نویسنده و مترجم را برای انتشار برگزید. همچنین، بخشی از صفحات پایانی کتاب «دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آید در میانه میدان» اثر نادر ابراهیمی، نویسنده فقید، همزمان با نخستین سالروز درگذشت این نویسنده در این بخش از «ایبنا» منتشر شده است.

سرهنکی به مناسبت سالروز واقعه ۱۵ خرداد، یادداشت خود را به کتاب های منتشر شده درباره این واقعه تاریخی اختصاص داده است. کهریزی در ادامه یادداشت دیگری که هفته گذشته در اختیار «ایبنا» قرار داده بود، درباره رده بندی و فهرست بندی کتاب های کودکان و نوجوانان قلم زده است. رضا نجفی یادداشتی با عنوان «پدیده هسه» در اختیار «ایبنا» قرار داده است و در آن درباره اقبال کتابخوانان ایران از نوشته های هرمان هسه، نویسنده آلمانی نوشته است. مستور در یادداشت خود از گونه ادبی «مینی مالیزم» نوشته و آن را به سرعت زندگی ماشینی مربوط دانسته و کاشیگر تفاوت های ادبیات مجازی و اینترنتی را با ادبیات کاغذی بیان کرده است.

آنچه در سرای اهل قلم گذشت

«ایبنا» مشروح گزارش تمام برنامه های سرای اهل قلم طی هفته گذشته را انعکاس داده است. از میان این برنامه ها می توان به نقد کتاب «چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟» با حضور سیاوش جمادی، بیژن عبدالکریمی و فرید اوبلی، جلسه نقد کتاب «دیگر اسمت را عوض نکن» نوشته مجید قیصری و نشست هایی چون «تاثیر شورایی و ارتباط بدون خشونت»، دومین نشست از سلسله نشست های مولانا پژوهی و نقد کتاب «زردشت و گاهشمار ایران» اشاره کرد.

گفت و گوهای خبری با نویسندگان

خبرنگاران «ایبنا» هفته گذشته گفت و گوهای چالشی و خبری با اهالی کتاب و قلم منتشر کردند که از میان آنها می توان به مصاحبه هایی با افرادی چون علیرضا روشن، مسوول بازآفرینی «اسرار نامه عطار» در مجموعه «یکی بود یکی نبود»، ابوالقاسم اسماعیل پور، اسطوره پژوه و مترجم که به تازگی ترجمه فارسی تمامی سروده های اکتاویو پاز، شاعر مکزیکی را به فارسی ترجمه کرده و حسن احمدی، نویسنده حوزه کودک و نوجوان اشاره کرد.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته آخرین اخبار از ساخت و راه اندازی موزه فردوسی، آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی زبان رساند.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبرانتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهای پدید آورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

احداث ۷ مرکز فرهنگی و کتابخانه در کردستان

از محل اعتبارات سفر مقام معظم رهبری به کردستان، هفت مرکز فرهنگی و کتابخانه در این استان احداث می شود. همچنین در شهرستان خرمدره زنجان تا پایان سند چشم انداز ۲۰ ساله دو کتابخانه استاندارد ساخته خواهد شد. در شهرستان گرمی نیز با برگزاری نمایشگاه کتاب، ۴۰۰ عنوان کتاب در دسترس علاقه مندان قرار گرفت. به گفته مدیر کل کتابخانه های عمومی استان لرستان نیز تا پایان سند چشم انداز ۲۰ ساله، پیش بینی شده ۱۰ کتابخانه استاندارد در شهرستان بروجرد لرستان ساخته شود.

هفت مرکز فرهنگی - هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در استان کردستان از محل اعتبارات سفر اخیر مقام معظم رهبری به این استان، احداث و راه اندازی می شوند.

عباس حسین پناهی، مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کردستان با بیان این خبر افزود: ۴ مرکز ثابت در شهرستان های مریوان، بانه، زیویه و موچش، یک مرکز کانون زبان در سنندج، کتابخانه سیار مرزی بانه و کتابخانه سیار مرزی سقز به مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کردستان افزوده خواهد شد. به گفته وی عملیات ساخت این مراکز از سال ۸۹ از محل اعتبارات سفر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای به استان آغاز می شود.

ساخت ۲ کتابخانه استاندارد در خرمدره

تا پایان سند چشم انداز ۲۰ ساله (پایان سال ۱۴۰۴)، دو کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ متر مربعی در شهرستان ۶۰ هزار نفری خرمدره زنجان ساخته می شود.

مدیر کل کتابخانه های عمومی استان زنجان، با اعلام این خبر، افزود: «از جمعیت ۶۰ هزار و ۴۹۹ نفری شهرستان خرمدره، ۴۸ هزار و ۳۹۸ نفر شهروندان و مابقی ساکن روستا هستند. ۱۲ هزار و ۱۰۱ روستائین خرمدره به یک کتابخانه دسترسی دارند و سه کتابخانه نیز در اختیار جمعیت شهری شهرستان است.»

محمدربیع احمدخانی همچنین تعداد کتابخانه های شهرستان ابهر را ۱۲ باب عنوان کرد و گفت: «تا پایان برنامه پنجم توسعه باید یک کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ متر مربعی و نیز کتابخانه مرکزی شهرستان با زیربنای سه هزار متر مربع در ابهر ساخته شوند. همچنین باید در فاصله پایان برنامه پنجم توسعه تا پایان سال ۱۴۰۴، دو کتابخانه استاندارد در این شهرستان به بهره برداری برسند.»

وی افزود: «تا پایان سال ۱۳۹۳، اهالی شهرستان خدابنده صاحب یک کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ متر مربعی می شوند. همچنین در نقشه توسعه عمرانی، یک کتابخانه ۶۵۰ متر مربعی در یکی از شهرهای کم جمعیت خدابنده ساخته خواهد شد.»

ضیافت کتاب در شهرستان گرمی

نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی گرمی با عرضه ۴۰۰ عنوان کتاب هفدهم خردادماه افتتاح شد.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این نمایشگاه، به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان گرمی، بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب به نمایش گذاشته شد.

در افتتاحیه این نمایشگاه گفته شد با توافق مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرماندار شهرستان گرمی، محلی برای برگزاری نمایشگاه دائمی این شهرستان مرزی در نظر گرفته شده است. در پایان این مراسم، تعدادی کتاب به بازدیدکنندگان اهدا شد.

مدیر کل اداره کتاب وزارت ارشاد:

حضور بانوان در عرصه های مدیریتی چشمگیر است

ظرافت بیشتری انجام داده اند.» رضانی داشتن آشنایی کامل با موضوع بررسی کتاب و دارا بودن صلاحیت های عمومی از جمله تعهد و پابندی به مسائل اخلاقی را از جمله ویژگی های لازم برای برسان عنوان کرد و گفت: «کسانی که در این زمینه کار می کنند باید در حوزه مورد نظر، تخصص لازم و کافی و با فرهنگ ملی و دینی ما آشنایی کامل داشته باشند. در صورتی که چنین توانمندی هایی از سوی اداره در مورد افراد، احراز شود، زمینه همکاری در این حوزه فراهم می شود که خوشبختانه، بانوانی که اکنون با این اداره همکاری می کنند واجد این ویژگی ها هستند.»

رضانی همچنین به برگزاری دوره های آموزش عمومی در اداره بررسی کتاب اشاره کرد و اظهار داشت: «دوره های آموزشی که در این اداره برگزار می شود غالباً دوره های عمومی مربوط به مشاغل مختلف است که معمولاً از سوی بانوان با استقبال و علاقه مندی بیشتری روبه رو می شود.»

مدیر کل اداره کتاب وزارت ارشاد با اشاره به این که میزان حضور بانوان در تمامی عرصه های جامعه از ابتدای انقلاب تاکنون با نوسان چندانی روبه رو نبوده است، تصریح کرد: «حضور بانوان هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی از ابتدای انقلاب تاکنون، حضوری تاثیرگذار بوده و به نظر می رسد چنین نبوده که دولت های مختلف کمیت یا کیفیت این حضور تفاوت معناداری داشته باشد، به عبارتی این گونه نبوده که دولت ها بخواهند روی آن تاثیرگذار باشند.»

رضانی افزود: «در بحث هایی که طی این سال ها در این زمینه انجام شده است، اگر به جهات نظری هم شک و تردیدهایی بود به لحاظ فرآیند عملی که از ابتدای انقلاب تا امروز شاهد بودیم، ابهامات موجود تا حد زیادی در این مورد برطرف شده است.»

پرننگ و چشمگیر دانست و گفت: «اکثریت کارمندان اداره کتاب را بانوان پر تلاشی تشکیل می دهند که در سطوح مختلف تحصیلی - هم در بخش های مدیریتی و هم در امور اجرایی - با این اداره همکاری دارند.» رضانی در پاسخ به این سوال که آیا بانوان برسر در این حوزه با مشکل خاصی روبه رو بوده اند اظهار داشت: «تاکنون مشکل خاصی وجود نداشته و سطح کار خانم ها اگر بهتر از آقایان نبوده باشد، کمتر هم نیست و چه بسا در بعضی موارد کارشان را با دقت و

حضور بانوان در عرصه های فرهنگی کشور از جمله در اداره کل کتاب چشمگیر و تاثیرگذار بوده همچنان که تعدادی از بررسان این اداره در حوزه های ادبیات داستانی، روان شناسی، شعر و دیگر حوزه های تخصصی، بانوان هستند.

محمدعلی رضانی فرانی، مدیر کل اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت و گو با کتاب هفته با بیان مطلب بالا، حضور بانوان را در سطوح مدیریتی و اجرایی اداره کل کتاب، حضوری

برنامه های سرای اهل قلم در این هفته

سلسله نشست های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز، بیست و سوم خرداد سلسله نشست های مولوی پژوهی این سرا با موضوع تفکر مولوی، با حضور دکتر ان شاء الله رحمتی و دکتر پرویز عباسی داکانی ادامه می یابد.

کارگاه ترجمه با حضور دکتر عباس پژمان و نقد و بررسی کتاب «روایت داستانی: بو طبقای معاصر» با حضور دکتر محمد شهباء، دکتر ابوالفضل حری، سید شهاب الدین ساداتی و بهمن خلیفه نشست های یکشنبه این هفته را تشکیل می دهند. دوشنبه نیز رونمایی از کتاب «ارج نامه» پاسداشت مقام علمی دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی با حضور دکتر غلامرضا اعوانی و دکتر محسن جهانگیری، دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر حداد عادل و دکتر مصطفی محقق داماد و همچنین نشست کارگاه ترجمه با حضور دکتر عباس پژمان برگزار می شود. سه شنبه نیز دکتر فرهاد ناظر زاده کرمانی و سعید اسدی با موضوع «نقد فرهیخته: رویکردهای نقادی به هنر نمایش» به سخنرانی می پردازند و در همین روز همزمان در سالن دیگر این سرا، مراسم گرامیداشت مقام علمی و ادبی امان الله قرشی با حضور دکتر فتح الله مجتبابی، دکتر رحیم رضازاده ملک و دکتر شهرام هدایت برگزار می شود.

دو نشست آخر این هفته نیز چهارشنبه به موضوع بررسی علل افزایش آمار مرگ و میر ناشی از تصادفات جاده ای با حضور زهرا محمدی پیکر، افشین افراشته، شیرین احمدنیا، علی رضا مغیثی و پروانه زاهدی فر و نشست دیگر با موضوع روان شناسی انسانی با حضور دکتر سید مرتضی نوربخش و سید محمود میر سلیمی اختصاص دارد. تمامی نشست های این سرا، به استثنای نشست نقد و بررسی کتاب «روایت داستانی: بو طبقای معاصر» که ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ برگزار می شود، ساعت ۱۷ تا ۱۹ برپا خواهند شد.

سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، پلاک ۲ واقع شده و شرکت در نشست های این سرا برای عموم آزاد است.

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذرماه ۱۳۸۸، هم زمان با سلروز تولد نویسنده توانا و صاحب سبک جلال آل احمد برگزار می شود. موضوع های مورد ارزیابی هشت داوران عبارتند از:

- داستان بلند
- داستان کوتاه
- مستند نگاری
- تاریخ نگاری
- نقد ادبی

از تمامی نویسندگان، منتقدان، ادیبان، تاریخ نگاران و ناشران دعوت می شود، آثار خود را که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۸۸، به دبیرخانه ارسال کنند.

به نترات برگزیده در هر کدام از رشته های این جایزه، نشان ادبی جلال آل احمد، تندیس، لوح تقدیر به اعضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۱۱۰ سکه بهار آزادی اهدا می گردد.

- برگزیدگان نخستین دوره: داستان: قاعده بازی، تالیف فروز زوزی جلالی، تهران، نشر علم. از دهاکشان، تالیف یوسف حلجانی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه. نقدایی: امین آینه، تالیف حسینی قبادی با همکاری محمدپیرلوندی، تهران انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. از اسطوره تا حماسه، تالیف سجاد آبدلو، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. تاریخ نگاری و مستندنگاری: پیدایی تا فرجام سازمان مجاهدین خلق، به کوشش جمعی از پژوهشگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ - تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۲ - تلکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

هر هفته با کتاب هفته

تلفن سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶

چاپ ابوز

تلفن: ۶۶۴۴۴۰۰

دورنگار: ۶۶۹۱۰۷۴

کتاب - مجله - نشریه

جعبه، لیبیل، گاتوگ، تقویم، سررسید



گپ و گفت با زنان کتابفروش

زنان موفق در مشاغل مردانه



می کنند. معمولاً زنانی هم که به فکر راه اندازی کتابفروشی می افتند، همان گام اول از پس جنبه های اقتصادی آن بر نمی آیند و از جانب نهادی هم حمایت نمی شوند. البته، این که برخی زنان از پس هزینه راه اندازی کتابفروشی بر نمی آیند، به نظر ارتباطی با جنس زن ندارد، زیرا این مشکل در بسیاری از عرصه های

هنوز با نظراتی مبتنی بر تفکیک شغلی روبه رو می شویم. کتابفروشی هم که زیر مجموعه ای از عرصه نشر به حساب می آید مانند بسیاری از عرصه های دیگر با این مشکل روبه روست. فرشته سنگری در این باره می گوید: «کتابفروشی شغلی است که به قول معروف باید پایش نشست صبح و شب نمی شناسد. به هر حال در دوره ای افراد باید به خانواده شان برسند و درست همین جاست که مشکل پیش می آید، چون کتابفروش زن باید از صبح تا شب سر کارش باشد و حتی برای برپایی نمایشگاه کتاب به شهرستان برود. ما باید یک هفته دور از خانه و در نمایشگاهی که محیطی مردانه دارد، کار کنیم و غیر از آن، بار سنگین کتاب ها، حمل و نقل و بسته بندی و هزار و یک مشکل دیگر را به دوش بکشیم. بعضی از این مشکلات را می توان به کمک همکاران حل کرد، اما نگاه برخی از افراد جامعه نسبت به زنانی که این کارها را انجام می دهند، خودش حکایت دیگری دارد. جسارت زیادی می خواهد که با نگاه جنسیتی حاکم بر این شغل، زنی وارد عرصه کتابفروشی شود. معمولاً هم برخی زنان کتابفروش به دلیل این نگاه، بعد از یکی دو سال از این حرفه زده می شوند و عقب می کشند.»

زنان با اعتماد به نفس می آیند

طبق گزارش آمار «نامه چاپ و نشر» که در سال ۱۳۸۲ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد، ۶۳۰۴ نفر در کتابفروشی های کل کشور مشغول به کارند که ۹۵/۵ درصد آنان مرد و فقط ۴/۵ درصد زن هستند. بیشترین تعداد زنان شاغل در کتابفروشی ها مربوط به استان تهران (۴۷/۵ درصد کل زنان شاغل) است. در استان های آذربایجان غربی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد نیروی انسانی زن در کتابفروشی ها گزارش نشده است و به نظر می رسد هنوز هم بعد از گذشت شش سال تغییر چندانی در این آمار رخ نداده باشد.

زهرا رضانی مدیر کتابفروشی انتشارات پارت با اشاره به اندک بودن تعداد زنان کتابفروش می گوید: «در فرهنگ ما هنوز آن طور که باید، کار کردن زن در شغل هایی که زمانی مردانه محسوب می شدند، جا نیفتاده است، اما بالاخره باید از جایی شروع کرد اما خوشبختانه زنان با اعتماد به نفس و علاقه، قدم به این عرصه گذاشته اند و برخی هم موفق شده اند اسم و رسمی برای خودشان در میان کتابفروشی ها دست و پا کنند.» رضانی که همه خانواده اش در کار نشر فعالیت می کنند، با مشکلات حاشیه ای شغلش کمتر دست به گریبان است و می گوید: «ورود من به این حوزه توفیق اجباری بود. با این که رشته تحصیلی ام حسابداری است، اما بعد از آشنایی با همسر که ناشر است، ناخودآگاه وارد این حرفه شدم. اما حالا بعد از ۲۰ سال نمی توانم از کتاب دل بکنم. خوشبختانه این حرفه خانوادگی ماست و مشکلی در این باره ندارم چرا که درک متقابلی بین اعضای خانواده از این حرفه و مشکلاتش وجود دارد.» اما الهه اکبری معتقد است همه زنانی که این حرفه را انتخاب می کنند، بخت زیادی برای ادامه کار ندارند. او در توضیح این موضوع می گوید: «مردان به این عرصه به چشم درآمدی برای زندگی شان نگاه می کنند، در حالی که زنان شغل کتابفروشی را از روی علاقه شخصی انتخاب

کتابفروشی ها دنیای عجیبی دارند. دور تا دور هر جاکه سر می گردانی، فقط کتاب است و نویسندگانی که انگار از جلد کتاب هایشان بیرون می خزند. اما بیشتر فضای این دنیای عجیب، در اختیار مردان است؛ انگار سند کتابفروشی ها را از همان اول به نام مردان زده اند!

کمتر زنی را می توان به عنوان مدیر کتابفروشی یا یکی از کارکنان آن سراغ گرفت و تنها وقتی امید، پنجره ای به رویمان می گشاید که نگاهی به حوزه نشر می اندازیم و به رقم حدود ۵۵۰ مجوز نشر به نام زنان در کشور برمی خوریم. درست است که زنان کتابفروش کمند، ولی همین تعداد محدود با علاقه و پشتکاری که در این عرصه دارند، باعث شده اند دایره بسته حوزه کتاب، کمی بازتر و راه برای زنانی که علاقه مند حضور و کار در این زمینه اند فراهم شود.

شکستن حصار های محدوده ممنوعه

میزان فعالیت های زنان در امور فرهنگی از یک سو به سن، وضعیت تاهل و میزان تحصیلات و از طرف دیگر، به امکانات اشتغال کشور بستگی دارد. وقتی مسئله اشتغال جمعیت کشور را برحسب جنسیت مورد مطالعه قرار می دهیم، می بینیم متأسفانه بیشتر فرصت های شغلی در دهه اخیر متعلق به مردان بوده است، اما ورود زنان به برخی شغل های به اصطلاح مردانه، نشان می دهد آنان به دنبال ارائه توانایی هایشان در این عرصه اند.

فرشته سنگری مدیر کتابفروشی افراکتاب که حدود ۱۵ سال در حوزه فروش و مدیریت کتابفروشی سابقه دارد، نظرات جالبی درباره فعالیت زنان در این عرصه ابراز می کند و می گوید: «من هیچ زن کتابفروشی را نمی شناسم که به شکل جدی و با سابقه زیاد در این حوزه فعالیت کرده باشد. اساساً کار نشر شغل مردانه ای است. خوشبختانه طی چند سال گذشته، زنان هم وارد این عرصه شده اند و به عنوان ناشر خیلی هم موفق عمل کرده اند. آمارها نشان می دهد ناشران زن خیلی موفق تر از کتابفروشان زن بوده اند.» سنگری، یکی از دلایل موفق نبودن زنان در مدیریت یا کار در کتابفروشی را آشنا نبودن آنها با ادبیات می داند و می گوید: «شناختن مخاطب، آشنا نبودن با موضوع کتاب ها و حتی طبقه بندی درست کتاب ها از جمله ضعف هایی هستند که در این حوزه دیده می شوند.»

اما الهه اکبری یکی از کتابفروشان نشر چشمه که در این زمینه هشت سال سابقه فعالیت دارد، نظرش برخلاف سنگری است. او می گوید: «زنانی که کتابفروش می شوند، حتماً با ادبیات میانه ای دارند و همین تجربه باعث کشش آنها به سمت این شغل می شود. کتابفروشی شغلی نیست که کسی بدون این که خواننده پر و پا قرص کتاب یا حتی نویسنده باشد، جذب آن شود.»

زن در عرصه مردانه

امروزه زنان در ایران، جایگاه و منزلتی دوگانه دارند؛ از نظر شاخص های بهداشتی و آموزشی، زنان ایرانی در وضعیتی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند؛ اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی در میان کشورهای در حال توسعه در رتبه پایینی قرار می گیرند. با وجود این که امروزه حضور گسترده تر و بیشتر زنان را در بازار کار نسبت به گذشته شاهد هستیم اما

کاری که به سرمایه نیاز دارد، به چشم می خورد. مهم، انگیزه بالای این قشر برای حضوری موفق است.

اگر نگاه جامعه تغییر کند

میزان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی - اجتماعی، یکی از شاخصه های مهم توسعه انسانی است. در این حال، بر مبنای باورهای سنتی، زن، نان آور خانواده نیست، چون وظیفه اصلی زن حمایت و حفاظت از سلامت خانواده است. بر مبنای این شیوه تفکر، بخشی از کارفرمایان - هم در بخش خصوصی و هم در بخش عمومی - زنان را برای انجام بسیاری از کارها ناتوان می دانند، اما در چند دهه گذشته، با ورود زنان به عرصه های مختلف شغلی و موفقیت آنها، این موانع به سرعت در حال از بین رفتن اند. به نظر می رسد حضور زنان در عرصه نشر و به ویژه شغل کتابفروشی، در چند سال گذشته شتاب قابل توجهی گرفته است و در صورت حمایت و تغییر نگاه جامعه، زنان می توانند در این حرفه به موفقیت های قابل توجهی دست پیدا کنند.

نگاه فارغ از تفاوت های جنسیتی و مبتنی بر توانایی ها و مصالح زنان در دین مبین اسلام و نظام جمهوری اسلامی، باعث شده که بسیاری از زنان، بخت خود را برای حضور کاری در عرصه های مختلف بیابانند و به یقین، عرصه کتابفروشی نیز از این موضوع مستثنی نیست.

باسمه تعالی

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵ | تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ -



رویش چون برگ تازه

«بر پیکر درختان/چون برگ تازه رستن/در جویبار جوشان/گیسو چو بید شستن/همچون بنفشه یک جا/با دوستان نشستن/چون رود در دل خاک/پوینده راه جستن/در این چنین بهاری/پیوند مهربانی/کی می توان گسستن»

او اگر چه همزمان با آمدن پرستوها به دیاری دیگر کوچید اما هرگز پیوند مهر خود را با کودکان این مرز و بوم نگسست. پروین دولت آبادی که سهم بسزایی در شعر کودک و نوجوان این سرزمین دارد، تنها شاعره پیش از انقلاب است که همراه با محمود کیانوش و عباس یمنی شریف، به سرودن شعر برای کودکان پرداخت؛ اشعاری که در نشریات آن زمان منتشر شد و سال ها بعد در قالب کتابی درآمد و با عنوان «بر قایق ابرها» در دست علاقه مندانش جای گرفت. خود شاعر درباره این مجموعه می نویسد: «این مجموعه، رهاورد عمری است که من به عنوان معلمی دوستدار کودکان و نوجوانان وطنم، در کنار کار آموزشی معمول، با سرودن شعر، در حقیقت نوعی پیوند معنوی را به منظور آموزشی جنبی، تجربه کرده ام.» او نیز چون جبار باغچه بان، نخستین حرکت های خود را در سرودن شعر کودک با سرایش لالایی برای کودکان پرورشگاهی آغاز کرد: «لالایی به طور کلی، شعری است که در کنار گهواره ها خوانده می شده و مادران بیشتر به صورت غم آویی برای بچه هایشان می خوانده اند و معمولا هم آهنگ لالایی ها، آهنگ های شادی نبودند... من سعی داشتم شعر لالایی من، شعری برای بیداری بچه ها باشد نه برای خفتن. این آن چیزی بود که بچه های پرورشگاه به آن احتیاج داشتند.»

دولت آبادی که در سال های پیش از انقلاب، ویراستار بخش کودکان انتشارات علمی فرهنگی (فرانکلین) بود، علاوه بر ویراستاری بیش از ۲۰ جلد کتاب برای کودکان، «گنجشک و وزغ»، «جمجمک برگ خزون»، «گل بادام»، «گذری بر ادبیات کودکان» و «شهر سنگی»، شعر نو را نیز در کارنامه ادبی خود دارد. موسیقی در شعر پروین دولت آبادی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ موسیقی ای که با بهره گرفتن از وزن های ساده، قافیه و تکرار حروف و کلمات پدید می آید:

«یکی روشنی روز/یکی نور شب افروز
یکی طلای زرده/یکی نقره سرده/یکی پرتو خورشید...»

معلم، پدر، مادر، باران، برف، فصل های سال، پرندگان، حیوانات، گل ها و... بیشترین موضوعات شعر این شاعر را تشکیل می دهند. او همچنین شاعری است که بیش از دیگران به قالب مثنوی توجه کرده است. اگر چه از چهارپاره، ترکیب بند، ترجیع بند، غزل و قالب نیمایی هم بهره برده است. پروین دولت آبادی به گفته کیانوش در پیشبرد روند تاریخی شعر کودک، سهم بسزایی داشته است. در دوره ای که نشانه های شعر اندرزی مشروطه هنوز به چشم می خورد، با انتشار مجله پیک در دهه ۴۰، شعرهایی از او منتشر شدند که دارای پختگی بایسته بودند. شعرهای او دارای ویژگی هایی هستند که آنها را از شعرهای شاعران پیش از خود متمایز می کند. شعرهای دولت آبادی همچنین، فاصله میان دوران کودکی و نوجوانی را برداشته است. تا پیش از او، شعرها به دوره کودکی و بزرگسالی محدود می شدند و به نوجوانان تعلق نداشتند.

«ز بهار زندگانی/تویی این زمان نشانی
تو صفا و عطر باغی/به طراوت و جوانی
که نموده بود خود را/بشناسی ار توانی...»

گفت و گو

بنفشه محمدی



گفت و گو با عرفان نظر آهاری

زنان در عرصه شعر نوجوان موفق بوده اند

ماهی پری پرید تو حوض مهتاب/جستی زد و رفت و گذشت از این آب/نقره ماه دگمه پیرهنش شد/ستاره ها پولک رو تنش شد.
عرفان نظر آهاری از شاعران شناخته شده در عرصه شعر نوجوان است. او اگر چه به شعر و نثر در کنار یکدیگر پرداخته، اما نوجوانان او را بیشتر به شاعری می شناسند. او معتقد است که شاعران زن، فارغ از جنسیت خود می توانند به همه عرصه های حسی نزدیک شوند اما نمی توانند بر ناخودآگاهی خود غلبه و عناصر و نگاه زنانه را از شعر خود دور کنند. با او درباره شعر نوجوان و عرفان شعرش گفت و گویی انجام داده ایم. او این روزها گزیده ای از شعرهای خود را برای تولید یک لوح فشرده تلفیقی شعر و موسیقی، دکلمه می کند.

موضوعات و زاویه دید در شعر، حضور حس های زنانه را در آثار می بینم. مثلا قهرمان من در یک شعر ماهی پری است و در شعر دیگری ماده ببری است که به قهرمان اصلی شعر برای عبور از سنگلاخ های زندگی کمک می کند. وقتی به کارهای گذشته ام نگاه می کنم، می بینم که یک ذهن زنانه ظریف و پنهان در آنها که تعمدی هم نبوده، ناخودآگاه من آن را به وجود آورده است.

البته فکر می کنم این مساله یک آسیب داشته باشد. چون ممکن است برخی مخاطبان پسر را از دست بدهم اما نمی توانم به خاطر این مساله، شعری را بگویم که مال من نیست! در واقع نمی خواهم روی حس های زنانه ام کنترل داشته باشم و به قول نظامی: عاریت کس نپذیرفته ام/آنچه دلم گفت بگو گفته ام. مضمون واحد تمام آثار شما - چه شعر و چه نثر - عرفان است. فکر می کنید این درونمایه تا چه حد برای نوجوانان امروزی کاربرد دارد؟

تلقی من از عرفان، صوفی گری و ترویج و تشویق گونه خاصی از عرفان نیست. بلکه مفهوم اصیل آن به معنای شناخت بهتر زندگی و خود، شناخت بهتر خداوند، انسان و موجودات هستی است. تلاش من در این شعرها این است که نوعی اتمسفر معنوی به وجود بیاورم تا نوجوانان بتوانند در آن تنفس کنند و خود را از اجزای این منظومه مقدس بدانند. پس این نوع عرفان جدا از نوجوان نیست و به دلیل نزدیک تر بودن به فطرت خود، برای درک این دنیا مستعدتر از بزرگسالان است که درگیر مسائل دیگری شده اند.

اگر بتوانیم مانند ادبیات کلاسیک، حکمت، آموزه های زندگی، طرز زیستن و عصاره حیات را در شعر نوجوان مطرح کنیم، موقعیت خوبی برای نوجوانان به وجود می آید و باعث می شود که زندگی برای آنها به عرصه مکاشفات بزرگ تر تبدیل شود و خود را درگیر عادات و تکرار نکنند. این نگاه به عرفان، مساله نوجوان امروز است. اما اگر نوع خاصی از عرفان مد نظر باشد، من هم با آن مخالفم و فکر می کنم نوجوانان با آن ارتباط برقرار نمی کنند.

اگر چه شما به عنوان شاعر و نویسنده نوجوان شناخته می شوید، اما معتقدید که آنچه می نویسید مختص گروه سنی خاصی نیست. چرا این طور فکر می کنید؟

این من نیستم که به این نتیجه رسیده ام. در واقع جامعه این نتیجه را به من گفته است. کتاب های من در کتابفروشی هادر کنار کتاب های بزرگسال عرضه می شوند و در میان کسانی که از آنها نامه یا ایمیل دریافت می کنم، از نوجوانان ۱۳ ساله تا بزرگسالان ۷۰ ساله با جنسیت ها، سن ها و شغل های مختلف وجود دارند. این است که فکر کردم لزومی ندارد در شناسنامه کتاب هایم عنوان نوجوان را ذکر کنم. برای من پیش آمده است که در نشست نقد و بررسی یک کتاب در مدرسه، دانشگاه و جمع خانم های خانه دار شرکت کرده ام که تجربه جالبی است. برای من و دوستان دیگری که در این حوزه کار می کنیم، این مساله می تواند رهیافتی به سوی ساده نویسی و رسیدن به گفتاری سهل و ممتنع باشد تا همه افراد بتوانند آن را تاولیل و تعبیر و از آن استفاده کنند.



نوجوان مطرح شوند اما ما معمولا شعر نوجوان را اجتماعی و کمی هم روانیتیک و احساساتی دیده ایم که البته رویه اجتماعی آن هم مشکافانه نیست و فضایی سطحی دارد!

زنان شاعر در سال های اخیر چه نقشی در شعر نوجوان داشته اند؟

وقتی به سابقه زنان شاعر در تاریخ نگاه می کنیم، می بینیم که به دلیل مردانه بودن فضای ادبیات و اجتماع در کل جهان، زنان مجال کمتری برای عرضه اندیشه های خود به صورت شعر یافته اند. اما ادبیات شفاهی، همواره عرصه شاعران گمنام و بی نشان زن بوده است. لالایی ها، ترانه متل ها، ترانه مثل ها، ترانه نوازش ها و ترانه نیایش ها محل بروز استعداد های زنان بوده اند. در شعر معاصر نوجوان هم تعداد زنان از مردان کمتر بوده است اما به خصوص در شعر کودک و خردسال، از شاعران موفق این عرصه بوده اند. چون تجربه زنانگی و مادرانگی به آنها کمک کرده است تا حس های لطیف تری را منتقل کنند. البته ناگفته نماند که شاعر، این توانایی را دارد که خود را جای هر کس و هر چیزی بگذارد؛ یک درخت، یک کفشدوزک یا یک انسان دیگر. بنابراین یک شاعر زن می تواند مردانه ببیند و برعکس. مثلا افسانه شعبان نژاد، شکوه قاسم نیا و ناصر کشاورز، هر سه لالایی سروده اند. در واقع ناصر کشاورز توانسته است خود را در جایگاه مادران قرار دهد و لالایی بسراید چون شاعری او بر جنسیتش غلبه کرده است.

در هر حال، شاعران زنی مثل شکوه قاسم نیا، افسانه شعبان نژاد و آتوسا صالحی از شاعران خوب نوجوان بوده اند و حضور چشمگیری در این عرصه داشته اند.

زن بودن شما به طور ناخودآگاه یا خودآگاه، چه تاثیری بر شعر و نثرتان گذاشته است؟

وقتی آثار خود را بعد از انتشار می خوانم، نگاه زنانه را به شکل پنهان و آشکار در آنها می بینم. از نام ها و شخصیت ها در نثر گرفته تا صور خیال و

به نظر شما شعر نوجوان چه تفاوت های بنیادینی با شعر کودک دارد؟

وقتی از شعر نوجوان حرف می زنیم، از محدوده ای صحبت می کنیم که یک سر آن به کودکی می رسد و یک سر آن به بزرگسالی. یعنی عناصری از کودکی و فضاهایی از بزرگسالی را در خود دارد. البته نباید فراموش کرد که نوجوانی یک مفهوم مدرن است. در تعاریف سنتی، کودکان بلافاصله از کودکی وارد بزرگسالی می شدند و محدوده نوجوانی به رسمیت شناخته نمی شد. کودکان خیلی زود وارد کار یا زندگی مشترک می شدند و رویارویی با دغدغه های زندگی، آنان را بی رحمانه به دنیای بزرگسالی پرتاب می کرد؛ بی آنکه طعم نوجوانی را چشیده باشند. امروز اما، نوجوانی تعریفی کاملا برخاسته از زمان، مکان، موقعیت های اجتماعی، امکانات اقتصادی و فضای فکری و فرهنگی در جامعه است. بنابراین، قبل از تعریف شعر نوجوان، باید نوجوان و نوجوانی را تعریف کنیم. چون مطالبات نوجوان در شعر نوجوان دخیل است، پس باید پرسید نوجوان امروز کیست و از جهان چه انتظاراتی دارد؟

اما به طور کلی باید درباره تفاوت های شعر نوجوان با شعر کودک، بگویم که شعر کودک به لحاظ قالب، موضوع، صور خیال، واژگان و... محدودیت های فراوانی دارد که شعر نوجوان بسیاری از آنها را ندارد. بنابراین در شعر نوجوان، بسیاری از موضوعات قابل طرح هستند و می توان از دایره واژگانی بیشتر و صور خیال پیچیده تری استفاده کرد و قالب های متنوع تری را به کار برد.

شعر نوجوان تا چه حد در به کار بردن مضامین و قالب های مختلف، آزاد است؟

اگر نوجوان را موجودی بدانیم که در پی نوجویی، استقلال طلبی و جست و جوگری، کشف و شناخت خود، دیگران و جهان پیرامون است، در شعر هم دنبال همین عناصر می گردد و می خواهد شعر، برای شناخت بهتر همه چیز و دریافت های عمیق از جهان، به او کمک کند و در عین حال برایش لذت بخش هم باشد. پس خیلی از موضوعات برای نوجوان به عنوان یک انسان که در ابتدای راه شناخت قرار دارد، می تواند استفاده شود. بسیاری از این مضامین نیز می توانند به او برای فهم بهتر خودش کمک کنند. قالب سنتی شعر نوجوان، در ابتدای به وجود آمدن این نوع ادبی، چهارپاره بود که به مرور کم رنگ تر شد اما امروزه هم، به کلی کنار گذاشته نشده است. از قالب های شعر نو، غزل و حتی شعر سپید هم برای نوجوانان استفاده می شود اما چهارپاره کمتر است. محدودیت های استفاده از قالب مختلف، یکی از آسیب های شعر نوجوان است که به کمبود قلمرو، قالب های شعری و مضامین متنوع انجامیده است. شاید شاعران این حوزه نتوانسته اند سرکی به حیطه هایی بکشند که کمتر سراغ آنها رفته اند. بسیاری از موضوعات ممنوع، در واقع مغفولند نه ممنوع! مغفولند، به این دلیل که کمتر کسی سراغ آنها رفته است. مثلا عشق (به تعبیری که نوجوانان از آن انتظار دارند)، مباحث اجتماعی، سیاسی، طنز، مقوله های معرفتی، عرفان، فلسفه و... هم می توانند در شعر



زهره نیلی

«امان، خدا چه شکلیه؟ ما چطور به دنیا اومدیم؟ چرا خدا بابا رو پیش خودش برد؟ من دلم می‌خواد بابا پیش ما باشه نه پیش خدا...» اینها پرسش‌های بی‌شماری‌اند که به ذهن پویا و جست و جوگر بچه‌ها می‌رسند و پدران و مادران، پاسخی برای آن ندارند چون خودشان هم آن‌گونه که باید و شاید خدا را نمی‌شناسند، همان‌گونه که مرگ و زندگی را. سوسن طاق‌دیس، نویسنده کودک و نوجوان، این‌گونه فکر می‌کند. چهاردهم خرداد با او تماس می‌گیری تا گفته‌ها و ناگفته‌هایش را درباره نقش و جایگاه زنان در داستان نویسی کودک و نوجوان بشنوی اما کارهای تازه طاق‌دیس، آنچنان بر سر شوق می‌آورد که بیشترین بخش گفت و شنودت را به پژوهش این نویسنده و پژوهشگر کودک، اختصاص می‌دهی، اگرچه با او از تاثیر زنان بر این شاخه از ادبیات هم سخن می‌گویی. طاق‌دیس، این روزها با همه توان خود می‌کوشد تا کودکان را با خدا آشنا کند. او نمی‌خواهد با کودکان از خدای خود سخن بگوید بلکه دلش می‌خواهد راه‌های شناخت خداوند را به آنها نشان دهد تا هر کس به تصور خود به آفریدگار جهان دست پیدا کند.

با سوسن طاق‌دیس، نویسنده کودک و نوجوان

و خدایی که در این نزدیکی است

چرا به پژوهش در زمینه خدانشناسی پرداخته‌اید؟

همه ما مسلمانیم و خدای یگانه را می‌پرستیم؛ خدایی که برخلاف همه ادعیان، او را آن‌گونه که باید و شاید نمی‌شناسیم و نمی‌توانیم به بچه‌ها بشناسانیم. بارها و بارها از بزرگ‌ترها شنیده‌ایم که می‌گویند: خدا در آسمان‌هاست... اگر کار بادی کنی تو را به جهنم می‌برد و در آتش می‌سوزاند و گفتن از جهنم و خدایی که بندگانش را در آتش می‌اندازد، پیش‌تر و بیشتر از خدای مهربانی است که انسان‌ها را دوست دارد، گناهانشان را می‌بخشد و آنها را به بهشت رهنمون می‌شود. زیرا گفتن از خدایی با آن مشخصات، برای کودکان بسیار ساده‌تر از پرداختن به خدای حقیقی است.

شما خدای حقیقی را چگونه تعریف می‌کنید؟

من در یک خانواده بسیار مذهبی به دنیا آمدم و بزرگ شدم. مادرم، زن روشنفکر و کتابخوانی بود که آثار و اندیشه‌های کسی چون دکتر شریعتی را می‌شناخت و پدرم برخلاف او، فردی به شدت سنتی بود که هیچ نظریه پرداز و اندیشمندی را نمی‌شناخت و تنها بندگی خود را به جامی آورد. من در این خانواده بالیدم و به شناخت خود از خدا دست پیدا کردم؛ خدایی که در آفرینش من، هدف و منظور والایی را دنبال می‌کرده؛ هدفی که این روزها به فراموشی سپرده شده است.

گفتن از آفرینش و اهداف خداوند از آن، برعهده چه کسانی است؟

خود خداوند در قرآن، انجیل و تورات به هدف از آفرینش اشاره کرده و این برعهده شاعران، نویسندگان و هنرمندان است که با زبانی جذاب و شیرین، نفس آفرینش را توجیه کنند و با بچه‌ها و بزرگ‌ترها از فلسفه آفرینش بگویند. ما به اشتباه فکر می‌کنیم ریشه بسیاری از مشکلاتمان به مسائل اقتصادی برمی‌گردد در صورتی که برای رهایی از سطحی‌نگری و روزمرگی، باید به فرهنگ و بالابردن سطح فرهنگی توجه کرد.

چگونه می‌توان با بچه‌ها از خدایی گفت که نمی‌توان او را دید و تنها باید از روی نشانه‌های بی‌شماری

که در جهان وجود دارند به وجودش پی برد؟ ما باید آنچه را خداوند درباره خود مطرح کرده، با بچه‌ها در میان بگذاریم تا آنها چیزی را که حقیقت ندارد و خرافه است، حقیقی نپندارند. بگذاریم...

طرحی را در ۶۰۰ صفحه برای ارائه به وزارت ارشاد آماده کرده و به همه این پرسش‌ها پاسخ داده‌ام؛ طرحی که نتیجه یک پژوهش بیست و چند ساله است. مساله مهم این است که ما باید روشی را برای توضیح در مورد «عالم زر» بیابیم؛ دنیایی که پیش از این دنیا آفریده شده بوده و ارواح ما که از خود خداوند بودند و بر اساس آیه قرآن، خداوند از روح خود در ما دمیده است. در آن زندگی می‌کرده‌اند.

جمله معروف «از هر دلی به خداوند، راه است» را بارها و بارها شنیده‌ایم. در منطق الطیر عطار هم وقتی «سی مرغ» به «سی مرغ» می‌رسند، چهره خود را در آینه می‌بینند چرا که هر یک تصویر خود را از خدای یگانه دارند. فکر نمی‌کنید که نویسندگان

همسفر با پروانه‌ها

«وقتی باد شروع به وزیدن کرد، بنفشه خواب بود. وقتی باد گلبرگ‌های بنفشه را با خود برد، پروانه به او رسید، روی بنفشه بی‌گلبرگ نشست. صورت یخ‌زده گل را در آغوش گرفت و بال‌های رنگارنگش را باز کرد. باد رفت. بنفشه مانند با دو گلبرگ رنگارنگ، پروانه هیچ‌وقت بال‌هایش را نیست، پروانه دیگر نپرید...»

مرجان کشاورزی آزاد، نویسنده کودک و نوجوان، به باور خود، پیش از آن که یک نویسنده باشد یک زن و یک مادر است و این ویژگی او، بر تمام آثار و اندیشه‌هایش، آگاهانه یا ناآگاهانه، تاثیر گذاشته است. او در داستان‌های خود، از جمله در «یک داستان معمولی» از انسان‌هایی سخن گفته که دچار روزمرگی شده‌اند و به جز خود به دیگری نمی‌اندیشند؛ انسان‌هایی که اگرچه به ظاهر خوشبخت و شادند و در رفاه و آسایش به سر می‌برند، اما چون کلاف سردرگم به خود تنیده‌اند و نمی‌توانند مشکلاتی را که خود پدید آورده‌اند، برطرف کنند.

کشاورزی آزاد بر این باور است که زن بودن او موجب می‌شود تا درد و رنج افراد را بیشتر و بهتر درک کند. او کودکانی که در جنگ کشته می‌شوند، زیر آوار زلزله می‌میرند، آزار می‌بینند و لب به شکوه باز نمی‌کنند را به خوبی می‌بیند و احساساتشان را بازگو می‌کند. این نویسنده، همچنین از داستان زندگی آدم‌هایی سخن می‌گوید که تنها به خواندن صفحات حوادث روزنامه‌ها می‌پردازند و از این که اتفاقی برای خودشان نیفتاده، خوشحال می‌شوند، سر در گریبان خود فرو می‌برند و از این که دنیای کوچک و حقیرشان، جهانی است با دیوارهای بلند و نفوذناپذیر، سرشار از شادی و لذت می‌شوند.

کشاورزی آزاد فکر می‌کند، نمی‌توان هنر را به هنر زنانه و مردانه تقسیم کرد چرا که آنچه اهمیت دارد انسان بودن آدم‌ها و نزدیک بودنشان به فطرت حقیقی خویش است. همان چیزی که مولانای گوید: «آدمیتی طلب کن که اصل این است، باقی دراز کشیدن است» از سوی دیگر نمی‌توان زنان را نادیده گرفت چرا که هیچ جامعه‌ای بر نمی‌خیزد وقتی نیمی از پیکره‌اش، فلج است.

این نویسنده کودک و نوجوان، باور چندانی به گروه‌سنی ندارد و گمان می‌کند: «بعضی داستان‌ها با ما رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند و هر بار، وجهه تازه‌ای از خود را به ما نشان می‌دهند که چوپان دروغگو از جمله این داستان‌هاست. البته باید به دانسته‌های کودکان و گستره واژگانی آنها هم توجه کرد، هر چند زبان فارسی این ظرفیت را دارد که در قالب ساده‌ترین کلمات، عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم را منتقل کند.»

کشاورزی آزاد در کتاب‌های خود، بسیار از عشق گفته است. او عشق را مترادف با دوست داشتن می‌داند و می‌گوید: «بچه‌ها با عشق به دنیا می‌آیند و با همه وجود آن را تجربه می‌کنند؛ آن زمان که مادر خود را می‌بوسند و می‌بویند و هنگامی که عروسک خود را در آغوش می‌گیرند و با او سخن می‌گویند، عشق را می‌آموزند.»

نویسنده کتاب «سفر پروانه»، عشق را مفهوم ساده‌ای می‌داند و می‌گوید: «کودکان با عشق زندگی می‌کنند و عشق برای آنها مفهوم ساده‌ای است اما هر چه بزرگ‌تر می‌شوند، آن را پیچیده‌تر می‌کنند در حالی که باید ممنوعیت‌های طبیعت را بپذیرند و باور کنند که عنکبوت نمی‌تواند پروانه را دوست داشته باشد.»

کشاورزی آزاد بر این باور است که باید کودکان را به خوب شنیدن عادت دهیم و برایشان، داستان‌های زیبا و شیرین بخوانیم. افسوس که تلویزیون، فرصت تخیل را از بچه‌ها می‌گیرد و دیگر مادران و مادر بزرگ‌ها رغبتی برای قصه گفتن برای فرزندان و نوه‌هایشان ندارند. او زنان را روایتگر قصه‌های کهن می‌داند و می‌گوید: «برادران گریم، بسیاری از قصه‌های کهن را از زبان زنان شنیده و جمع‌آوری کرده‌اند.»

آگاهی مان برمی‌گردد و این که کودکان را جدی نمی‌گیریم.

مانیاید کودکان را دست‌کم بگیریم. با آنها می‌توان از جدی‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل سخن گفت، اما به زبانی کودکانه. باید به آنها گفت که خداوند یک منطق کامل است و مهربانی، یکی از ویژگی‌های اوست، نه تنها ویژگی. همان‌طور که باید به آنها گفت که مهربانی تنها چشاندن خوشی به دیگران نیست بلکه خیر و شر، زشتی و زیبایی با هم هستند. شما برای رسیدن به موفقیت، باید درس بخوانید، در سرما و گرما به مدرسه بروید و...

و نویسندگان ما کمتر به این موارد پرداخته‌اند. در ادبیات دینی معمولاً به گفتن از زندگی پیامبر (ص) و امامان توجه شده و از این بزرگواران، الگوهای دست‌نیافتنی ساخته‌ایم.

ادبیات دینی ما به یک آسیب‌شناسی دینی نیاز دارد. ما در درجه نخست باید به زبانی ساده و شیرین از خداوند و ویژگی‌های او، همچنین از فلسفه آفرینش برای بچه‌ها بگوئیم. افسوس که پیش از آن که بهشت و زیبایی‌هایش را تصویر کنیم، از جهنم می‌گوئیم. البته این به آن معنا نیست که نباید درباره بزرگان دین نوشت بلکه به این معنی است که بیش از هر چیز، باید به خدای یکتایی پرداخت که فطرت بشر جویای آن است.

شما پیش از ۲۰ سال به پژوهش در زمینه خدانشناسی پرداخته‌اید. متولیان فرهنگی تا چه اندازه از شما حمایت کرده‌اند؟

من سال‌ها پیش به پژوهش در این زمینه پرداختم که در آن زمان، جامعه مذهبی به ندرت زنان و دختران را می‌پذیرفت و معتقد بود تنها عالمان و کارشناسان دینی باید به این موارد بپردازند اما امروز، شرایط به گونه دیگری است و نویسندگانی که با دنیای کودکان و ذهن و زبان آنها آشنا باشند، می‌توانند از خدا، پیامبر (ص) و بزرگان دینی بنویسند.

در داستان «یکی بود»، این مادر مورچه‌هاست که متوجه وجود خدا می‌شود و به خاطر بچه‌هایش می‌آورد که کسی مراقب آنهاست... زن بودن شما چه تأثیری بر کارهایتان داشته است؟

یکی از ویژگی‌های مهم خداوند، آفریدن است؛ صفتی که بخشی از آن بر دوش زن نهاده شده و این مسوولیت کمی نیست. من به زن بودن خود افتخار می‌کنم و خواه ناخواه، می‌توانم ردپای آن را در تمام کارهایم جست‌وجو کرد. از سوی دیگر، زنان چون با زندگی هم‌ریشه‌اند، حقیقت آن را بیشتر از مردان درک می‌کنند.

اما مردان در دامان زنان پرورش پیدا می‌کنند.

بله و زنان همواره مردان را علیه خود تربیت کرده‌اند. بسیاری اوقات به آنها گفته‌اند: گریه نکن، مرد که گریه نمی‌کند! چرا که از دنیای خشن پیرامون خود در هراس بوده‌می‌خواستند اندام‌مردانی قدرتمند پرورش دهند تا از آنها پشتیبانی کند و ناتوان و درمانده نباشند، بی‌خبر از این که آنان را با خشونت آشنا و عجزین کرده‌اند و خشونت با ذات زنان مغایرت دارد امروزه به آن خشونت نیازی نیست.



نباید ذهنیت خود را به بچه‌ها منتقل کنند؟

نه من و نه کس دیگر در پی انتقال ذهنیت خود به بچه‌ها نیستیم. ما فقط چراغی فراسوی آنها روشن می‌کنیم و پنجره‌ای به سویشان می‌گشاییم اما چگونه دیدن را خود فرامی‌گیرند. برای مثال در داستان «یکی بود»، داستان مورچه‌های سیاهی را تعریف کرده‌ام که مرتباً از سوی مورچه‌های سرخ تهدید می‌شوند و به صدای مورچه‌ها که همیشه می‌گوید «کسی با ماست و صدای ما را می‌شنود» بی‌تفاوتند تا این که...

و گفتن از مورچه‌ها تا چه اندازه بیان‌کننده حدیثی است که می‌گوید راه یافتن شرک به دل مومن به راه رفتن مورچه بر سنگ سیاه در شب تاریک می‌ماند؟

همه این احادیث، در بخشی از حافظه من، جا خوش کرده‌اند... اما دلیل نوشتن این داستان به مرگ برادرم و بی‌تابی‌های پسر بچه چهارساله‌اش برمی‌گردد که مدام از رفتن پدرش می‌پرسید و از خدایی که او را پیش خود برده و من باید به او با زبانی ساده و باورپذیر می‌قبولاندم که خدا مهربان است و وقتی آدم‌ها توان درد و رنج را ندارند، آنها را نزد خود می‌برد تا آسوده و آرام شوند.

پاسخ‌های ما به کنج‌کاوای بچه‌ها، به عدم

ما نباید کودکان را دست‌کم بگیریم. با آنها می‌توان از جدی‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل سخن گفت. اما به زبانی کودکانه. باید به آنها گفت که خداوند یک منطق کامل است



سهم زنان در بازار نشر چقدر است؟

عبور از ممیزی مردسالارانه ناشران



حوزه زنان اختصاص دهد. ما فیش های مختلفی تهیه کردیم تا بانکی اطلاعاتی از زنان فعال در حوزه کتاب فراهم کنیم؛ آنجا بود که من دیدم زنان در این حوزه خیلی فعال هستند. جایزه هایی که اخیراً در مناسبت ها و رقابت های مختلف به زنان فعال در حوزه کتاب تعلق می گیرد نیز موید همین مطلب است. به نظر من ضرورتی ندارد که زنان ناشر حتماً حامی زنانی باشند که در کار تولید کتاب فعالیت می کنند. آنها خودشان راه خود را باز کرده اند.»

پروین صدقیان، مدیر انتشارات گل آذین هم در این باره می گوید: «انتشاراتی نمی تواند خودش را به یک حوزه خاص منحصر و محدود کند، چرا که در این صورت برگشت سرمایه ریسک بالایی خواهد داشت، اگر چه ترجیح ما حوزه اجتماعی است اما مجبوریم در حوزه های دیگر نیز کار کنیم. ضمن آن که من معتقدم زن ها در هر حوزه ای که وارد می شوند باید بتوانند می توانند توانمندی هایشان را بروز دهند. علاوه بر آن باید یادآور شوم که علاقه مندی زنان به حوزه های فرهنگی، اجتماعی و هنری بیشتر است و فعالیت ناشران زن در این حوزه ها قرین موفقیت بوده است. انتشارات گل آذین البته در حوزه زنان کارهای زیادی انجام داده است و کتاب های «آرایش، مد و بهره کشی از زنان»، «فمینیسم و زیبایی شناسی»، «آزادی زنان»، «زنان و تبعیض» و «مادر سالاری» بخشی از فعالیت های این انتشاراتی در حوزه مسائل زنان است.

آنچه از مجموع این تحلیل ها بر می آید آن است که حضور زنان در حوزه نشر حضور موقتی بوده است، هر چند این حضور همواره با مشکلات پیرامونی حوزه نشر دست به گریبان بوده، اما آنچه عموماً از آن به سختی کار زنان یاد می شود تعامل و همکاری با شرکت های پخش و توزیع، چاپخانه ها و در واقع بخش سخت افزاری فرایند نشر است.

نهادی برای مطالبات جدی

وجود نظام های صنفی و اتحادیه ها و تشکل های میان افرادی که دغدغه ها، مشکلات، اهداف و نیازهای مشترک دارند، می تواند به رهیافت های موثری ختم شود که با هزینه ها و آورده های اندک، نتایج و دستاوردهای بزرگ را رقم بزند.

زنان ناشر با دغدغه ها و نیازها و اهداف مشترک چند سال پیش، گرد هم آمدند تا تشکلی را سازمان دهی کنند که خواسته ها و مشکلات اعضا را در نهاد های مسوول، بازار کتاب و دست اندر کاران نشر نمایندگی کند.

این مجمع از زنان ناشر، که بخشی از بدنه ۵۰ نفره ناشران زن محسوب می شدند، در مدت کوتاهی مورد توجه قرار گرفتند و توانستند با در اختیار گرفتن فضای فرهنگسراها و بوستان های شهر، بر مشکل دائمی خود که نقص سیستم توزیع کتاب بود، فایق آیند. این مجموعه که ناشران برجسته ای عضویت آن را پذیرفته بودند؛ هیأت مدیره و سخنگو هم داشت و به یک شبه نهاد مدنی تبدیل شده بود.

هر چند مدتی است از مجموعه فعالیت های گسترده این گروه از ناشران تنها برگزاری جلسات مستمر در اتحادیه ناشران باقی مانده است اما آنها از هیچ تلاشی برای برگزاری نمایشگاه ها و فروشنده های عمومی کتاب در فرهنگسراها و بوستان ها کوتاهی نکرده اند. البته توفیق هم حاصل نشده است!

شاید لازم است این مجموعه ناشران با ثبت یک تشکل بر فعالیت های خود صورت رسمی بدهند، آن وقت به یقین به عنوان یک نهاد صنفی می توانند مطالبات جدی تر و بنیادی تری را در حوزه نشر نمایندگی کنند.

بخشی از دغدغه ها و مطالبات زنان را نمایندگی کنند؟ موضوع این است که در همه احوال، شرایط برای تشکیل نهادهای مدنی با محوریت زنان و حقوق ایشان کاملاً مساعد و فراهم نبوده است. بعد از انقلاب، با در اختیار گرفتن سهمی از بازار تولید و عرضه کتاب از سوی زنان، این امید در نیمی از جامعه زنده شده است که بتوانند در این حوزه و در نهایت بر جریان حاکم بر فرهنگ امروز اثر گذار باشند و بتوانند نگاه مساوی و عادلانه به زن را از این رهگذار در جامعه کتابخوان نهادینه کنند و به کل جامعه تسری دهند. اما آیا زنان ناشر انگیزه لازم و کافی را برای فضا سازی و آماده سازی بسترهای این آرمان دارند؟ مدیر نشر سالی در این باره می گوید: «به نظر من حوزه فرهنگ حوزه شایسته سالاری است و کمتر می توان در آن با انگیزه حمایت از یک جریان اجتماعی اثر گذاشت. نگاه من به مؤلفان زن و مرد یکسان است. آنچه برای چاپ و نشر ارائه می کنند، ملاک قضاوت ماست. همان طور که من با مؤلفان و مترجمان مرد همکاری دارم تعداد زیادی مؤلف و مصنف و مترجم زن نیز با من همکاری بوده اند و آثارشان را منتشر کرده ام. اما این را نیز باید یادآوری کنم که مشکلاتی که برای همه زنان در جامعه وجود دارد برای من هم وجود دارد و من نیز از آن تأثیر پذیرفته ام، حتی برای کاهش این مشکلات و تغییر وضع موجود کار هم کرده ام، به ویژه کتاب هایی مثل «زنان کتک خورده» و «خشونت خانوادگی» جزو کتاب هایی است که از سوی نشر سالی منتشر شده و گمان می کنم توانسته اند تأثیر گذار هم باشند.»

زهرآ خدیوی در این حوزه، عملکرد نشر سالی را موفق ارزیابی می کند و امیدوار است با تسریع در صدور مجوزها، ایجاد شرایط یکسان و عادلانه برای حضور همه ناشران در نمایشگاه کتاب و حل پاره ای از مسائل و مشکلات عمومی ناشران بتواند این موفقیت را به حد مطلوب برسانند.

روحی افسر در این باره نگاهی متفاوت دارد، هر چند او نقطه اشتراکات زیادی با بسیاری از زنان ناشر دارد و گفته های زهرآ خدیوی را تأیید می کند، اما همچنان تأکید دارد: «در طبقه ناشران نگاه جنسیتی وجود ندارد و من لازم نمی دانم که وارد حوزه زنان بشوم، هر چند ابایی از آن نیز ندارم. ناشران باید در حمایت از آثاری که به آنها ارائه می شود یا جستجو برای پیدا کردن نویسندگان به کیفیت آثار آنها توجه کنند.»

مدیر انتشارات کلاغ سفید ادامه می دهد: «در اواخر دهه ۷۰ که من با انتشارات دنیای مادر کار می کردم، قرار بر این بود که این نشر محور فعالیت هایش را به

تولید و عرضه است. این روزها ناشری که بتواند کارش را پیش ببرد، ناشری است که کتابفروشی داشته باشد و بتواند با پخش کننده کتاب رابطه سازنده برقرار کند. مشکل ما این است که معمولاً پول را از جای دیگری می آوریم و در انتشاراتی هزینه می کنیم. یکی از علت هایی که درصد حضور زنان به لحاظ کمی در حوزه نشر و تولید کتاب افزایش پیدا کرده شاید این باشد که ناشران مرد کم کم دارند از زیر بار این کار شانه خالی می کنند. به هر حال در آمد نشر به لحاظ سرمایه گذاری و سختی کار پایین است اما آنچه امروز مهم است این که زنان در حوزه نشر بسیار فعال هستند.»

پروین صدقیان، مدیر انتشارات گل آذین نیز یکی دیگر از ناشران موفق است و از سال ۱۳۷۹ در این حوزه فعالیت می کند. وی درباره این موضوع نیز نظرات خواندنی ای دارد. صدقیان می گوید: «نشر یک شغل است مثل هر شغل دیگر. پدر من شرکت حروفچینی داشت، بعد ما این کار را ادامه دادیم و وارد حوزه نشر شدیم. نشر بیشتر از آنکه یک کار مردانه باشد، یک کار سخت و همه جانبه است و حرفه ای دشوار برای زنان. نشر یک کار تمام وقت به معنای واقعی است و زن ها که عمدتاً وظایف دیگری نیز بر دوش دارند بسیار تحت فشار قرار می گیرند، به همین علت هم هست که بعضی یا زود کنار می کشند یا به انتشار چهار کتاب در سال برای حفظ اعتبار مجوز بسنده می کنند. به نظر من زنانی که وارد حوزه نشر می شوند به دو دسته تقسیم می شوند؛ یک دسته که عاشقانه کار را انجام می دهند و یک دسته که به دلیل داشتن شرایط دریافت مجوز، جواز نشر می گیرند، اما کار را مردان انجام می دهند.»

ورود مطالبات زنانه به کتاب ها

گذشته از آن که نشر کاری زنانه یا مردانه است، می توان از این زوایه نیز به حضور زنان در حوزه نشر نگاه کرد. آیا زنان با ورود به حوزه نشر توانسته اند

روحی افسر: ما مشکلاتی در حوزه نشر داریم که ربطی به زن یا مرد بودن ناشران ندارد. مشکلاتی که همه ناشران در روند تولید تا توزیع کتاب با آن دست به گریبان هستند

تأثیر از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور زنان در عرصه های مشارکت اجتماعی، غیر جدی و کم رنگ بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نفس مشارکت جویی زنان در حوزه های مختلف اجتماعی تقویت شد و زنان نیز از پویایی این جریان برکنار نبودند. آنها تلاش کردند از فضای مردانه تولید و کار در حوزه های مختلف، سهم خود را باز پس بگیرند.

یکی از حوزه هایی که به طور جدی با حضور زنان وارد دوران تازه ای شد، حوزه فرهنگ بود. هر چند ورود زنان به این حوزه روندی آهسته داشت، اما پیوستگی آن تا به امروز باعث شده است دیگر تصور هیچ فعالیت فرهنگی بدون در نظر گرفتن سهم، نقش و تأثیر زنان راه به جایی نبرد.

حوزه فرهنگ نیز خود شاخه ها و زیرشاخه های متنوعی دارد. تولید و نشر کتاب و محصولات فرهنگی فضایی است که طی سی سال گذشته زنان در آن ورود شایسته ای داشته، کار کرده و بالیده اند و امروز به جرأت می توان گفت بخش عظیمی از تولید اثر بخش کتاب به همت ناشران زن انجام می شود.

هر چند نمی توان مدعی نوعی نگاه جنسیتی در حوزه فرهنگ به ویژه حوزه نشر شد، اما ورود زنان به حوزه نشر، بخشی از دغدغه ها، مطالبات و دیدگاه های زنانه را نیز وارد حوزه کتاب کرده است که تا پیش از این یا مورد بی توجهی قرار می گرفت یا از ممیزی مردسالارانه ناشران عبور داده می شد. این موضوعی است که در ادامه گزارش از فضای زنانه نشر به آن خواهیم پرداخت؛ فضایی که زنان ناشر، مردانه در آن می جنگند و تلاش می کنند کشتی کتاب را به ساحل نجات نزدیک کنند.

نفی نگاه جنسیتی به نگاه های تولید کتاب

زهرآ خدیوی رباب کتاب های نشر «سالی» می شناسیم. او از ناشران موفق با ۱۰ سال سابقه در عرصه تولید کتاب است. به عقیده خدیوی، ناشر بودن، زن و مرد ندارد. او در توضیح این جمله می گوید: «همه ما با مشکلات و فراز و نشیب های مشترکی مواجهیم و اختیارات و محدودیت های یکسانی داریم؛ نکته ای که در این مورد می تواند مطرح باشد، این است که در گذشته، زنان کمتر وارد فضای حرفه ای و فعالیت اقتصادی در حوزه فرهنگ می شدند اما امروز استقبال خوبی از این حوزه می شود و زنان با پذیرفتن ریسک ها وارد این فعالیت می شوند و به نشر به عنوان یک کار اقتصادی نگاه می کنند. امروز ورود زنان به بخش خصوصی به عنوان مولد آن هم در حوزه کتاب اتفاق فرخنده ای است و بخشی از آن را مرهون ورود خانم اتحادیه به عنوان نخستین ناشر زن در ایران هستیم. امروز زنان در حوزه های دیگر فرهنگی نیز توانمندی های خودشان را به اثبات رسانده اند. حضور کارگردانان زن، هنرمندان زن و در کنار آنها ناشران زن بیانگر همین توانمندی هاست. به هر حال، این اتفاق در روند توسعه اجتماعی روندی قابل پیش بینی بوده است.»

روحی افسر، مدیر انتشارات «کلاغ سفید» نیز که حضورش در عرصه نشر به سال ۱۳۶۸ بازمی گردد و تجربه همکاری با انتشارات دنیای مادر، مرکز نشر دانشگاهی و کلاغ را دارد و سپس در سال ۱۳۸۲ انتشارات کلاغ سفید را بنیان گذاشته است درباره حضور زنان در حوزه نشر می گوید: «به هر حال چه مرد باشی و چه زن می توانی در این حوزه کار کنی. البته ما مشکلاتی در این حوزه داریم، اما این مشکلات ربطی به زن یا مرد بودن ناشران ندارد. مشکلاتی که همه ناشران در روند تولید تا توزیع کتاب با آن دست به گریبان هستند. تفاوت بین ناشران در جنسیت مدیران نگاه های نشر کتاب نیست، بلکه در توانایی آنها برای



جستاری درباره سهم بانوان نویسنده در حوزه کتاب‌های دینی

ضرورت اهتمام بیشتر به ظرفیتی درخور

حضور بانوان در عرصه‌های مختلف فرهنگی در سال‌های پس از انقلاب، جلوه و نمادی دیگر داشته است.

بانوان با توجه به توانایی‌ها و استعدادها بالقوه، نگارش در حوزه‌های مختلف را در دستور کار خود قرار داده‌اند. نگاهی به

کتاب‌های منتشر شده در حوزه‌های ادبی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هنر، دینی، ورزشی و ... نشان از رشد آنان در بخش‌های مختلف تالیف و ترجمه کتاب دارد. در این میان، بحث قابل تامل، حضور چشمگیر بانوان در نگارش کتاب‌های ادبی و از سوی دیگر ضرورت حضور پررنگ آنان در حوزه کتاب‌های دینی است. در آستانه تولد بانوی بزرگ هستی، حضرت فاطمه (س) در این گزارش به بررسی چگونگی حضور بانوان نویسنده در حوزه کتاب‌های دینی پرداخته‌ایم.

خودم نه، همسر یا برادرم!

ناشران حلقه وصل نویسندگان و مخاطبانند؛ قشری تاثیرگذار که می‌توانند در جذب و گسترش فعالیت بانوان نویسنده، نقش مهمی داشته باشند. مدیرمسئول انتشارات انصاریان در این باره معتقد است: «ترغیب و تشویق بانوان برای نگارش کتاب در حوزه‌های دینی، از جمله مواردی است که باید از سوی ناشران و مسوولان نشر کشور جدی گرفته شود.»

محمدتقی انصاریان به گسترش نقش زنان طی سال‌های اخیر در این حوزه اشاره می‌کند و می‌گوید: «تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بانوان حضور کمتری در این زمینه داشتند اما به مرور با گسترش علم و دانش در ایران، بانوان بسیاری به عرصه نویسندگی گام نهادند و خوش درخشیدند.» وی برگزاری سمینارهای تشویق و حمایت بانوان نویسنده کتاب‌های دینی، جلسات نقد و بررسی و نگارش مقاله در رسانه‌ها و ترغیب بانوان به سمت نگارش در این حوزه‌ها را از جمله راهکارهای تقویت نویسندگی بانوان در حوزه کتاب‌های دینی معرفی می‌کند و ادامه می‌دهد: «هم‌اکنون ظرفیت‌های بسیار خوبی در کشور برای حضور بانوان در عرصه نویسندگی کتاب‌های دینی وجود دارد که ناشران باید بتوانند از این ظرفیت‌ها بهترین و بیشترین استفاده را ببرند.»

مدیرعامل اتحادیه ناشران قرآنی نیز مشکلات حضور کم‌رنگ زنان در عرصه کتاب‌های دینی را متأثر از چند نکته می‌داند و می‌گوید: «برخی از بانوان نویسنده در این حوزه، برای انتشار کتاب با نام خودشان، انگیزه و شهامت دارند و تبعات مختلف آن را نیز با نگاهی جامع و دقیق می‌پذیرند، اما عده‌ای دیگر ترجیح می‌دهند به جای نام خودشان، اسم همسر یا برادر خود را روی کتاب درج کنند.»

سید محمد حسین محمودی ادامه می‌دهد: «در این میان، ناشران نیز نقش مهمی در گسترش و توزیع کتاب‌های بانوان بر عهده دارند. برخی ناشران با هزینه خودشان و عده‌ای دیگر با هزینه نویسنده، کتاب مولف را منتشر می‌کنند. در این موقعیت، باز هم دو حالت وجود دارد که یا ناشر کتاب را توزیع می‌کند یا کتاب را به موزع می‌سپارد. اگر موزع بتواند به صورت قوی کتاب را در کشور توزیع کند و استقبال از کتاب خوب باشد، نویسنده به نگارش کتاب‌های بعدی علاقه مند می‌شود، ولی اگر چرخه توزیع و نشر، نقص داشته باشد، نباید انتظار نگارش کتاب‌های بعدی را از مولف داشت.»

وی دلزدگی در انتشار کتاب را یکی از آفت‌های مهم در حوزه نشر کتاب‌های دینی، بانوان معرفی می‌کند و می‌گوید: «بانوان به دلیل روحیه حساس‌شان، وقتی به استقبال کم مخاطبان روبه‌رو شوند، برای نگارش آثار پژوهشی و تالیفی دینی دچار تردید و سردرگمی می‌شوند.»

محمودی، همچنین به طرز تفکر برخی افراد جامعه اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: «تجربه انتشار کتاب‌های دینی و مذهبی نشان می‌دهد اغلب مردم ترجیح می‌دهند مولف کتاب‌های این حوزه مردان



محقق باشند تا زنان و به همین دلیل از کتاب‌های بانوان خیلی استقبال نمی‌کنند که البته این موضوع باید با تغییر نگاه و شیوه‌های اطلاع‌رسانی گوناگون برطرف شود.»

وی تعامل بین مولف، ناشر و مخاطب را زنجیره اصلی انتشار یک کتاب مناسب می‌داند و می‌گوید: «رسانه‌ها باید در این زمینه پیشقدم شوند و با معرفی بانوان توانمند نویسنده در حوزه کتاب‌های دینی، این نگاه را تغییر دهند چون اطلاعات فقط در افکار مردان جمع نشده و برخی کتاب‌های بانوان در حوزه دینی به چاپ بیستم نیز رسیده است.»

غفلت از نگارش دینی

محبوبه زارع نویسنده کتاب‌های دینی، نخستین اثر خود را قبل از ۲۰ سالگی منتشر کرده است.

وی به نشر کتاب‌های بازاری از سوی برخی ناشران اشاره می‌کند و می‌افزاید: «برخی ناشران کتاب‌های دینی گویا رسالت خود را فراموش کرده‌اند و به ارائه و عرضه کتاب‌های بازاری روی آورده‌اند و کمتر به محتوا می‌پردازند.»

وی از ناشر به عنوان پل ارتباطی نویسنده و مخاطب نام می‌برد و می‌افزاید: «ناشران مذهبی باید سعی کنند شکل و قالب کتاب‌های خود را نیز متناسب با محتوای اثر بپروانند و مانند یک کتاب ادبی یا هنری، به مواردی چون طراحی جلد کتاب، صفحه‌بندی، نوع حروف، رنگ‌بندی و ... آثار دینی نیز توجه ویژه داشته باشند.»

ریحانه مولانا نویسنده جوان کتاب‌های دینی نیز که سابقه انتشار دو کتاب را در کارنامه هنری خود دارد، آشنایی کم بانوان نویسنده جوان با حوزه‌های دینی را دلیل کم‌رنگ شدن حضور آنان در عرصه‌های مختلف معرفی می‌کند و می‌گوید: «تشویق و ترغیب نسل جوان به سمت حوزه‌های معنوی باید از طریق کتاب‌هایی با این موضوعات گسترش پیدا کند. بانوان بسیاری در حوزه‌های دینی در مدارس و دانشگاه‌ها مشغول فعالیتند که می‌توانند با استفاده از این ظرفیت‌ها و محبوبیت‌شان به نگارش آثار دینی و هنری اهتمام ورزند. عده بانوان فرهیخته و مجتهده در ایران کم نیست، اما نگارش اثر در این حوزه‌ها از

سوی برخی بانوان مورد غفلت واقع شده است.» مولانا، هدایت و تشویق بانوان به سمت نگارش کتاب را ضروری می‌داند و معتقد است: «وقتی ظرفیت‌های خوب و قابل اعتمادی در این زمینه وجود دارد و از سوی دیگر عطش جوانان برای کتاب و کتابخوانی زیاد است، بانوان نویسنده باید به این سمت و سو حرکت کنند.»

ضرورت تلفیق ادبیات و دین

حضور بانوان ایرانی در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی و گسترش نقش آنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر کسی پوشیده نیست. در این میان برخی مفاهیم و ایده‌ها در قالب‌های خشک قدیمی باقی مانده‌اند که تغییر این قالب‌ها نیازمند یک تحول است.»

مدیرمسئول انتشارات بوستان کتاب قم در این باره معتقد است: «نمی‌توانیم حضور زنان نویسنده، آن‌هم در حوزه‌های دینی را نادیده بگیریم. اکنون ۵۵۰ نویسنده با این انتشارات در ارتباطند که ۳۵ نفر آنان بانوانند و ۱۰ نفر از آنان در حوزه کتاب‌های دینی فعالیت می‌کنند و این تعداد به مرور زمان در حال افزایش است.»

محمد کاظم شمس ادامه می‌دهد: «البته انتظار می‌رفت با توجه به دسترسی آسان‌تر بانوان به عرصه‌های علمی و دینی، حضور بانوان گسترده‌تر و چشمگیرتر باشد، اما این اتفاق نیفتاد.»

وی حوزه ادبیات را رقیب جدی کتاب‌های دینی می‌داند و معتقد است: «بانوان و آقایان در این سال‌ها اغلب در حوزه کتاب‌های ادبی فعال‌تر بوده‌اند و به همین دلیل تلفیق دو حوزه ادبیات و دین می‌تواند راهگشای این موضوع باشد.»

وی با اشاره به نزدیکی احساسات بانوان و ادبیات توصیفی، اظهار می‌دارد: «در این میان انتظار می‌رود بانوان با توجه به ظرافت‌ها، مهارت‌ها و تخصص‌هایی که در حوزه‌های ادبی و دینی دارند، بیشتر و فعال‌تر باشند، هر چند در یکی دو سال اخیر توانسته‌ایم برخی مفاهیم را در قالب‌های امروزی به جوانان منتقل کنیم اما باید توجه کرد که این کار مستمر انجام شود و مقطعی نباشد.»

معرفی کتاب

حسین قدیمی

اثری دیگر از انتشارات دلیل ما

بدانید: منم فاطمه...

چاپ نخست کتاب «بدانید: منم فاطمه...» اثر گروه پژوهش انتشارات دلیل ما منتشر و روانه بازار نشر شد.

این اثر، نوشته‌ای است کوتاه درباره فضائل حضرت فاطمه زهرا (س) از منظر آیات و روایات. بر اساس مطالب کتاب، خداوند تبارک و تعالی، پیامبر اسلام و عترت پاک او را از نور عظمت خود آفرید و آنان را با علم خویش برای هدایت خلق برگزید از این رو جسم و جان و دانش و درک عترت پیامبر (ص) چون جسم و جان و علم و فهم رسول‌الله (ص) است.

به گواهی آشکار خداوند دانا در کتاب سراسر نورش «قرآن»، فاطمه زهرا (س) از هر نوع پلیدی به دور بوده و پاک و مطهر است. او در گفتار و رفتار، مانند پدرش رسول‌الله (ص) «ما ینطق عن الهوی» است و همه مومنان راستین به گواهی پروردگار، او را در همه امورش تصدیق می‌کنند. همچنان که ذوالشهادتین، پیامبر (ص) را در مورد ادعایش تصدیق کرد.

خداوند حکیم، اهل بیت رسالت (ع) را از هر گونه پلیدی به دور داشته است و چه پلیدی زشت‌تر و ناپسندتر از جهل و نادانی که سرچشمه همه بدی‌هاست! پروردگار دانا با تعلیم علم کتابش به اهل بیت رسالت (ع)، آنان را از گذشته، حال و آینده با خبر ساخته و دانش هیچ چیزی را از آنان دریغ نکرده است.

واضح است که قرآن پاک و مطهر است و هیچ باطلی در آن راه ندارد. قرآن با فاطمه (س) است، پس هیچ باطلی در گفتار و رفتار فاطمه (س) راه ندارد. فاطمه قرآن ناطق است. فاطمه (س) نور است. فاطمه (س) حق محض است. فاطمه (س) با قرآن است و قرآن با فاطمه (س)؛ و این کلام برگرفته از روایت نبوی (ص) است که درباره عترتش فرمود: «...هم مع القرآن و قرآن معهم...»

گفتار و عملکرد فاطمه (س) از احساسات و عواطف بشری سرچشمه گرفته است و اگر کسی چنین گمان کند، بی‌تردید از مرز ایمان به خدا و رسول (ص) خارج شده و به هلاکت افتاده است. قرآن، ریسمان محکم پروردگار به شمار می‌رود و فاطمه (س) در همه امورش به قرآن چنگ زده است. در فاطمه (س) هیچگونه لغزشی راه ندارد؛ و خدا فاطمه (س) را از هر لغزشی باز داشته و از همه فتنه‌ها ایمن گردانیده است.

وقتی در کلام پیامبر مکرم اسلام (ص) آمده است: «فاطمه (س) باقرآن است و قرآن با فاطمه (س) است» یعنی هیچ شک و تردیدی در حقانیت فاطمه (س) وجود ندارد.

بعداز قرآن پیامبر (ص) نیز حضرت فاطمه (س) را چنین توصیف می‌کند: «فاطمه (س) از همه داناتر است به او چیزی نیاموزید.» «فاطمه (س) با حق بوده و حق با فاطمه (س) است.» «اطاعت از فاطمه (س) فرمانبرداری از من است.» «فاطمه (س) بانوی بانوان است.» «خدا به خشم فاطمه (س) غضب می‌کند و به خشنودی او راضی می‌شود.» «فاطمه (س) همتای علی (ع) است.» «فاطمه (س) پشتیبان علی (ع) است.» «فاطمه (س) چراغ هدایت و کشتی نجات است و ... همه اینها فضائل اند در عظمت فاطمه زهرا (س).»

گروه پژوهش انتشارات دلیل ما اعتقادات خودو باور شیعیان را چنین بیان می‌کند: «اما بر این باوریم که اسلام چیزی جز قرآن و عترت پاک پیامبر (ص) نیست؛ قرآنی و عترتی که از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. چاپ نخست کتاب «بدانید: منم فاطمه...» در شمارگان ۲۰۰۰۰ نسخه، ۷۲ صفحه و بهای ۸۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شد.

تصاویری که دیر ظاهر می‌شوند

در همین سال‌ها انتشارات «روایت فتح» مجموعه‌هایی مانند «پروردگاران»، «دوره درهای بسته» را منتشر کرد که به فرامرز، کتاب‌هایی را به خاطرات زنان در جنگ و از جنگ اختصاص دارد. انتشار مجموعه «به روایت همسر شهید» این ناشر نیز همچنان ادامه یافت.

رقابت انتشارات‌های سوره مهر (دفتر ادبیات و هنر مقاومت) و روایت فتح در زمینه چاپ آثار مرتبط با نقش زنان در جنگ، در یکی، دو سال اخیر آرام شد. انتشارات روایت فتح با مشکلاتی در زمینه مدیریت دست و پنجه نرم کرد و همین آسیب، نشر کتاب در این مجموعه را کند و حتی متوقف کرد. البته تازه‌ترین اظهار نظر دست‌اندرکاران در نمایشگاه کتاب امسال حاکی از دورخیز این ناشر برای بازگشت به دوران اوج انتشار کتاب‌های خاطرات جنگ است.

اما سوره مهر و دفتر ادبیات و هنر مقاومت در همین زمان کتاب «دا» را منتشر کردند که با صدور هفتاد چاپ، فعالی رقیب است. این اثر شامل خاطرات زهر احسینی از روزهای مقاومت در برابر اشغال خرمشهر در سال ۱۳۵۹ است. غیر از اینها، درباره نقش زنان در دفاع مقدس آثار پژوهشی و داستان‌هم‌منتشر شده‌اند که در کتابشناسی «زن و دفاع مقدس» و موجود در صفحات الکترونیکی خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) مرور شده‌اند. به این مجموعه، خاطرات زن از سال‌های منجر به پیروزی انقلاب اسلامی هم اضافه می‌شود که هنوز اندکند و محتاج همتی افزون‌تر تا به مرتبه خاطرات زنان در زمینه دفاع مقدس برسند. اما براساس تقسیم دوره‌ها در سطرهای نخستین چون حافظه تاریخی ما هنوز دوران پیش از جنگ و دفاع مقدس را برای ثبت و ضبط دقیق وقایع و نقش‌ها می‌کاود، تدبیری برای بررسی دامنه فعالیت و تاثیرگذاری زنان در سرنوشت و مسیر انقلاب در سال‌های بعد از جنگ، اندیشیده نشده است.

دقت در ارزیابی مخاطبان آثار منتشر شده از نظر کمی و بررسی و نقد کیفی این گونه کتاب‌ها که کمتر به آنها پرداخته می‌شود، موقعیت واقعی آثار منتشر شده را نشان می‌دهد. خبرها حاکی از اقبال‌اند اما کتاب‌های مرتبط با نقش زنان در جنگ هنوز گمنام‌اند و ناشناس.



است. این انتظار از آزادسازی خرمشهر تا اوایل دهه ۶۰ طول می‌کشد و تنها مونس این مادر، قلم و کاغذ بوده‌اند. در سال‌های گذشته از سال ۱۳۸۰ تا کنون، رقابت کتاب‌هایی که به حضور مستقیم زنان در جنگ به ویژه نبردهای خرمشهر و اردوگاه‌های اسارت توجه دارند و آثاری که نقش پشتیبانی آنان را از دفاع مقدس در پشت جبهه و خانواده و مسیر زندگی با سرداران شهید و چهره‌های نامدار دفاع مقدس بازگو می‌کنند، پایاپای شده است از جمله آثاری چون «بابایی به روایت همسر شهید»، نوشته علی مرج، «۱۳۸۰، «ننه علی» (مادری که بیش از ۱۹ سال بر مزار فرزند شهیدش زندگی می‌کند، نوشته حمید مشتاقی نیا و محسن علی‌جانزاده، «۱۳۸۰» «دقایقی به روایت همسر شهید»، نوشته علی مرج، «۱۳۸۱، «گل سیمین» خاطرات سهام طاقی، «۱۳۸۱، «دختران آبی‌دی» خاطرات مینا کامی، «۱۳۸۱، «دیدار زخم‌ها» خاطرات معصومه میرزاعلی، «۱۳۸۱، «پوتین‌های مریم»، خاطرات مریم امجدی، «۱۳۸۱، «از چنده لا تا جنگ»، خاطرات شمسی سبحانی، «۱۳۸۱، «کش‌های سرگردان» خاطرات سهیلا فرجام، «۱۳۸۱.

کوشش مریم شنانکی، «۱۳۷۰، «اسیر شماره ۳۳۹»، خدیجه میرشکار، «۱۳۷۲، «روزنه‌ای به آسمان» خاطرات اسارت معصومه آبادی، «۱۳۷۲، «تا شهادت»، مریم کاظم، «۱۳۷۳، «چشم در چشم آنان» خاطرات اسارت فاطمه ناهیدی، «۱۳۷۵.

اینها نخستین نمونه‌ها هستند که توسط دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری با در دست گرفتن ابتکار ورود به دنیای زنان متأثر از جنگ، منتشر شدند.

در همین حوالی، دو هفته‌نامه «کمان» که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ در دیوستان شماره‌منتشر شد، از نخستین شماره با مدیریت و سردبیری هدایت‌الله بهبودی و مرتضی سرهنگی به دنیای گمنام‌تری از تاثیرگذاری جنگ بر زنان پا گذاشت؛ گفت و گو با همسران سرداران شهید، میزان ارتباط مستقیم این زنان با جنگ و زندگی در شهرهای نزدیک به مناطق جنگی از جمله سوژه‌های این نشریه بود. اما در سوی دیگر سرداران جنگ در زندگی شخصی خود به حریمی تکیه داشتند که پشتیبانی و آرامش دهی آن تاثیر مستقیمی بر پیروزی‌ها و مقاومت در برابر ارتش متجاوز یعنی داشت.

تاثیر این گفت و گو بالا گرفت و مدتی بعد، هم مجله «کمان» و هم انتشارات روایت فتح و نیز کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان، انتشار کتاب‌هایی در این زمینه را آغاز کردند. کتاب‌هایی چون «چمران به روایت همسر شهید» نوشته حبیبه جعفریان، «همت به روایت همسر شهید» نوشته حبیبه جعفریان، «همسفر شقایق»، جلد ۱، خاطرات همسران فرماندهان شهید استان کرمان، «۱۳۷۸، «باغ انگور، باغ سیب، باغ آینه» گفت و گو با همسر سردار شهید مهدی باکری، «۱۳۷۹، «حمید باکری به روایت همسر شهید»، نوشته حبیبه جعفریان، «خرمشهر، کوچیان آرا»، گفت و گو با همسر سردار شهیدسید محمد جهان‌آرا، «نیمه پنهان یک اسطوره»، گفت و گو با همسر سردار شهید محمد ابراهیم همت، «۱۳۷۹ و «مرتضی آینه زندگی‌ام بود» گفت و گو با همسر شهید سیدمرتضی آوینی «۱۳۷۹.

«کنار رود خین» نیز چنین است. دفتر یادداشت‌های روزانه مادری که منتظر بازگشت جنانه فرزند شهیدش

تاریخ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران براساس وقایع پیش آمده برای آن، به سه بخش اصلی پیروزی تا جنگ تحمیلی، دفاع مقدس و بعد از جنگ تقسیم می‌شود.

دوره پیروزی تا جنگ تحمیلی، عقبه‌ای به نام نهضت امام خمینی (ره) دارد که بازترین سابقه آن، سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ را دربرمی‌گیرد. دوره دفاع مقدس از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷ است و از پاییز ۱۳۶۷ تاکنون دوره بعد از جنگ تحمیلی.

رهبری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در همه این دوره‌ها، با تاکید بر نقش مردم در مسیر وقایع و دفاع از حاکمیت برخاسته از متن خواسته‌های معنوی، مجال نقش آفرینی به وجود آورده‌اند. نقش آفرینان هم اقشار، صنفا و طبقات مختلف بوده‌اند؛ مردان، زنان، نوجوانان و جوانان، شهریان و روستاییان تاریخ انقلاب اسلامی گواه حضور آنان است که در هر مقطع یادگاری از خود به جای گذاشته‌اند.

بررسی نقش و حضور زنان در مقاطع سپری شده از تاریخ انقلاب این واقعیت را متذکر می‌شود که ارتباط آنان با پیشرفت و پیروزی انقلاب در دو زاویه قابل توجه، تعریف و تحلیل شده‌اند: از یک سو حضور مستقیم زنان در صحنه‌های انقلاب و دفاع مقدس و پیشرفت‌های پس از جنگ آشکار است و از سوی دیگر و مهم‌تر از این، نقش پشتیبانی آنان از مردان به ویژه در مقام‌های مادر و همسر پیدا است. این حضور غیرمستقیم، به دور از شهرت و توأم با گمنامی، اما به شدت تاثیرگذار است.

بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی با علم به این عوامل تاثیرگذار از حضور زنان در صحنه‌های منجر به پیروزی انقلاب دفاع کرد و این کار مقدمه قوی تداوم حضور آگاهانه زنان شد. دوران دفاع مقدس با فاصله کوتاهی از پیروزی انقلاب، زمینه‌ساز حضور جدی زنان در صحنه‌های پشتیبانی از رزمندگان و جبهه‌ها و حتی رویارویی با دشمن در جبهه‌ها و اردوگاه‌های اسارت شد. اسناد تاثیرگذار این حضور در قالب خاطرات از آغاز دهه ۱۳۷۰ و به آرامی وارد بازار کتاب ایران شدند؛ از جمله آثاری چون «در کوچه‌های خرمشهر»، به

زنان و تصویر اصیل انقلاب



مرتضی سرهنگی

۱- وقتی پوتین‌های بیگانه، خاکی را اشغال می‌کند، دیگر کسی در این دیار اشغال شده، زن نیست؛ کودک و نوجوان هم نیست. همه با هر وسیله‌ای که دم دست دارند از خانه بیرون می‌آیند، در یک لحظه سرباز می‌شوند و با همه توان می‌جنگند، به خاک می‌افتند تا پای تجاوزگر را از خاکشان کوتاه کنند.

تجربه‌های جهانی و دوران دفاع هشت ساله ما، پادهای شیرینی از این چهره‌های دلپذیر و مردمی در حافظه خود دارد؛ پادهایی که تکرار خنکای آن برای هر صاحب‌غیرتی گوارا است.

وقتی حرف از حضور زنان ایرانی در جنگ پیش می‌آید، صفحه‌های گوناگونی از رویارویی آنان با دشمن در برابر چشم‌انداز ظاهر می‌شود. سایه روشن‌هایی از این تصاویر را در قالب کتاب‌های منتشر شده می‌بینیم.

خاطرات زنان اسیر ما، خواننده خود را با دنیایی آشنا می‌کند که دیوارهای سیمانی، برجک‌های نگهبانی و سیم‌های خاردار حرف اول و آخر را می‌زند و اگر روحیه کینه‌جوی دشمن را هم به این دنیا اضافه کنیم، می‌بینیم جایی برای حتی یک نیم نفس هم باقی نمی‌ماند. از همین دیاست که زنان ما سربلند و نستوه بیرون می‌آیند و با آثار خود آن پایداری‌ها را جاودانه می‌کنند.

تا امروز، تجربه به ما گفته است، ملت‌هایی که با سربازان اشغالگر

مانده، بی‌تردید از درخشان‌ترین صحنه‌های تاریخ این مقطع از مبارزات مردمی ایران است. هنوز نمی‌دانیم اگر شجاعت، صبوری و درایت زنان ما نبود، انقلاب چگونه می‌توانست از امواج توفانی این همه بحران سیاسی و نظامی به سلامت بیرون آید. اگر امروز انقلاب سرپاست و از خودش به خوبی دفاع می‌کند، خیالش راحت است که هیچ‌گاه زنان این مرز و بوم او را تنها نخواهند گذاشت.

نگاهی به تجربه کتابهای خاطرات و گفت و گو با همسر فرماندهان دفاع مقدس و مبارزان اصیل دوران انقلاب، نکته‌هایی را برای ما روشن تر کرده است.

نخست این که، شایسته‌ترین فرد برای ترسیم چهره این بزرگان همسران آنانند. اینان با بیان زوایای آشکار و پنهان زندگی خود، ما را با مردانی که در سرنوشت این خاک تاثیر جدی داشته‌اند، آشنا می‌کنند. این مردان پیش از آن که فرمانده‌ای دلیر یا مبارزی خستگی‌ناپذیر باشند، معلم اخلاق‌اند. پارسایان جوانی که می‌توانند متعلق به همه زمان‌ها و همه ملت‌ها باشند. این مرتبه معنوی و روحانی به دست نمی‌آید، مگر با وجود زنان فرهیخته‌ای در کنار خود که چنین نیز بود. دوم این که تهیه و تدوین این آثار، گرچه ساده به دست نمی‌آید اما کلمه به کلمه‌اش برای همه ما آموزنده است. اگر ما قلم‌منصف و عادلانه داشته باشیم، نام این بزرگان را معادل نام همسرانشان قرار می‌دهیم. بازگویی این زندگی‌ها در دل خود فرهنگی دارد که ما در مناسبات اجتماعی بیش از همه به آن نیازمندیم. وقتی این فرهنگ لباس کتاب ببوشد و نویسنده‌اش زنی باشد که نیمی از این فرهنگ را پدید آورده است، آن وقت این زنان را در کنار آن مردان خواهیم دید و نه پشت سرشان.

رو به رو بوده‌اند، توان زیادی برای کشف زوایای پیدا و پنهان دفاع خود صرف کرده‌اند. آنان نویسندگان و جامعه ادبی و هنری خود را نسبت به آثار جنگ حساس کرده‌اند و همین حساسیت باعث شده است، این ادبیات به میان مردم بیاید و یکی از خواندنی‌ترین و مردمی‌ترین گونه‌های ادبی به شمار رود.

در میان این آثار، آنچه بیش از همه عواطف و احساسات آدم را رها نمی‌کند آثاری‌اند که قهرمانانش از زنان جنگ دیده‌یا اسارت کشیده‌اند؛ زنانی که از دلیری و رنج و اندوه انسانی سخن می‌گویند. اما این، همه آن چیزی نیست که در این هشت سال داشته‌ایم. این سایه روشن‌ها، نیم رخ زنان ما را در جنگ نشان می‌دهد و برداشتن آب با انگشتانه از دریایی است متلاطم.

۲- فرهنگ جامعه ما، مانعی برای این که زنان بتوانند در عرصه‌های گوناگون علوم و فنون شایستگی‌های خود را به نمایش بگذارند، ندارد. ما بسیاری از گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی را مدیون خلاقیت و کار آبی زنانی هستیم که در دوره‌های پر فراز و فرود تاریخ به یادگار گذاشته‌اند. این پیشینه آن قدر غنی و روشن است که برای ترسیم چهره این زنان، با مشکل رو به رو نخواهیم بود. اما رسم جالفتاده و غلط‌پنهان شدن زنان نجبه و تاثیرگذار در تحولات اجتماعی پشت مردان، از آن سنت‌های پابرجا و آزاردهنده‌ای است که هنوز دیوار آن به طور کامل فرو نریخته است. به همین خاطر است که وقتی به تاریخ نامداران کامل بیشتر با عنوان «رجال» از آن نام برده می‌شود، نگاه می‌کنیم، معمولاً صف طولی از مردان را می‌بینیم که شناسنامه به دست برای معرفی خودشان ایستاده‌اند.

تصویری که از زنان ما در دوران انقلاب و دفاع هشت ساله به جا

جهانگرد سویسی و ایران قدیمی

۲۵ سالش بود که سوار ماشین های ۷۵ سال پیش شد و از قلب اروپا به ایران آمد. سختی کشید، بیمار شد. راه های نا امن را آزمود. عاشق ایران شد و با فردی که در ایران آشنا شده بود ازدواج کرد. به کشورش برگشت. بعد از همه سختی هادر ۳۴ سالگی از دو چرخه زمین خورد و مرد. حالا آنچه درباره ایران نوشته برای اولین بار رخت کلمات فارسی پوشیده و به کتابفروشی های ایران آمده است. سفرنامه آنه ماری شوارتسناخ، عکاس و جهانگرد سویسی از ایران. «مرگ در دوردست».

پس از مرگ شوارتسناخ، کتاب هایش خیلی زود فراموش شدند و دیگر کسی سراغی از آنها نگرفت. اوایل قرن جاری بود که ناگهان کتاب های او تجدید چاپ شدند و نام او و زندگی ماجراجویانه اش در اروپا دوباره بر سر زبان ها افتاد.

ترجمه مهشید میرمعزی از «مرگ در دوردست» و ترجمه سعید فیروزآبادی از کتاب «همه راه ها باز است» از آثار آنه ماری شوارتسناخ، نویسنده و جهانگرد سویسی منتشر شدند. این دو کتاب توسط نشر «شهاب» روانه کتابفروشی های ایران کرده است.

«مرگ در دوردست»

شوارتسناخ در ماه مارس ۱۹۳۶ کار نگارش رمانی به نام «مرگ در ایران» را به پایان رساند و آن را با عنوان اصلی «Tod in Persien» چاپ کرد. این کتاب مانند سایر آثار او به فراموشی سپرده شد تا این که ویرایش جدیدی از آن در سال ۲۰۰۳ میلادی منتشر شد. شوارتسناخ زمانی این کتاب را نوشت که سه بار به ایران سفر کرده؛ درست در زمانی که پهلوی اول در ایران به قدرت رسیده، فرمان «کشف حجاب» داده و کلاه شاپو را برای مردان اجباری کرده بود.

منتقدان، این کتاب را چیزی بین سفرنامه و رمان می دانند. نویسنده، این کتاب را در دو بخش تنظیم کرده است. بخش اول به خاطرات نویسنده از وقایع مختلفی که در ایران برایش اتفاق افتاده می پردازد و زیبایی ها و مکان های باستانی ایران را توصیف می کند و بخش دوم به ماجرای آشنایی نویسنده با دختری ایرانی می پردازد که به سختی بیمار است.

شوارتسناخ نام «مرگ در ایران» را برای این کتاب برگزیده است که نشان از مرگ دوست ایرانی او در سفرش به ایران دارد، اما ناشر ترجمه فارسی برای پیشگیری از سوء تفاهم خواننده ایرانی نام «مرگ در دوردست» را بر جلد این کتاب درج کرده است.

این نویسنده سویسی، شرح سفرش به ایران را با یک یادداشت آغاز کرده و در ابتدای آن نوشته است: «این کتاب چندان دل خواننده را شاد نخواهد کرد. حتی مثل کتاب های غم انگیزی هم نیست که اغلب تسلی بخش خاطر خوانندگان است. زیرا بسیاری باور دارند که با تحمل صادقانه رنج، بهره ای اخلاقی خواهند برد.» و پایان یادداشت کوتاهش این گونه است: «گاهی باید به همین دردهای تلخ چسبید، درد غربت و پشیمانی، اما دیگر مفهوم گناه خود را نمی فهمیم. بیهوده به آغاز کار می اندیشیم. (چه کسی مرا به این راه کشانده است؟)، باید بار دیگر بی هیچ اجباری از خواب غفلت بیدار شد و هیچ گاه نباید چنین هراسی را استود. بدین سان باید دم نیک بختی جهان را حس کرد. بار دیگر باید زیست.»

فیروزآبادی (مترجم این کتاب) موخره ای برای «مرگ در ایران» تحریر کرده و در آن به زندگی و آثار شوارتسناخ پرداخته است. او در پایان این موخره چرایی انتخاب ایران توسط نویسنده برای سفری پرماجر را این گونه تشریح می کند: «اما چرا ایران؟



چرا این سرزمین دوردست را برای سفر برمی گزیند؟ زندگی مردم با باورهای دینی به وجود خداوند احد و واحد و تقدیر است که سبب می شود مردم مشرق زمین مرگ را چون مرحله ای از کمال و رشد انسانی بدانند. در حالی که برای مردم خسته و گریزان از پوچی اروپا، این، نزدیک ترین مرحله زندگی و پیوسته پر رمز و راز و ابهام آمیز بوده است. داستان «مرگ در ایران» از این دیدگاه شاید واگوییته نهایی انسان مدرن اروپایی باشد در اوج نیهیلیسم.»

این کتاب ۱۴۱ صفحه ای را نشر شهاب در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۲۵۰۰ تومان روانه بازار نشر کرده است.

«همه راه ها باز است»

«همه راه ها باز است» داستان سفر ماجراجویانه نویسنده اش به ایران و افغانستان را نقل می کند. شوارتسناخ، ۷۰ سال پیش در سال ۱۹۳۹ میلادی، از ژنو سوار اتومبیل شد و همراه دوستش به ایران و افغانستان سفر کرد. این چهارمین سفر او به ایران بود. آنه ماری در این سفر، شاهد مناظر و اتفاقاتی بوده که آنها را «سر مست کننده» و «تهدید آمیز» خوانده است.

کتاب شعرگونه «همه راه ها باز است» حاصل سفر اوست. نسخه ویرایش شده این رمان پس از نزدیک به ۷۰ سال با عنوان «Alle wege sind offen» در

سویس منتشر شد و هم اکنون ترجمه مهشید میرمعزی از این کتاب در ایران نیز چاپ شده است.

این کتاب مصور با عکسی تاریخی از اقامه نماز جماعت ظهر در دره قورباند افغانستان آغاز می شود. شوارتسناخ این عکس را در ماه اوت سال ۱۹۳۹ میلادی به ثبت رسانده است. سپس در این کتاب در شش فصل خاطرات این سفر تاریخی به قلم جهانگرد ماجراجوی سویسی چاپ شده است. در ابتدای هر فصل کتاب عکسی تاریخی و مرتبط با آن فصل که توسط شوارتسناخ گرفته شده، منتشر شده است. همچنین تصاویر تاریخی دیگری هم به این کتاب اضافه شده که از میان آن ها می توان به عکس هایی از ویزای کشورهای ایران، ترکیه، ایتالیا، آلمان و افغانستان که در زمان سفر شوارتسناخ بر گذرنامه او ثبت شده است اشاره کرد.

مقاله نسبتاً مفصلی که گردآورنده نهایی این کتاب برای آن نوشته است با این قطعه از شوارتسناخ آغاز می شود: «هستی تبعید شده من به غربت و ماجراجویی». وی شرحی از حاشیه های سفر این جهانگرد به افغانستان و شیوه تالیف کتاب «همه راه ها باز است» را در این مقاله توضیح داده و نوشته است: «برنامه ریزی هیچ یک از سفرهای آنه ماری شوارتسناخ مانند این سفرش به افغانستان، چنین حرفه ای و بی نقص انجام نشده بود. شوارتسناخ می خواست با این سفر کنترل زندگی خود را که از سال ۱۹۳۸ تا حدی از مسیر منحرف شده بود در دست گیرد و با کمک یک هدف مشخص و روشن آن را مجدداً طراحی کند. تصور و درک آنه ماری شوارتسناخ از سفر کردن، که در سفرهای قبلی خود به آسیا و ایران به دست آورده بود. با سختی ها و مشکلات جسمی و روحی سفر افغانستان، قالبی تازه و ریشه ای پیدا کرد. سفر به مثابه شکلی بسیار فشرده و عمیق از زندگی. تصویری متمرکز از هستی ما - تعریف می شود که بر عکس سفرهای امروزی و توریستی ما «رهایی از روزمرگی» نیست، بلکه آن گونه که شوارتسناخ نوشته: «در حقیقت بی رحم است.» وی در پایان این مقاله، شوارتسناخ را با استفاده از کلمات خود او، این گونه توصیف کرده است: «یک مسافر شگفتانگیز؛ کسی که هیچ کار دیگری نمی توانست جز نوشتن به هر قیمت.»

ترجمه فارسی میرمعزی از این کتاب در ۱۹۲ صفحه چاپی با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۳۰۰۰ تومان، روانه بازار کتاب ایران شده است.

زندگی جسورانه شوارتسناخ

شوارتسناخ در ایران زیاد هم ناشناخته نیست. سال ۱۳۸۵ در تهران و اصفهان نمایشگاه عکسی دایر شد که عکس های او از مناطق دیدنی ایران را نشان می داد. از آن گذشته، پارسال هم یک نشست برای بزرگداشت او در خانه هنرمندان ایران برگزار شد که در آن چند مترجم زبان آلمانی، سفیر سویس در ایران و الکسیس شوارتسناخ، نوه برادر آنه ماری شوارتسناخ به سخنرانی پرداختند.

آنه ماری شوارتسناخ در سال ۱۹۰۸ میلادی در ژنو متولد شد. تنها ۲۳ سال سن داشت که در رشته تاریخ و ادبیات مدرک دکترا گرفت. از آن پس بود که ماجراجویی های او شروع شد. او ابتدا در سال ۱۹۳۳ و در ۲۵ سالگی به عنوان روزنامه نگار سفری طولانی را به مشرق زمین آغاز کرد. ترکیه، روسیه، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق، ایران و افغانستان را با اتومبیل و قطار زیر پا گذاشت و گزارش های مطبوعاتی و عکس هایی دیدنی برای مجلات سویسی تهیه کرد.

او چهار بار به ایران سفر کرد. بار اول در سال ۱۹۳۴، با قطار و از طریق ترکیه. در اولین سفرش به نقاط مختلف ایران سرک کشید و همراه با یک باستان شناس آلمانی در ری به تحقیق پرداخت.

سفر دومش به ایران در پاییز همان سال و باز هم از طریق قطار صورت گرفت. در همان سفر عاشق یک دیپلمات فرانسوی شد و در تهران با او ازدواج کرد. زندگی به عنوان همسر یک دیپلمات او را راضی نمی کرد و در اکتبر ۱۹۳۵ ماجراجویی را از سر گرفت. دوباره به سویس رفت. سه سال را در اروپا و آمریکا سیاحت کرد. سپس یک همسفر خوب به نام الا مایلارت پیدا کرد و دو نفری در سال ۱۹۳۹ با اتومبیل به ایران و افغانستان سفر کردند. زندگی پر ماجرای شوارتسناخ، خیلی ساده به پایان می رسید. او در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۲ در سن ۳۴ سالگی بر اثر تصادف با دو چرخه جان باخت!

یادداشت

الکسیس شوارتسناخ



دماوند بود که او عاشق ایران شد



این یادداشت توسط الکسیس شوارتسناخ، تاریخ پژوه سویسی که بر آثار عمه پدر خود (آنه ماری شوارتسناخ) تحقیقات وسیعی انجام داده، تالیف شده

است. ترجمه این متن را مهشید میرمعزی انجام داده و این مترجم خلاصه ای از این یادداشت را برای انتشار در اختیار کتاب هفته قرار داده است. من در سال ۱۹۹۹ میلادی، برای اولین بار با کتاب های عمه پدرم، آنه ماری شوارتسناخ به ایران آمدم. می خواستم آن مکان هایی را که او شرح داده، به چشم خود ببینم.

آنه ماری شوارتسناخ در اولین سفر خود به ایران، عاشق این کشور شد. هنگامی که در بهار ۱۹۳۴ برای نخستین بار پایه ایران گذاشت. هنگامی که او از بغداد و از مرز خسروی عبور کرد، به عنوان یک فرد سویسی به یاد وطن خود و به خصوص کوه های آلپ افتاد. او در یک مقاله نوشت: «با وجود چیزهایی که در مورد ایران به من گفته بودند، این را نگفته بودند که ایران سرزمین بازگشت به وطن است. رشته کوه ها و فلات ها، نهرهای جاری در کوه ها که در اثر آب شدن برف، بین صخره ها روان می شوند و به سوی پایین می آیند. آن پایین دره های بزرگ و پهناوری قرار دارد که هنوز برف روی آن ها را پوشانده است، اما اینجا و آنجا زمین آن ها دیده می شود، جوی ها میان سواحل کم ارتفاع جاری اند، پل ها از دهکده ای به دهکده دیگر در نوسانند، بیدها از باد ملایمی که از کوه می وزد، تکان می خورند...» آنه ماری شوارتسناخ در طول زندگی کوتاه خود، بیش از تمام کشورهای خاور نزدیک و خاور میانه به ایران سفر کرد.

دماوند در این که آنه ماری عاشق ایران شد، بی تاثیر نبود. او در بهار ۱۹۳۴ برای اولین مرتبه دماوند را در حالی دید که هنوز برف روی آن را پوشانده بود. در یک مقاله در مورد نخستین برخورد خود با مرتفع ترین کوه ایران نوشت: «حدود یک کیلومتر در لبه کوه به سمت چپ حرکت کردیم. راه صعب العبوری از میان برفی بود که تازانو می رسید و بعد دیدیم که هرم سفید دماوند از پشت یک رشه کوه سر برآورد. چشم انداز خارق العاده ای پیش رو داشتیم. رشته کوه های سپید البرز را به سان یک منظره خداگونه دیدیم. اما دشت تهران در جنوب مانند یک دریای تیره بود که در میان تاج گلی از رشته کوه های پوشیده از برف قرار داشت. هیچ چیز نمی توانست زیباتر از این منظره باشد.»

این واقعتی که ایران دارای یک ادبیات سنتی و غنی است هم برای آنه ماری شوارتسناخ جذابیت داشت. گرچه او هرگز زبان فارسی را به اندازه ای یاد نگرفت که بتواند آثار ادیبان کلاسیک ایران را به زبان اصلی بخواند.

در سال ۱۹۷۸ که کتاب های آنه ماری شوارتسناخ در سویس تجدید چاپ شد، من ۱۵ سال داشتم. کشف مجدد این نویسنده که از زمان مرگش در سال ۱۹۴۲ و در سن ۳۴ سالگی تقریباً فراموش شده بود، در آن زمان موجب ایجاد هیجان شدیدی شد. اما حتی افرادی که آنه ماری را تحسین می کردند، در آن مقطع زمانی هرگز تصورش را هم نمی کردند که روزی کتاب های او به فارسی هم ترجمه شوند. از این که حالا یعنی ۲۰ سال بعد، این کار انجام شده است، بسیار خوشحالم و میل دارم از کسانی که در عملی شدن این امر یاری رسان بوده اند، تشکر کنم.



سایر محمدی

«عاشقانه ها: گزینه ای از گفتارهای یار عاشقان» عنوان کتابی است که از سوی انتشارات جیحون به تازگی منتشر شده است. این کتاب شامل کلمات قصار امیرمومنان حضرت علی ابن ابیطالب (ع) و زیباترین جملات نهج البلاغه با بازخوانی سودابه فضائلی همراه با خط - نقاشی های اسد کیانی تنظیم و تدوین شده است. سودابه فضائلی علاوه بر این، ترجمه جلد پنجم «فرهنگ نمادها» اثر ژان شوالیه و آلن گریبان را هم توسط انتشارات جیحون در همین ایام منتشر کرد. سودابه فضائلی متولد ۱۳۲۶ تهران است و تحصیل در رشته زبان و ادبیات انگلیسی را به مدت چهار سال در کشور انگلستان گذراند. پس از آن به مدت چهار سال تحصیلات خود را در سوربن فرانسه دنبال کرد و یک سال هم زبان پهلوی آموخت. وی، نزدیک به بیست عنوان کتاب منتشر شده در کارنامه اش دارد که نخستین کتاب او «خاستگاه هنر» نزدیک به دو دهه پیش منتشر شده است. «سنت و تحول در موسیقی ایرانی»، «موسیقی و عرفان» و «روح نغمات» سه کتاب از ژان دورینگ، «راز شکسپیر» از مارتین لینگ و «اخبار الحلاج» از لویی ماسینیون از جمله آثار منتشر شده این مترجم است. فضائلی، هم اکنون کتاب «شبرنگ بهزاد» را زیر چاپ دارد که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

سودابه فضائلی:

فرهنگ نمادها، جایگاه خود را یافته است

دوم این که من علاقه خاصی به نگاه فرانسویان به بخش هنر دارم و بر همین اساس این مجموعه را برگزیدم در حالی که می توانستم فرهنگ های دیگر مثل فرهنگ سیرلاک را ترجمه کنم. چون این فرهنگ را در اختیار داشتم یا دو - سه فرهنگ دیگر به زبان انگلیسی در اختیارم بود. اما من، این فرهنگ فرانسوی را انتخاب کردم چون فرهنگ نماد در ارتباط بسیار نزدیک با هنر است و من نگاه هنری فرانسویان را ترجیح می دهم. به اضافه این که، به هر حال فرانسویان پدر فرهنگ نویسی در جهان شناخته می شوند یعنی دیدرو و لاروس قوی ترین و بهترین فرهنگ نویسان جهان بوده اند و به نظر نمی رسد بالاتر از آنها کسی باشد. این سنت فرهنگ نویسی در میان فرانسویان، همچنان تداوم یافته است. فرانسویان اصلا آن خشکی فرهنگ نویسی انگلیسی ها را ندارند و کارشان خیلی تر و تازه است؛ خیلی نغز است.

آیا ایرانیان توانسته اند راجع به مجموعه فرهنگ نمادها، آیین ها و اسطوره ها کار کنند و آثار قابل تاملی ارائه دهند؟ به نظر می رسد «پژوهشی در اساطیر ایران» مهرداد بهار همچنان بهترین کتاب موجود در این زمینه باشد.

واقعیت این است که در این زمینه، خیلی کم کار شده است. یکی مرحوم بهار است که در این زمینه کار کرده بعد هم دکتر جلال ستاری است که در این زمینه کار می کنند. ولی با همه این مباحث، هنوز جا برای کار، فراوان است. هنوز باید راجع به نمادها، فرهنگ اساطیر و آیین ها و اسطوره های ایرانی - اسلامی کار کرد. متأسفانه آن ایرانی ای که در بخش نماد و اساطیر این مجموعه پنج جلدی کار کرده، کسی بوده که فقط زبان فرانسوی می دانسته و ساده ترین طریق تحقیق را در زمینه نمادها انتخاب کرده که آن هم ارجاع به لغت نامه دهخداست. این کار، ساده سازی موضوع است. در هر حال «فرهنگ نمادها» به رغم این که بهترین فرهنگ موجود در زمینه نمادها شناخته می شود اما راجع به نمادهای ایرانی و اساطیر ایرانی کار نکرده است. در این فرهنگ، نویسندگان در چند جا فقط به دهخدا ارجاع داده اند.

در مورد «فرهنگ غریب» بفرمایید. علت این نامگذاری چه بوده است؟

علت این که دو جلدی «فرهنگ غریب» به این صورت نامگذاری شده، این است که واژه های غریب و مهجور در این فرهنگ بسیار زیادند. در مقدمه کتاب اشاره کرده ام. وقتی غریب ها کنار هم می نشینند بیشتر آشنایی شوند. در واقع آنقدر اینجا و آنجا در کتاب های مختلف گشتم که همین طور پیشینه چهل سال جمع آوری فیش ها حاصل شد «فرهنگ غریب». برخی از این غریب در فرهنگ های مختلف جهان وجود دارند، برخی دیگر را اصلا نمی شود در فرهنگ های ایران و اسلام پیدا کرد. بیشتر اینها جنبه نه چندان دم دستی دارند. برخی را بر مبنای علاقم فراموش آوردم و روی آیین ها و اساطیر بیشتر متمرکز شدم یا روی اشیاء متبرک بیشتر تاکید کردم. این گونه اشیاء در فرهنگ های دیگر جهان هم وجود دارند. هر چه که در طول چهل سال تحقیق با آن مواجه بودم، فیش برداری کردم و در نهایت از بین فیش ها انتخاب و آنها را تنظیم و تدوین کردم که به عنوان متمم در چاپ سوم «فرهنگ غریب»، آن را منتشر کردم.



کرده ام، شماره دقیق آن را داده ام و مشخص کرده ام که از کجا گرفته ام. حتی یک کلمه از خودم اضافه نکرده ام اما ساخت جملات را شاعرانه کردم. هر چه هست، متعلق به آن حضرت است و برداشتی از ترجمه های نهج البلاغه است.

جلد پنجم «فرهنگ نمادها» را به تازگی منتشر کرده اید و با انتشار این جلد مجموعه پنج جلدی «فرهنگ نمادها» کامل شد. ترجمه فرهنگ نمادها از چه زمانی و با چه انگیزه ای شروع شد؟

در مورد انگیزه ام از ترجمه این اثر، باید بگویم علاقه من به نماد، اسطوره و آیین سبب شد تا دنبال ترجمه «فرهنگ نمادها» بروم. وقتی یک مترجم سراغ ترجمه اثری می رود، خواهی نخواهی به موضوع آن اثر علاقه ذهنی و علاقه قلبی دارد. من از سال ۷۴ ترجمه «فرهنگ نمادها» را شروع کردم. نخستین جلد هم در سال ۷۸ منتشر شد و در طول این ده سال، هر دو سال یک جلد آن آماده انتشار شد که در نهایت جلد پنجم آن اخیرا به بازار آمد. همراه با ترجمه این مجموعه فیش هایی را با موضوع نمادها، که از قدیم داشتم، به اضافه فیش هایی که مربوط به این کتاب هم می شود، تنظیم و تدوین کردم و در مجموعه ای گردآوردم.

کتاب دو جلدی «فرهنگ غریب» که نشر افکار از من منتشر کرد، تحقیقاتی است که من روی نمادها

انجام دادم. البته الان حدود دو هزار مدخل دیگر هم آماده کرده ام که شاید به عنوان متمم «فرهنگ غریب» سال آینده منتشر کنم. به هر حال «فرهنگ نمادها» از نظر نمادشناسی کتاب بسیار مهمی است از نظر نمادشناسی که خوشبختانه الان تمام بخش های دانشکده های علوم انسانی، توجه خاصی به آن دارند. تمام دانشجویان به این مجموعه پنج جلدی مراجعه و حتی برخی به خود من مراجعه می کنند. به هر حال «فرهنگ نمادها» جای خودش را در میان دانشجویان و اهل فرهنگ باز کرده است. وقتی صحبت از فرهنگ می شود، ذهن شنونده ابتدا به سمت فرهنگ لغات و واژه ها می رود در حالی که «فرهنگ نمادها»، فرهنگ معنایی و توصیفی مداخل مختلف است. اعم از اسطوره ها، آیین ها، اساطیر، رویاها و از این قبیل.

چه شناختی از نویسندگان «فرهنگ نمادها» داشتید و چگونه از بین تمام فرهنگ های موجود در جهان، این فرهنگ را برای ترجمه برگزیدید؟

به چند دلیل از میان تمام فرهنگ هایی که با موضوع نماد نوشته شده اند، من «فرهنگ نمادها» را ژان شوالیه و آلن گریبان را برای ترجمه انتخاب کردم. ژان شوالیه و آلن گریبان که بر این مجموعه نظارت داشتند از جمله معروف ترین و برجسته ترین دانشمندان فرانسوی در زمینه نماد و نمادپردازی شناخته شده اند.

ضرورت توجه بیشتر به فرهنگ ایرانی

وقتی صحبت از شرق می کنیم، نمی دانم منظور فقط اسلام است یا کشورهای چون هند و فرهنگ بودیسم و هندوئیسم هم مدنظرند؟ اما در مجموعه «فرهنگ نمادها» با چنین کمبودی مواجه نیستیم. برای این که ژان شوالیه و آلن گریبان در تالیف و تدوین این فرهنگ از برجسته ترین آثار موجود در این زمینه استفاده کرده اند و از صاحب نظران شناخته شده ای بهره گرفته اند که در این حوزه سرآمد دیگرانند. می توان به جرأت گفت که نزدیک به هزاران نفر از استادان در تالیف و تدوین فرهنگ نمادها با ژان شوالیه و آلن گریبان همکاری داشته اند. چه افراد زنده ای که برای آنها مقاله فرستادند و چه آنانی که از کتاب هایشان استفاده کردند. این افراد راجع به بودیسم، هندوئیسم، شیئیسم و دائوئیسم و مواردی از این دست، خیلی خوب کار کردند. راجع به اسلام در مراکش و الجزایر و اطراف آن خیلی خوب کار کردند. راجع به اسلام اعراب هم فراوان سخن گفته اند، اما نمی توانم بگویم که اسلام شیعی در ایران را در «فرهنگ نمادها» خوب کار کردند. علتش هم این است که در تالیف «فرهنگ نمادها» نیامدند از کتاب های ایرانی که راجع به اساطیر، نماد، آیین و اسطوره نوشته شده اند بهره کافی و لازم را ببرند. چون ایران کشوری است که از اقوام مختلف تشکیل شده و هر قوم دارای آیین ها و اسطوره های خاص خودشان هستند و هر قومی دارای ابژه ای قدسی است که در جهان شناخته شده نیست. واقعا باید روی این فرهنگ کار کرد و کتاب ها نوشت. فرهنگ ایرانی - اسلامی فرهنگی بسیار غنی است.

خانم فضائلی، از میان آثاری که تاکنون منتشر کرده اید، کدام یک با اقبال بیشتری روبه رو شده اند؟

کتاب «فی چنینگ» به چاپ یازدهم رسید و جایزه اول ترجمه ئی چنینگ را از سوی دانشگاه پکن دریافت کرد. کتاب دیگری به اسم «ثورا» است که جنبه تغال دارد و تکیه اش بیشتر بر نمادشناسی است. البته علاقه من هم بر نماد و نمادشناسی است و «ثورا» هم یک نگاه نمادشناسی بر وضع اشکال و رنگ ها در یک سری کارت هایی است که متعلق به سه - چهار هزار سال پیش در مصر است. سه عنوان کتاب از ژان دورینگ ترجمه کرده ام که یکی به نام «سنت و تحول در موسیقی ایرانی» نام دارد و جایزه بهترین ترجمه سال ۸۶ را از آن خود کرد. کتاب دیگری که ترجمه کرده ام و کتاب بسیار خوب و قابل تأملی است، «راز شکسپیر» نام دارد که توسط نشر قطره سه - چهار بار تجدید چاپ شده است. این کتاب در واقع، حاصل نوعی نگاه مارتین لینگ، عارف انگلیسی مسلمان است که به ۱۰ غزل آخر شکسپیر داشته که اعتقاد دارد شکسپیر در این شعرها نگاهی عارفانه داشته است. کتابی هم از لویی ماسینیون ترجمه کرده ام که «اخبار الحلاج» نام دارد. در این کتاب، بخشی از اشعار و خطبه های حلاج را آورده ام. به تازگی کتاب «عاشقانه ها» را منتشر کرده اید که بازخوانی گفتارهای حضرت علی (ع) است.

واقعیت این است که کار من در حوزه نمادشناسی و اسطوره شناسی است ولی به دلیل عشق و علاقه ای که به حضرت علی (ع) دارم، در جریان مطالعات مستمر نهج البلاغه دست به انتخاب زدم. یعنی کلمات قصار، پاراگراف های بسیار زیبا و لطیف و جمله های عاشقانه حضرت علی (ع) را گلچین کردم و در یک مجموعه آوردم. هدف من از تدوین و بازخوانی این اثر، آشنا ساختن نسل جوان با وجه دیگری از نگاه و نگرش لطیف و عاشقانه آن امام بود. در واقع، هر وجه از وجوه خداوندی، یک بخش جمال و زیبایی هم در وجودش دارد. تکیه من بیشتر روی این بخش است. این کتاب حاصل یک انتخاب و یک بازخوانی است. من سه ترجمه از نهج البلاغه را مورد نظر قرار دادم، یعنی ترجمه آقایان مبشری، شیروانی و شهیدی، البته به معادل هایی هم که برای لغات عربی آورده اند، نیم نگاهی داشتم، در واقع یک دوباره خوانی از ترجمه های موجود نهج البلاغه و برخی خطبه ها و نامه های حضرت علی (ع) با عنوان «گزینه ای از گفتارهای یار عاشقان» فراهم آوردم.

آیا این انتخاب بر اساس موضوع خاصی بود؟

حتما وجوه مشترکی در انتخاب کلمات قصار، خطبه ها و نامه ها وجود دارد. هر کاری که انسان با عشق انجام می دهد یک نیروی مافوق تصور او را به پیش می راند. من فقط یک مداد و صفحه سفید مقابلم بوده و می نوشتم. یک نوع الهام بود و من یک جور عاشقانه به این موضوع نگاه می کردم، البته هیچ ادعایی ندارم. ولی یک حکمت و فلسفه ای در انتخاب این جملات و خطبه ها حتما وجود دارد. حتما عرفان در این انتخاب هست؛ حتما غم این دنیا و دلدردگی از زرق و برق جهان در سخنان عاشقانه آن حضرت هست که من انتخاب کردم.

نهج البلاغه متن همه زمانی و همه جهانی است. موضوعات روز رami توان از دل آن استخراج کرد. من در فصل پایانی کتابم از نهج البلاغه هر بخشی را چه از خطبه ها، چه از نامه ها و چه از حکمت ها استخراج



خیل عظیم اطلاعات موجود در کتابخانه‌ها که هر لحظه بر حجم آنها افزوده می‌شود باید در اختیار کاربران قرار گیرد اما مطمئناً بدون سازماندهی دقیق، نه تنها این اطلاعات به مخاطبان نمی‌رسد، بلکه به صورت بکر باقی می‌ماند. از این رو، کتابداران سراسر دنیا با دانش خود، اطلاعات علمی جدید را گردآوری کرده و آنها را در دسترس کاربران قرار می‌دهند. در واقع کتابداران مانند پلی میان اطلاعات و کاربران عمل می‌کنند و نبود آنان، مشکل آفرین خواهد بود. نقش حساس کتابداری در به‌روز کردن اطلاعات و انتقال آنها به مخاطبان، فقط از عهده افراد صبور هر جامعه برمی‌آید. برای آشنایی بیشتر با حرفه کتابداری و اهمیت آن در جامعه علمی با مریم عبداللهی کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و مسئول بخش نمایه‌سازی مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی گفت‌وگو کرده‌ایم که به در ادامه می‌خوانید.

مریم عبداللهی کارشناس ارشد کتابداری:

زنان در کتابداری موفق‌ترند

به نظر شما کتابداری در امر پژوهش در چه جایگاهی قرار دارد؟

هیچ پژوهشی بدون منابع کتابخانه‌ای انجام نمی‌شود مگر آن که یک پژوهش از نوع عملیاتی کاربردی و قابل استناد به تجربه‌های شخصی خاص باشد. منابع کتابخانه‌ها نیز باید مطابق بر اطلاعات روز دنیا باشند تا در پژوهش‌های علمی کاربردی شوند. اینکه این اطلاعات کجاست و چگونه می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد، نیاز به تخصص کتابداری دارد. منابع اطلاعاتی هر پژوهش با کمک کتابدار متخصص جمع‌آوری می‌شوند.

تا چه اندازه کتابداران می‌توانند در به‌روز کردن اطلاعات یک پژوهشگر موثر باشند؟

اگر نتیجه یک پژوهش کاربردی نباشد آن پژوهش معنا ندارد. هر قدر اطلاعات به روز تر باشند حاصل پژوهش‌ها کاربردی‌تر خواهند بود چرا که پژوهش‌های کاربردی حاصل منابع اطلاعاتی به روز دنیا هستند. یعنی اطلاعات ابزار و وسیله کار یک تحقیق به‌شمار می‌روند. هر تحقیقی از طریق جست‌وجو در منابع کتابخانه‌ای می‌خواهد به اطلاعات روز دسترسی یابد که او را در رسیدن به دستاوردهای جدید یاری دهد. به همین منظور به کتابخانه می‌رود یا از طریق اینترنت منابع علمی کتابخانه‌های دیجیتال را جست‌وجو می‌کند و از کتابدار انتظار دارد اطلاعات جدید را در اختیارش بگذارد. هر قدر اطلاعات یک کتابدار به‌روز تر باشد، آن پژوهشگر راحت‌تر مراحل تحقیق را طی می‌کند.

بسیاری از این منابع در داخل و بعضی دیگر در خارج از کشور و در کتابخانه‌های تخصصی، دانشگاهی سراسر دنیا یافت می‌شوند. تهیه، انتخاب، شناخت و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به عهده کتابداران است. آنان با حل مشکلات مالی و مسائل اداری، با ترغیب‌های کتابداری، اطلاعات مورد نیاز پژوهشگران را در کمترین زمان فراهم می‌کنند.

پس دلیل دسترسی نداشتن پژوهشگران به اطلاعات، کتابداران هستند!

تا حدی می‌تواند برعهده کتابداران باشد. گاهی کتابداران با مشکلاتی مثل کمبود بودجه یا نبود رابطه مناسب میان کشورها برای دسترسی به اطلاعات مواجه می‌شوند. البته کتابداران در تلاشند تا با روش‌هایی که می‌شناسند این گونه مشکلات را حل کنند، اما یکی از مشکلات اساسی که مانع دسترسی یک محقق به اطلاعات مورد نیازش می‌شود، نبود تخصص یک کتابدار در فراهم آوردن منابع اطلاعاتی است. امروزه کتابخانه‌هایی داریم که از نظر منابع بسیار غنی هستند اما پژوهشگران به آن منابع دسترسی نمی‌یابند چرا که وقتی محققان به این نوع کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند، اطلاعات کاربردی به دست نمی‌آورند و نتیجه پژوهش‌هایشان نیز محکم و متحول کننده نخواهد شد.

زنان در عرصه کتابداری چه نقشی دارند؟

کارهای ظریف و نامحسوسی که در کتابخانه‌ها انجام می‌شود، با روحیات خانم‌ها سازگارتر است. چرا؟

چون کتابخانه از مسائل سازماندهی دور نیست و سازماندهی نیز با روحیات خانم‌ها سازگارتر است. همان‌طور که در کلاس‌های دانشگاهی می‌بینیم، درصد بالایی از خانم‌ها به کتابداری گرایش دارند. همچنین تعداد خانم‌هایی که جذب کتابخانه‌ها می‌شوند، از آقایان بیشتر است. خانم‌ها خودشان را در این امر موفق‌تر نشان داده‌اند و آقایان در کتابخانه‌ها بیشتر جذب مسائل پژوهشی می‌شوند. بنابراین ما به این نتیجه رسیده‌ایم که کارکردن در کتابخانه برای خانم‌ها مناسب‌تر است.

آیا کتابداران زن در پیدا کردن موقعیت‌های شغلی با مشکل مواجه می‌شوند؟

مقایسه بین خانم‌ها و آقایان نشان می‌دهد اگر یک خانم و آقایین کار کردن در کتابخانه و کتابداری بخواهند یکی را انتخاب کنند، حتماً آن خانم کتابداری را برمی‌گزیند. این شغل بیشتر توسط خانم‌ها اشغال می‌شود و معمولاً مشکل کاریابی ندارند. اگر یک خانم به کتابداری و تخصص‌اش هم علاقه داشته باشد، حتماً می‌تواند کاری خوب در محیطی مناسب بیابد. فرق این رشته با رشته‌های تخصصی دیگر مثل پزشکی همین است که شاید یک پزشک، ماه‌ها در جست‌وجوی کار باشد اما کتابداران، به ویژه خانم‌ها، به سرعت شغلی مناسب می‌یابند. یکی از دلایل نبود مشکلات کاریابی در حرفه کتابداری، این است که امروزه شاهدیم تخصص‌گرایی در بسیاری سازمان‌ها در حال رشد است و بسیاری از کتابخانه‌ها تاکید دارند که حتماً کتابداران متخصص



را استخدام کنند. اما قبلاً این طور نبود و افرادی هم با گرایش روابط عمومی کتابدار می‌شدند. همین امر سبب شده تا بسیاری از سازمان‌ها و اداره‌ها، از نیروهای متخصص در رشته‌های مختلف اشباع شوند اما خوشبختانه، کتابخانه‌ها هنوز اشباع نشده و به کتابداران متخصص نیاز دارند.

به نظر شما کتابداران در جامعه با چه مشکلاتی مواجهند؟

در جامعه ما، مردم با نقش مهمی که کتابداران ایفا می‌کنند آشنا نیستند و او را شخصی پشت گیشه کتابخانه‌ها می‌دانند که کتاب‌امانت داده‌وپس می‌گیرد. این یک درد ریشه‌ای است و درمان آن باید از مدارس و دانشگاه‌ها شروع شود. دانش‌آموزان و دانشجویان باید به خوبی وظیفه یک کتابدار و نقشی را که او در پشت صحنه کتابخانه بازی می‌کند بشناسند. همین دیدگاه‌ها سبب شده که همه کارمندان کتابخانه‌ها و مخصوصاً کتابداران، حتی اگر در یک وزارتخانه بزرگ مثل وزارت نفت هم کار می‌کنند، برخلاف دیگر کارمندان از سطح درآمد پایینی بهره‌مند باشند.

در گفت‌وگو با یک کتابدار زن عنوان شد

زنان؛ از خانه‌داری تا کتابداری

حوزه می‌بایم. زنان کتابدار با بهره‌گیری از روحیه لطیف و مادرانه در کتابخانه‌های تخصصی مثل کتابخانه کودک و نوجوان بسیار موفق عمل می‌کنند و در چنین محیط‌هایی مانند مادران دلسوز، به قصه‌خوانی و شعرخوانی برای کودکان می‌پردازند و سبب علاقه مندی کودکان به کتاب و کتابخوانی می‌شوند.

تلاش زنان کتابدار تا چه اندازه در پیشرفت امر پژوهش موثر است؟

بین کتابخانه‌ها، کتابداران و پژوهش رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. کتابخانه‌ها از جمله مراکزی هستند که انواع مختلفی از منابع اطلاعاتی، اعم از چاپی و غیر چاپی در آنها یافت می‌شود. در برخی کتابخانه‌ها، انواع خاصی از منابع غنی و ارزشمند اطلاعاتی جلوه ویژه‌ای یافته‌اند و از اهمیت خاصی نیز برخوردارند. درست مانند کتابخانه‌هایی با اهمیت تاریخی که از منابع غنی و ارزشمندی چون نسخ خطی، اسناد ملی - تاریخی، اسناد سازمان ملل متحد و اسناد دیداری - شنیداری و کتاب‌های چاپ سنگی بهره‌مندند. این مراکز علمی - فرهنگی علاوه بر حفظ و صیانت گنجینه‌های منحصر به فرد، اطلاعات بهینه‌ای را به شکل دیجیتالی برای محققان و کاربران فراهم می‌آورند و بالطبع نقش گسترده‌ای در پیشرفت فعالیت پژوهشگران در ذخیره‌سازی و اشاعه دانش

حاصل می‌شود. با همین دیدگاه، شاهد حضور فعال آنان در مجامع علمی و بین‌المللی و در بخش‌های توانایی‌ها و استعدادها می‌باشیم. زنان ایران نه تنها در اعتدالی سطح اقتصادی و فرهنگی خود، خانواده و اجتماع می‌کوشند بلکه پایه‌های مردان در شکل دهی جامعه مدنی مشارکت می‌کنند. آنها با توسعه مهارت‌ها و معلومات شخصی خود، نقش فعالی در مدیریت سازمان‌ها، انجمن‌ها، اداره‌ها و همچنین کتابخانه‌ها بر عهده دارند. آنها، هم به عنوان محقق و پژوهشگر و هم به عنوان کتابدار نقش مهمی در اداره امور کتابخانه‌ها ایفا می‌کنند.

حضور زنان در عرصه کتابداری، به عنوان یکی از رشته‌های فعال در کتابخانه‌ها، چگونه است؟

همان‌طور که اشاره کردم، زنان در تمامی عرصه‌ها خصوصاً در محیط‌های فرهنگی از جمله کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، حضور پرشور و فعال دارند. اگر چه تعیین دقیق تعداد کتابداران زن نسبت به کتابداران مرد در کتابخانه‌ها نیاز به بررسی دقیق و جامعی دارد اما حضور فعال، آگاه، علاقه‌مند و پررنگ زنان، باعث گرایش آنها به این رشته شده است. خوشبختانه، ما در عرصه کتابداری زنانی دلسوز و دانشمند داریم که استادان برجسته علم کتابداری هستند که آنان را به عنوان مادران رشته کتابداری می‌شناسیم و به حضور مستمر و فعال آنها در این

حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه زمینه‌های فرهنگی در طول سال‌های بعد از انقلاب بسیار چشمگیر بوده است. یکی از این عرصه‌ها، کتابخانه‌ها هستند که بنا به اعتقاد صاحب‌نظران کتابداری، بدون حضور زنان، امر پژوهش فلج می‌شود. آزاده حیدری، دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی و کارشناس ارشد کتابخانه، حوزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، یکی از این صاحب‌نظران است که با وی در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی مختلف از جمله کتابخانه‌ها چیست؟

در گذشته، زنان در بند تعصبات خشک، کلیشه‌ای، باورهای غلط و دست و پا گیر، تنها ملزم به انجام امور خانه‌داری، بچه‌داری و همسر داری بودند و سهم زیادی در عرصه اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی نداشتند. تعداد انگشت‌شماری از آنان هم که به مجامع علمی، نهادها و مراکز آموزشی راه می‌یافتند، اثربخشی بالایی نداشتند. اما امروزه، نقش زنان در توسعه و پیشبرد امور خانه، خانواده و اجتماعی نسبت به زمان‌های گذشته مهم‌تر و موثرتر شده است. آنان اکنون، نه تنها مادران و همسرانی آگاه و دانا به مسائل روزند بلکه در عرصه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی و فرهنگی حضور فعال دارند. آنها به خوبی دریافته‌اند که اگر می‌خواهند در پیشبرد و توسعه مملکت خویش موثرتر از قبل باشند، باید در اثبات نقش مهم و موثر خود در جامعه بکوشند و این امر فقط با افزایش سطح دانش، آگاهی و سواد اطلاعاتی

دارند و در واقع ترویج‌دهنده آن هستند. اما نقش کتابداران در کتابخانه‌ها، ارزیابی اطلاعات و مدیریت دانش است که همزمان به ارزیابی و سازماندهی آن می‌پردازند. همچنین کتابداران از جمله مهره‌های کلیدی اجرای پژوهش در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به‌شمار می‌روند که منابع اطلاعاتی و ارزش هر یک را به خوبی می‌شناسند. کتابداران به صورت علمی و عملی، در دوره‌های دانشگاهی اصول و فنون روش تحقیق را فرا گرفته‌اند و پژوهشگران را در این امر یاری می‌دهند. بخش مهمی از جامعه کتابداران زنان پژوهشگری تشکیل می‌دهند که با حضور فعال در سطح ملی و بین‌المللی به عنوان کتابداران حرفه‌ای به امر اطلاع‌رسانی می‌پردازند.

زنان کتابدار تا چه اندازه در به‌روز کردن اطلاعات خود کوشیده‌اند؟

این اصل در همه کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور حاکم است به گونه‌ای که پویایی کتابداری علمی، رابطه‌ای مستقیم با پژوهش‌های مفید دارد. منظور این است که توجه به اجرای صحیح فنون علمی کتابداری، روزآمدسازی دانش کتابداران و جریان اطلاعات جدید در کتابخانه‌ها، روند پژوهش را بهبود می‌بخشد. همین ارج نهادن به پژوهش علمی کتابداران و اجرای فرآیندهای پژوهشی در کتابخانه‌ها، رشته کتابداری را پویاتر می‌کند. خوشبختانه به مدد توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، عرضه و تقاضای اطلاعات با هزینه‌های اندک امکانپذیر شده است و در این میان کتابداران زن نیز به مدد این تکنولوژی کوشیده‌اند تا اطلاعات خود و کتابخانه‌های تحت پوششان را به روز کنند.



گزارش ویژه: حکایت پیرزن کتابفروش خیابان کارگر

خوشبخت تر از سیندرلا!



را می نوشتم و کتابش می کردم. آنقدر داستان قشنگی می شد که نگوی! آنقدر تجربه های خوب داشت که همه را هوشیار می کرد به طوری که همه حیران می ماندند. از روزگاری می نوشتم که در ایران نان برای خوردن پیدا نمی شد. من کاری به سیاست ندارم، اما می نوشتم آن زمان ایران چطور بود.»

اینها را می گوید و برای لحظاتی به فکر فرو می رود؛ گویا به مرور خاطره سال ها قبل مشغول می شود، شاید در ذهنش کتاب خاطراتش را ورق می زند.

آرام صدایش می زنم: «کجایی مادر؟ داشتی از کتاب زندگی ات می گفتی؟»

می گوید: «ولش کن پسر. حالا که خواندن و نوشتن بلد نیستم. اما این را بگویم که من کتاب نمی خوانم ولی به چهره افراد کتابخوان که نگاه می کنم، متوجه می شوم. انگار همه حرف هایی را که در کتاب ها خوانده اند، در صورتشان می بینم. آدم ها آن طوری راه می روند، لباس می پوشند، حرف می زنند و حتی قیافه می گیرند که فکر می کنند. من اینها را خوب می فهمم. حالا که صحبت از خواندن و نوشتن است، بگذار بگویم که اگر نوشتن بلد بودم، خیلی چیزها برای نوشتن داشتم؛ درباره همه چیز. می دانی؟ روزگار درس های زیادی به من داده است که می تواند کتاب زیبایی شود.»

حس می کنم در گرمای نزدیک به ظهر اوایل خردادماه بیشتر از این نباید وقت این کتابفروش گوشه خیابان را بگیرم. به ویژه آن که در بین صحبت هایمان، مجبور است مشتریان گذری اش را هم بدهد. به همین خاطر، آخرین نکته را می پرسم.

«فکر می کردی یک خیرنگار کتاب، یک روز سراسرغت بیاید و با تو مصاحبه کند؟»

می گوید: «مگر خیرنگار کتاب با بقیه خیرنگارها فرق می کند؟ تا حالا خیرنگاران زیادی با من مصاحبه کرده اند. اصلا همین خیرنگارها بودند که قبل از عید من را به حج عمره فرستادند. خدا عمرشان بدهد. کاش یکی باشد که قدر اینها را بداند. خدانگهدار تو هم باش.»

با کبری بهرامی، دستفروش حاشیه خیابان کارگر شمالی خداحافظی می کنم و راه می افتم...

از مقابل کتابفروشی های بزرگ و کوچک خیابان انقلاب که عبور می کنم، طرح چهره ننه کبری را روی شیشه آنها یا شاید قاب کتاب هایی پشت ویتترین می بینم و در خیال خودم دنبال کتاب زندگی نامه ننه کبری می گردم... با خودم می گویم: یکی بود، یکی نبود. یک روز یک دختر بچه دوساله به نام کبری با پدر و مادرش از اراک به تهران آمد. آنها آنقدر فقیر بودند که...

حالا آن کودک دو ساله پیرزنی ۸۵ ساله و خوشبخت است و همه مکافات هایی که در روزگار دیده، نتوانسته احساس خوشبختی را از او بگیرد. او حتی خودش را خوشبخت تر از سیندرلا می داند. هر چند که می داند او هم روزی می رود!

او باشم یا حتی مثل او باشم، چون عادت کرده ام هر چیزی را فقط از خدا بخواهم. می دانم که هیچ آرزویی واقعی نیست. من می دانم که هیچ بنده ای برای کسی کار نمی کند. پس باید هر چه می خواهم، از خدا بخواهم. چرا خودم را گول بزنم. من حتی دوست ندارم از امور خیریه هم کمک بگیرم. بنده خدا هستم و از او همه چیز را می خواهم. پسر! من دوست ندارم جای سیندرلا باشم چون او هم روزی می میرد، هر قدر هم زیبا باشد و پول داشته باشد. همه ما رفتنی هستیم.»

می پرسم: «پس احساس خوشبختی می کنی؟»

بله. من خوشبختم چون مثل بقیه آدم ها هستم. روزی به دنیا آمده ام و روزی هم می میرم.

ننه کبری ۸۵ ساله مثل خیلی از پیرزن ها و پیر مرد ها اگر چه درس نخوانده است، اما کمی سواد قرآنی دارد. خودش می گوید: «کم و بیش می توانم قرآن بخوانم. مخصوصا سر نماز که هستم، سعی می کنم وقتی قرآنی می خوانم، همه چیزهایی را که خدا گفته است، در نظر بگیرم.»

می گویم: «درباره قرآن بیشتر صحبت کن.»

نفس عمیقی می کشد و چشم به دیوار سیمانی روبرویش می دوزد و می گوید: «قرآن، حرف خدادر سینه حضرت محمد (ص) است. البته من به جز قرآن، بقیه حرف های خدا یا پیامبرانش مثل حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت داوود را هم دوست دارم. قدری از آنها را نیز برایم خوانده اند. اما قرآن چیز دیگری است. یک جورایی فکر می کنم کتاب های بقیه پیامبران هم شبیه قرآن است.»

چین و چروک های فراوان روی چهره پیرزن، عمر ۸۵ ساله، دیده ها و شنیده های فراوان حکایت از هزار خار و تلخ و شیرین داستان زندگی او دارد.

خودش می گوید: «اگر سواد داشتیم، داستان زندگی ام

فکر نکنید که سواد زیادی دارد! اگر این کار سود داشت که آنها به من واگذارش نمی کردند.

بدون این که بخواهم به موضوع خاصی فکر کنم، دلم برای کتابفروشان می سوزد. انگار راست می گویند که کتابفروشی سودی ندارد، دست کم ننه کبری که این طور می گوید!

می پرسم: سواد کتاب خواندن نداری، اما چقدر اهل داستان و قصه هستی؟

می گوید: «داستان هایی را که مردم و اطرافیان برایم می گویند، گوش می کنم و دوست دارم. من که هیچ، بچه هایم هم سواد ندارند. عاقلم نرسید بگذارم درس بخوانند. اما نوه پسریم همان که یتیم است، سواد دارد و برایم کتاب می خواند.»

پیش خودت آرزو نمی کنی که کاش سواد داشتی؟ وقتی دستم نمی رسد، چطور این کار را انجام دهم؟ اصلا آنقدر گرفتار زندگی ام که فرصت آرزو کردن ندارم. هزار و یک گرفتاری دارم. آفتاب زده از سه راه افسریه راه می افتم؛ از ۶ یا ۷ صبح اینجا هستم تا شب! ننه کبری کتابفروش، همان پیرزنی که برای همه کاسب های خیابان کارگر شمالی و اطرافش آشناست و بسیاری از رهگذران این خیابان او را می شناسند و با او خو گرفته اند، سال هاست بار سنگین زندگی را به تنهایی بر دوش می کشد، دست کم از حدود ۶۰ سال پیش که شوهرش به رحمت خدا رفت.

می پرسم: «در داستان هایی که برایت خوانده اند و گفته اند، پیش آمده آرزو کنی که ای کاش زندگی ات مثل یکی از زن های توی قصه بود؟»

می گوید: «نه، پیش نیامده است.»

می پرسم: «حتی دختر خوشبختی مثل سیندرلا؟»

لیخنند می زند و می گوید: «داستانش را برایم خوانده اند. می شناسمش. اما نه، من آرزو ندارم جای

هشتاد و سه سال پیش؛ آن زمانی که بسیاری از افراد این مرز و بوم یا هنوز به دنیا نیامده بودند یا کودکی خردسال بودند؛ آن زمان که تهران، تهران بود، اما نه ابر شهر و کلان شهر و از این گونه القاب، آن زمان که دم دمای غروب که می شد، افراد خانواده گرد هم می نشستند و به داستان های هزار و یک شب پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها گوش می دادند یا تنها فرد با سواد خانه، کتاب قدیمی و رنگ و رورفته را ورق می زد و شنوندگان را به دنیای جذاب قصه های می برد، دخترکی دوساله به اجبار روزگار همراه با خانواده اش به تهران آمد؛ آمد که نه، خودش می گوید آوردنش! چیزی از آن روزها به یاد ندارم. دو سال بیشتر نداشتم. مادر و پدرم مرا از اراک به تهران آوردند.

آن دختر دو ساله، آنقدر در تهران ماند و ماند تا امروز به مرز ۸۵ سالگی رسید. زمان به گونه ای برای پیرزن کتابفروش گوشه خیابان کارگر شمالی گذشت که او حتی فرصت سر زدن به زادگاهش را نیز پیدا نکرد. خودش می گوید: «اصلا به اراک نرفته ام و نمی دانم کجاست.»

می پرسم حتی کتابی هم درباره زادگاهت نخوانده ای که قدری اطلاعات به دست بیاوری؟

آهی از ته دل می کشد و می گوید: «نه مادر جان، سواد ندارم که کتاب بخوانم!»

چند دقیقه ای است که کنار پیرزن دستفروش در نزدیکی خیابان های کارگر شمالی و ادوارد براون نشسته ام. او با خوشرویی قبول کرده که به سوالات یک خبرنگار حوزه کتاب پاسخ بدهد.

به بساط حقیر و کوچک پیش پای او نگاه می کنم. چند جلد سرسید و تقویم امسال و پارسال و قدری خرت و پرت دیگر... راستی کتاب هایت کو؟

پیرزنی با بی حوصلگی جواب می دهد: «امروز چند جلد داشتم که همه را فروختم.»

چه کتاب هایی بودند؟

نمی دانم مادر جان. یک فروشنده کتاب هست که هر روز چند کتاب به من می دهد تا بفروشم. کمی هم به من سود می دهد.

پیرزنی ۸۵ ساله، قد خمیده، با صورتی پر از جای تازیانه گذشت ایام سخت، فقط با سود فروش چند کتاب و تقویم و قدری خرت و پرت روزگاری گذراند؟ کبری بهرامی که حالا سعی دارد جثه نحیفش را زیر سایه جایگاه انتظار مسافران اتوبوس جا بدهد تا از تابش خورشید ظهرگاهی دهه سوم خردادماه در امان بماند، خیلی حرف ها برای گفتن دارد.

اول انقلاب آدمم اینجا و بساطم کردم. اوایل سیگار و این جور چیزها می فروختم. چند نفر به من گفتند حالا که اینجا هستی، بیار روزنامه و کتاب هم بفروش. من هم قبول کردم. چون سواد ندارم، نمی دانم تاکنون چه کتاب هایی را فروخته ام. آنها را افراد دیگری به من می دهند. بعد از فروش نیز کمی سود بگیرم می آید.

وقتی همسر مفقود می شود

قادر حسینی

چاپ نخست کتاب «فقه المرأة» تالیف دکتر احمد فاضل السعدی با همکاری و اهتمام جامعه باقرالعلوم (ع) از سوی موسسه بوستان کتاب منتشر و روانه بازار نشر شد.

این اثر، مباحث فقهی مسائل مستحدثه زنان را در صورت مفقود شدن زوجشان در مذاهب پنجگانه اسلامی بررسی می کند.

گاهی در اثر حوادث یا جنگ ها، مرد مفقود الاثر می شود، در این گونه موارد، تکلیف همسرش چیست؟ آیا به انتظار بنشیند یا در مقام

جست و جو برآید؟ چه مدت چنین کند؟ نفقه زن چگونه است؟ آیا ارث هم می برد؟

اثر حاضر، موضوعات فوق را بر اساس منابع معتبر فقهی و آرای فقهای بزرگ مذاهب اسلامی در هفت فصل، بررسی کرده است. عناوین این فصول عبارتند از: جواز التفریق بین المفقود و زوجته؛ التریب و احکامه؛ الفحص عن المفقود؛ الطلاق والعدة؛ المفقود بین الرجوع والنهی؛ نفقه زوجه المفقود؛ ارث المفقود.

این کتاب فصل دیگری نیز دارد که به فتاوی فقهای شیعه معاصر درباره موضوع کتاب اختصاص داده شده است. همچنین در انتهای کتاب، فهرستی از آیات و روایات زینت بخش کتاب حاضر شده اند. از منابع مورد استناد نویسنده در تدوین این اثر می توان کتاب های

الاحکام فی الحلال والحرام، ارشاد الازهان الی احکام الایمان، اصل الشیعه و اصولها، الامتناع، الام، الامام المهدی من المهد الی الظهور، الانتصار، بحث حول المهدی، بحوث فقهیه، بلغه الفقیه، البجهه فی شرح التحفه، تفسیر القرآن العظیم، تاج العروس، تحریر الوسیله (امام خمینی «ره»)، تحف العقول عن آل الرسول، تهذیب الاحکام، جواهر الکلام، دعائم الاسلام، رجال الطوسی، رجال العلامة الحلی، رجال النجاشی، السرائر، ریاض المسائل، توضیح المسائل مراجع بزرگوار شیعه و ده ها عنوان کتاب دیگر (جمعاً ۱۶۴ عنوان کتاب) را نام برد.

چاپ نخست کتاب «فقه المرأة» (به زبان عربی) در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، ۲۰۸ صفحه و بهای ۴۰۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شد.



گزارشی درباره سهم زنان از کتاب‌های حوزه ورزش و تربیت بدنی

کتاب‌های زنان و زنان کتابی

کتاب‌های ورزشی، محملی بسیار مناسب برای انتقال اطلاعات و پیشرفت‌های علمی به دنیای پرهیجان ورزش‌اند؛ دنیایی که سال‌هاست پیوندی ناگسستنی با دانش و دانشمندان برقرار کرده است. در عرصه تربیت بدنی و ورزش، حضور قابل توجه خانم‌ها و آقایان را شاهدیم، زیرا زنان و مردان از یک سو به سلامتی و صحت بدن نیاز دارند و به آن اهمیت می‌دهند و از سوی دیگر، از حضور در عرصه جذاب رقابت‌های ورزشی لذت می‌برند. در این میان پرداختن به دو موضوع خالی از لطف نیست.



دکتر سعید سعیدی

مدیریت نشر صنم را نیز برعهده دارد، با این دو نظر مخالف است و می‌گوید: «فعالیت قلمی بانوان در عرصه کتاب، خیلی کم است و اکثر افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، بیشتر به دنبال تالیف و ترجمه کتاب‌های درسی دانشجویانند. خود من هم به خوبی نمی‌دانم که چرا بانوان، دنبال تالیف و ترجمه کتاب‌های ورزشی نمی‌روند!» وی اضافه می‌کند: «وقتی یک مربی ورزش بانوان کتاب بخواند و کتاب هم بنویسد، راحت‌تر می‌تواند با شاگردانش ارتباط برقرار کند و آنگاه شاهد نخواهیم بود که بر اثر بی‌اطلاعی یک مربی، ورزشکار تحت نظرش - خیلی ساده - مصدوم شود.»

دکتر مهرزاد حمیدی از مترجمان با سابقه حوزه تربیت بدنی و ورزش که ریاست آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک کشورمان را نیز برعهده دارد معتقد است باید فعالیت بانوان در این حوزه بیشتر شود. البته او آینده را روشن و امیدوار کننده می‌بیند و می‌گوید: «با توجه به حضور بانوان در عرصه ورزش و همچنین تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد و دکترای تربیت بدنی و علوم ورزشی، می‌توان امیدوار بود که در آینده وضعیت کاملاً متفاوت باشد و آثار علمی بیشتری از بانوان وارد بازار کتاب شود.»

مشکلی به نام تصویر

وضعیت کتاب‌های ورزشی و ویژه بانوان به گونه‌ای است که نه می‌توان گفت در این حوزه با فقر کتاب روبه‌رویم و نه می‌توان مدعی شد که تمامی نیازهای ورزشی بانوان در قالب کتاب منتشر شده‌اند. دکتر معماری، مترجم کتاب‌های «زندگی فعال همراه ورزش» و «بیومکانیک ورزش و تمرین» در این باره می‌گوید: «وضعیت کتاب‌های ورزشی ویژه بانوان از نظر کمی و کیفی خیلی مناسب نیست. به طور مثال من هرگاه سراغ ترجمه کتابی ورزشی ویژه بانوان می‌روم که تا حدی مصور و بر مبنای تصویر تهیه شده است، از ترجمه آن منصرف می‌شوم، چون بر مبنای فرهنگ ما، محدودیت‌هایی در این عرصه وجود دارد.»

وی می‌افزاید: «در حالی که از نظر به کاربردن تصاویر در کتاب‌های ویژه ورزش بانوان محدودیت داریم، توان آن را هم نداریم که هزینه طراحی‌های لازم را به جای استفاده از تصاویر کتاب بپردازیم. در غیر این صورت هیچ مشکلی برای ترجمه کتاب‌های ورزشی ویژه بانوان وجود ندارد.» دکتر معماری معتقد است که می‌توان برای غلبه بر این مشکل، از طراحی به جای استفاده از تصویر سود برد.

او می‌گوید: «اتفاقی که کشورهای پیشرفته نیز از این طراحی‌ها بیشتر از تصویر استفاده می‌شود، اما هزینه این کار آنقدر بالاست که نه مترجم و نه ناشر، از پس آن بر نمی‌آیند. این در حالی است که در برخی عرصه‌ها نظیر بیومکانیک، ضرورت دارد که از طرح استفاده شود.» دکتر صیرفی که تلاش‌های زیادی برای تالیف کتاب نگاره‌های ورزشی ایران انجام داده، در این باره می‌گوید: «در عرصه کتاب‌هایی که به سلامت و تندرستی بانوان مربوط می‌شوند و همچنین موضوعاتی که به مبحث مدیریت ورزشی مرتبط هستند، کتاب‌های خوبی وجود دارد، اما آنجا که نیاز به مطالعه کتاب‌های پژوهشی و تحقیقی

احساس می‌شود، در این زمینه تا حد زیادی با مشکل روبه‌رو می‌شویم.»

طاهره مفتخری نظری پور، از آنجا که علاوه بر ترجمه و تالیف، وظیفه مدیرمسئولی انتشارات را نیز برعهده دارد و مربی ورزشی بانوان نیز هست، به تحول ملموس تر در این باره اشاره می‌کند و می‌گوید: «واقعیت این است که در عرصه کتاب‌های آموزشی نظیر کتاب‌های آموزش تمرین، ضرورت دارد از تصاویری استفاده شود که بانوان ورزشکار و علاقه‌مند به مطالعه، بهتر متوجه منظور نویسنده بشوند و ما از این منظر با مشکلاتی روبه‌رو هستیم.» به عقیده مفتخری نظری پور، این مشکل می‌تواند ضعف علمی کتاب‌های حوزه ورزش بانوان را نیز به همراه داشته

باشد. وی استفاده از طرح به جای تصویر را پیشنهادی معقول می‌داند، اما معتقد است که این کار نیز اولاً محدودیت‌های خاص خودش را دارد و ثانیاً نمی‌تواند در تمامی موارد مانند تصویر، مطلب را به مخاطب منتقل کند.

دکتر مهرزاد حمیدی، رئیس آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک کشورمان که مجموعه زیر نظر او وظیفه انتشار کتاب‌های تخصصی ورزشی را نیز برعهده دارد، درباره کتاب‌های ویژه بانوان می‌گوید: «اگر کمبودی در این باره حس می‌شود، شاید به این خاطر است که بسیاری از کتاب‌های ورزشی از اساس، هم ویژه بانوان و هم ویژه آقایان نوشته شده‌اند و بنابراین، بسیاری از نیازهای ورزشی بانوان خود را خود تأمین می‌شود. به‌طور مثال، در حوزه فیزیولوژی یا مدیریت، کتاب‌های منتشر شده قابلیت استفاده مشترک برای آقایان و خانم‌ها را دارد.»

تبعیض جنسیتی؛ هرگز

در میان پرسش‌هایی که در حوزه فعالیت بانوان در عرصه کتاب‌های ورزشی و همچنین کتاب‌های منتشر شده برای بانوان مطرح است، یک سوال وجود دارد که تقریباً تمامی مخاطبان آن به یک پاسخ معتقدند و آن هم این است که آیا در این زمینه تبعیض جنسیتی بین زنان و مردان وجود دارد؟

دکتر ژاله معماری، از اساس وجود تبعیض جنسیتی در این زمینه را منتهی می‌داند و می‌گوید: «من هرگز شاهد چنین تبعیضی نبوده‌ام. تاکنون پیش نیامده است که خانمی برای فعالیت در حوزه کتاب‌های ورزشی به خاطر زن بودن با مشکل روبه‌رو شود یا تشکیلات ورزشی و ناشران به این دلیل از همکاری با او طفره برونند. به نظر من هیچ تفاوتی بین آقایان و خانم‌ها در این حوزه وجود ندارد و این، از جمله محاسن به حساب می‌آید.»

مهرزاد حمیدی: وقتی یک مربی ورزش بانوان کتاب بخواند و بنویسد، راحت‌تر می‌تواند با شاگردانش ارتباط برقرار کند و بر اثر بی‌اطلاعی، ورزشکار تحت نظرش مصدوم نمی‌شود

دکتر صیرفی نیز که سال‌هاست به تحقیق، پژوهش و نگارش در حوزه ورزش می‌پردازد، در این باره می‌گوید: «اصلاً چنین موضوعی صحت ندارد. من به عنوان دبیر سه دوره از همایش تاریخ ورزش، بارها شاهد بوده‌ام که مقالاتی از طرف خانم‌ها عرضه شده‌اند. خوشبختانه خانم‌ها در حوزه ورزش تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که گاهی بسیار عمیق بوده است.»



طاهره مفتخری نظری پور

طاهره مفتخری نظری پور نیز می‌گوید: «من به عنوان یک ناشر هرگز برایم فرقی نمی‌کند که با یک نویسنده یا مترجم زن کار کنم یا یک نویسنده و مترجم مرد، بلکه من به غنای اثر ارائه شده توسط او نگاه می‌کنم.» وی که تاکنون حدود ۱۵ عنوان کتاب را تالیف و ترجمه کرده است، معتقد است که هیچ حساسیت یا تبعیضی در این زمینه وجود ندارد و بانوان کاملاً آزادند و مجال کافی برای کار کردن دارند.

دکتر حمیدی که سال‌هاست مسئولیت هدایت و مدیریت اجرایی ورزش دانشجویی کشورمان را برعهده داشته و از نزدیک با مدیریت اجرایی ورزش درگیر بوده است، در این باره معتقد است: «طبق تعاملات اجتماعی، به این نتیجه می‌رسیم که آقایان فعال‌تر از بانوانند و در موضوع پیگیری و تعامل لازم‌برای به چاپ رساندن یک اثر، قدری پرتلاش‌تر از بانوان ظاهر می‌شوند. ضمن این که یک مقدار هم ورزش ایران از نظر مدیریتی مردانه است بنابراین، امکان دارد این شائبه به وجود بیاید که تبعیض جنسیتی در فعالیت برای تولید آثار مکتوب بین آقایان و خانم‌ها وجود دارد که در حقیقت این‌گونه نیست. در دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش وضعیت به گونه‌ای رقم خورده که زنان قدرت مدیریتی و اجرایی خودشان را نشان داده‌اند به همین دلیل به نظر من باید در عرصه ورزش و تربیت بدنی نیز این شرایط فراهم شود تا زمینه چنین شائبه‌ای از بین برود.»



دکتر فنا درباره دینانی عنوان کرد جذاب برای علاقه مندان به فلسفه

فاطمه فنا، مدیر گروه فلسفه دانشنامه جهان اسلام از استادان و صاحب نظران حوزه فلسفه است. وی تا کنون مقالات زیادی در حوزه فلسفه اسلامی در دانشنامه جهان اسلام ارائه داده و «شرح منظومه درس های سید رضی شیرازی» را تدوین و تنظیم و «احیای حکمت» را در دو جلد تصحیح کرده است.

این استاد فلسفه، در مورد شیوه آشنایی اش با دکتر دینانی می گوید: «من در سه دوره شاگرد ایشان بودم؛ در دوره لیسانس استاد بنده، در دوره فوق لیسانس استاد راهنما و در دوره دکتری هم استاد مشاور بودند». فنا، «قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی» را نخستین کتابی معرفی می کند که وی را با آثار دینانی آشنا کرده و می افزاید: «این کتاب برای کسی که می خواهد فلسفه بخواند، کتابی راهگشا و مرجع است. نخستین کتابی که از دینانی خواندم، این اثر بود. پس از آن، سایر آثار ایشان را هم پیگیری کردم.»

مدیر گروه فلسفه دانشنامه جهان اسلام، کلاس های دینانی را جذاب ارزیابی می کند و می گوید: «ویژگی های شخصیتی ایشان به عنوان یک استاد فلسفه، موجب می شود که کلاسشان نه تنها کسل کننده نباشد، بلکه همیشه یکی از پرشورترین کلاس ها باشد. دلیلش هم همراه بودن کلاس با بحث، گفت و گو و تفکر است و این که مباحث مطرح شده در کلاس، برای همه جذابیت دارد و فکر دانشجویان را به کار می گیرد. ایشان از طرفی با دانشجویان برخوردی صمیمانه دارند و این مسئله به دانشجویان جرات می دهد که با او به راحتی و بی پروا بحث کنند.»

از نظر دکتر فنا، دینانی در حوزه فلسفه اسلامی در ایران و کشورهای اسلامی بی نظیر است. وی معتقد است، هر کس که در این حوزه صاحب نظر باشد، از کتاب ها و آثارشان متوجه اطلاعات ایشان می شود. وی درباره علاقه اش به آثار ابراهیمی دینانی می گوید: «تقریباً با تمام آثار ایشان مانوس هستم اما کتاب «قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی» را بارها خوانده ام و از آنجایی که یک بار می بایست این اثر را ویرایش می کردم، می توانم بگویم این کتاب را زیور و کرده ام؛ غیر از اینها «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» را که سرگذشت فلسفه است از وقتی که برای تجلی و تعالی وارد جهان اسلام می شود، دوست دارم.» وی می افزاید: «البته «درخشش ابن رشد در جهان اسلام» هم کتاب خوبی است از این لحاظ که تا به حال به زبان فارسی، در شرق جهان اسلام در مورد ابن رشد اثری کار نشده است و اگر چه عرب ها در این حوزه کار کرده اند، اما اثر نامبرده پختگی بیشتری دارد. در واقع، در این اثر به این موضوع پرداخته می شود که ابن رشد مورد توجه غربی ها بوده و در غرب تأثیر گذارتر است و این که، چرا در جهان اسلام این رشد تجلی و نمود پیدا نمی کند.» این استاد حوزه فلسفه درباره ویژگی های آثار ایشان می گوید: «کلا کتاب های ایشان زبان روانی دارند و از هر نوع پیچیده گویی به دورند به همین دلیل، افراد در هر سطحی از مطالعه و تحقیق که باشند می توانند استفاده کنند و وقتی هم مطالعه کردند، خواننده خودش را درست خالی نمی بیند.» فنا معتقد است که بیان روان و ساده دینانی، هر کسی را جذب می کند و نحوه اظهار مطالبشان طوری است که شنونده احساس رضایت می کند؛ به عبارتی، شخصیت وی به گونه ای است که وقتی احساس کند پرسش کننده از سر فهم مطالب سوال مطرح کرده، کاملاً بصورانه برخورد می کند و گریزی از این که وقت بگذارد و جواب بدهد، ندارد و به همین دلیل، حتی مخاطب غیر متخصص هم جذب می شود.

گفت و گو

سارا فرجی



«غلامحسین ابراهیمی دینانی» در گفت و گو با شهین اعوانی

ریشه های آسمان

شهین اعوانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی موسسه حکمت و فلسفه ایران و فارغ التحصیل در مقطع دکترای رشته فلسفه اخلاق از دانشگاه بن آلمان است. از وی آثار تالیفی و ترجمه های بسیاری در حوزه فلسفه منتشر شده اند. به بهانه رونمایی از کتاب «خرد و خردورزی» که درباره دکتر ابراهیمی دینانی است و ۲۵ خرداد در سرای اهل قلم خانه کتاب رونمایی می شود با دکتر شهین اعوانی گفت و گویی انجام داده ایم که در ادامه می آید.

چگونه با دکتر دینانی آشنا شدید؟

نخستین جلسه درسی که با جناب دکتر دینانی داشتم، بعد از بازگشایی دانشگاه ها و در سال ۱۳۶۲ بود. من دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه تهران بودم و ایشان از مشهد می آمدند و «فلسفه سهروردی» را تدریس می کردند. شب قبل از شروع درسم با ایشان وقتی برادرم جناب دکتر اعوانی، متوجه شد که درسی با دکتر دینانی دارم، در مزایای اخلاقی و علمی ایشان با من سخن ها گفت و مرا نادیده شیفته علمی او کرد. در ابتدای کلاس، ایشان بحثی بر سر چیستی فلسفه اسلامی طرح کرد. طبق شیوه کنونی ایشان در اداره کلاس، نظر دانشجویان را درباره این موضوع جویا شدند. چون ما دانشجویان فلسفه غرب بودیم، اکثر زادگاه و خاستگاه فلسفه را یونان و سرآمد فلاسفه را افلاطون و ارسطو می دانستیم. ایشان با تأیید سخنان دانشجویان، گفت: «ولی فلسفه زادگاه دیگری هم دارد و منحصر به آتن نیست. شیخ اشراق تنها فیلسوفی است که جایگاه فلسفه را شرق دانسته و شرق او، هم شرق جغرافیایی است و هم شرق معنوی. البته منزلت افلاطون و ارسطو نزد سهروردی محفوظ است ولی ارسطو مقرب تر است. سهروردی با اذعان به این نکته که ایران و مصر هم می توانند خاستگاه فلسفه باشند با مکاشفه با ارسطو حرف می زند و او را مخاطب خود قرار می دهد.» در آن کلاس، ایشان سهروردی را «شیخ شهید» نامید و به ما دانشجویان نیز توصیه کرد که دیگر از واژه «شیخ مقتول» برای سهروردی استفاده نکنیم.

در دوره کارشناسی، ما با افکار استاد محترم دکتر داوری و دفاع ایشان از «فلسفه» آشنا شده بودیم. ولی در نخستین جلسه درس آقای دکتر دینانی، متوجه شدیم که ایشان مدافع «فلسفه اسلامی» است. ایشان

استاد ما

فاطمه مینایی: احتمالاً بارزترین وجه شخصیت استاد دکتر دینانی که تاکنون در فضای عمومی فلسفه دانشگاهی به ایشان تمایز بخشیده است، نحوه مواجهه پرشورشان با فلسفه است. البته داشتن شور و دغدغه شخصی می تواند به صورت های کاملاً متنوعی ظاهر شود و حتی الزاماً بروز عاطفی خاصی نداشته باشد. داشتن استمرار در کار و تحقیق و ترک تکرار و تلقین های معمول در هر دانش، از راه جست و جوی نگرش تازه به حوزه ها و مسائل آشنا، از جمله صورت های ممکن بروز این وضع، وجودی است که در استاد دینانی هم، مانند بعضی دیگر از اهل فلسفه - که هر یک به شیوه ای به تداوم حیات فکری ما مدد رسانده اند - برجسته و بارز است. وقتی ده دوازده سال پیش، نخستین بار در درس های کارشناسی دانشگاه تهران دانشجوی ایشان بودم، دیدم که دکتر دینانی با فلسفه همان طور مواجه می شود که حق فلسفه (و البته حق همه علوم و معارف واقعی) است، یعنی آن را نه به صورت صرف یک میراث و افتخار فرهنگی و پشتوانه تمدنی گذشته، بلکه به صورت مسائلی زنده و مرتبط با وجود حال و آینده ما معرفی می کند. در کلاس های دکتر دینانی، فلسفه بیشتر از طریق طرح مسائل معرفی می شد و این شیوه (به رغم بعضی ملاحظات آموزشی در مورد مبتدیان) از اصالت فکر نزد ایشان حکایت دارد. علاوه بر این، دکتر دینانی از جمله نویسندگانی است که با توجه دادن به سنت فلسفی ایران، بر گردن ما و نسل های بعدی حق دارند. در کتاب های مختلف ایشان، بر اهمیت مسائل فکری، به دور از هر برخورد سیاست زده یا ابزارساز یا تاریخ گذشته، تأکید می شود. ظهور این ویژگی ها را حتی در نام کتاب های دکتر دینانی می توان یافت، مثلاً عنوان «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» جنبه زنده فلسفه را برجسته می کند و این امکان را به وجود می آورد که به تحرک و سیلان ذاتی فلسفه و نسبت آن با فرهنگ، برخلاف بعضی شعارهای متداول درباره بی ارتباطی فلسفه با زندگی، توجه بیشتری شود. مجموعه آثار دکتر دینانی، صرف نظر از هر نقد و نظری که درباره آنها بتوان مطرح کرد، تلاش پرشوری است برای روشن نگاه داشتن چراغ میراث فکری ما؛ تلاشی که باید آن را قدر نهاد.



حوزه فلسفه مشهود بوده است. هر قاعده ای، اول طرح موضوع شده، بعد از متکلمانی نظیر دیربان کاتبی امام فخر رازی، علامه حلی و... یا فلاسفه ای که بار و یکردهای مختلف مشایی، اشراقی یا صدرایی و... به آن پرداخته اند، نام برده شده و با مراجعه به آثار آنان، نقل قول مربوطه با ذکر سند آمده است.

زمینه اصلی تفکر دکتر دینانی را شیخ شهاب الدین سهروردی و حکمت یا فلسفه اشراقی او تشکیل می دهد. حکیم سهروردی به علت مبانی فکر ایرانی در اندیشه و حفظ هویت حکمت رمز و رازدار به طریق حکمای فارسی، بسیار مورد احترام دکتر دینانی است. برای استاد دینانی، نوعی حقیقت که سهروردی با شهود باطنی و روش اشراقی جویای آن بوده است، بسیار خرسندکننده و مسرت بخش است. نکته دیگری که وی بر آن تأکید دارد، این است که سهروردی در این جست و جو هیچ گاه دچار یاس نشده و دست از طلب بر نداشته است. ایشان کتابی با عنوان «نیایش فیلسوف» دارد. در عنوان این کتاب، یک پارادوکس شیرین به چشم می خورد، زیرا ظاهراً چنین تصور می شده که بین فیلسوف و نیایش رابطه ای وجود ندارد! این کتاب، مجموعه مقالاتی است که طی پنجاه سال نوشته شده و حاوی ۲۶ یا ۲۷ مقاله ارزنده در مباحث مختلف فلسفه از جمله «سه مسئله فلسفی از خواجه نصیر تاملان صدر»، «انسان کامل» که شامل مباحث کمال و انسان کامل در آیات و روایات از منظر میرسید شریف جرجانی و عرفان اسلامی است، «ابن طفیل» که تفسیر بسیار جالبی از داستان حی بن یقظان دارد، «فلس و روح در نظر شیخ مفید» و... است.

آیا نقدی هم بر آثار ایشان دارید؟

زمینه های علمی و آموزشی ایشان در حوزه فلسفه به واقع ستودنی است. ایشان فقط مدرس فلسفه نبوده و نیست بلکه در کنار ترویج فلسفه اسلامی و تربیت دانشجویان در مقاطع مختلف، محقق واقعی اند. تلاشی که ایشان در زمینه تک نگاری درباره فلاسفه مسلمان کرده اند، برای پرورش فکری نسل ما و آگاهی نسل های آینده برای حفظ میراث فکری ایرانیان و مسلمانان بسیار موثر خواهد بود ولی در لابه لای مطالبی که ایشان طرح می کنند، گاهی به مواردی برمی خوریم که مربوط به فلسفه غرب است و ربط مستقیم به موضوع اصلی ندارد. مثلاً در همان مقدمه کتاب قواعد کلی فلسفه، ایشان مطلبی را درباره تعریف «حیوان ناطق» شروع کرده اند. ارتباط نطق و منطق، بخش دوم این مطلب است که به چیستی کلام و «کلمه» مرتبط شده است ولی به ناگهان، عالم ذهن و عین و موضوع ادراک مطرح می شود و پای برکلی و فلسفه تجربی او به میان می آید ولی تا آخر مقدمه، این بحث ادامه می یابد بدون این که طرح موضوع اول و نتیجه گیری مطرح شود. نقد دیگری که بر برخی از آثار ایشان وارد است، این است که گاهی استاد فرصت نوشتن را ندارند و از سوی جوانان خبرنگار یا مسئولان جوان نشریات در فشار قرار می گیرند تا مطلبی را به آنها بدهند. لذا حاضر می شوند مصاحبه ای انجام دهند یا در قالب یک سخنرانی مطلبی را ارائه می دهند.

نگاهی به پنج کتاب بانوان شاعر مجموعه تکا

بخشید خداوند به من هیأت زن را ...

راحتی گذشت. در چنین بندهایی، هم‌ارجاع به مشکلات اجتماعی در روابط عاطفی میان انسان‌ها نمود دارد و هم ریتم موسیقایی سطرها موثر به بار نشسته است.

شعرهای رجایی همه در حوزه شعر سپید جای می‌گیرند و به همین دلیل، اقتضای می‌کرده است که شاعر با نوع واژه چینی و استفاده از تقطیع‌های بجا، موسیقی لازم را به شعر خود ببخشد. به همین دلیل است که تقطیع در شعرهای رجایی نقش مهمی دارد. او می‌خواسته با شکستن یک سطر به چندین سطر، ریتم دلخواه را ایجاد کند: «.../گفتم:/- دریا/همه تکرار کردند:/- دریا!/ دریا/گفتم:/- موج/همه تکرار کردند:/- موج!/ موج!/ گفتم:/- ساحل/همه...». در این بخش که ذکر شد چون بقیه این متن، آن چه بین دو خط اریب آمده، محتویات یک سطر کامل را در خود جای داده است؛ بنابراین، بخشی که گذشت به تهنایی از یازده سطر تشکیل شده است که تا حدی جنس تقطیع‌های رجایی را در این مجموعه نشان می‌دهد.

کل به هوش نمی‌آید

شعرهای ناهید یوسفی در این مجموعه هر سه شکل شعر کلاسیک، شعر نیمایی و شعر سپید را در بر می‌گیرند. کتاب از چهار بخش «غزل‌ها»، «شعرهای سپید»، «رباعی‌ها» و «دوبیتی‌ها» تشکیل شده است که بخشی از شعرهای گنجانده شده در بخش شعرهای سپید، به واقع نیمایی‌اند؛ نه سپید.

«حلول روح شقایق درون پیکر تو/فضای باغچه آغوش مهرپرور تو/شکوه رویش خورشید از بسبب فلق/طلوع صبح نگاه شگفت آور تو/بنفشه عطر تو را می‌پراکند در باغ/حضور سبز بهار است پای تا سر تو/ تو مرغ وحشی عشقی در آشیانه من/پرند نرم خیالم، حریر بستر تو...». این بخشی است از نخستین غزل این کتاب. شاهکاری به وقوع نپیوسته؛ ولی شعر از تازگی و طراوت خالی نیست.

با این حال، همین شاعر در غزل دیگری نمونه‌ای از استواری زبانی را به نمایش می‌گذارد؛ غزلی که به امام علی(ع) تقدیم شده است: «می‌نشینم روی سکوی سیاهی‌ها مکرر/می‌رسم تا ارتفاع زرد اجرام منور/اطبع تاریکم به روشن خانه‌ای می‌گذارد/آن چنان روشن که با خورشید می‌گردد برابر/من کی‌ام؟ حیرت‌نورد پهنه‌دریای امکان/عاشق اشراق دل‌شوریدگان عشق پرور/ارتعاش نبض یک سنجاقکم در ظهر برکه/بال‌های

کوچکم بر شانه‌های یک کبوتر/شارع پروانه‌ام تا شهر شهیدآلوده گل‌بخاک‌نمناکم، گیاهم سبزجان حاصل آور/راحت از اندیشه‌های وحشت‌انگیز زمینی/می‌گذارم بر پرندین بالش بالاییان پر/بر حریر نرم راه جاده نور و ستاره/تک سواری می‌رسد با ذوالفقاری نورگستر/روشنی سر می‌زند از آفتاب دیدگان/عشق معنی می‌شود با نام آن مرد قلندر». غزل نخست را با این غزل قیاس کنیم. چنین قیاسی هم به لحاظ مضمونی و هم فرمی، مع الفارق است؛ در غزل دوم، با جنس ترکیب‌سازی و حتی یکی از قوافی دلخواه شاعران سبک خراسانی رویه‌رو هستیم که استفاده مناسب از این دو شاخصه در شعر یک بانو، شایسته تقدیر است.

وزن شعر در نتیجه نوع واژه‌گزینی شاعر، قدری غریب شده؛ در حالی که همان وزن بسیار آشنای رمل مثنی سالم (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) است. مجموعه شعر ناهید یوسفی، از این گونه فراز و نشیب‌ها زیاد دارد؛ گاه شعرهایی شایسته تحسین و گاه شعرهای دیگری که به راحتی می‌شد آنها را از این مجموعه کنار گذاشت. با این حال، آن شعرهای بسیار خوب، مطالعه «گل‌ها به هوش نمی‌آیند» را برای مخاطب جدی شعر امروز، کاملاً جذاب می‌کند.



به کار بردن عطف در آغاز بیت؛ که از نظر قدما از نظر بلاغی چندان پسندیده نیست؛ ولی بلاغت امروزی شعر فارسی این قبیل گریزها را کاملاً معمول کرده است به طوری که اگر به نحو مناسبی صورت گیرند، حتی به دلپذیر شدن بیشتر شعر هم یاری می‌کنند.

برای مثال در غزل «خدا کند تو نباشی» آمده است: «خدا کند تو نباشی چنین که من هستم/چنین که من به افق‌های دور دل بستم/نشسته‌ام متحیر میان این همه گور/و مانده نعش کبودی ز خویش بر دستم...».

یا در غزل «آرامش مردابی» می‌خوانیم: «بر هم مزن آرامش مردابی من را/بگذار فراموش کنم رود شدن را/ دریایم و می‌دانم، هر چند که رخوت/چندی ست گرفته‌ست ز من، موج‌زدن را/هیچ سؤالی که بجوشد ز درونم/اندوخته‌ام در کف خود لای و لجن را/تا راستی عشق کشد رو به فنا/بخشید خداوند به من هیأت زن را...». بهتر که نباشد سخن از غصه که کشتیم/در خویش سخن گفتن -این بغض شکن را».

روانی، صمیمیت، استفاده کاملاً مناسب از تصویر و نگاهی از دریچه عواطف رقیق زنانه به جهان پیرامونی، از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر فریبا یوسفی است. کتاب او، «حالات» از بهترین مجموعه شعرهای بانوان در مجموعه کتاب‌های تکاست.

هنوز زن بودم

نرگس رجایی، همان‌طور که پیش‌تر در گفت‌وگوهای مطبوعاتی‌اش گفته است، از شاعران جوانی است که معتقد است شعر فارسی پس از انقلاب موفق به تجربه کردن حوزه‌هایی شد که پیش از آن، چنین تجربه‌هایی در شعر ممکن نبود. وی گفته است: «یک شاعر هیچ وقت نمی‌تواند از دانش شعری برخوردار نباشد و لازمه اینکه در عرصه شعر بماند و صاحب نوآوری بشود، دانش شعری است. حالا ممکن است این دانش شعری از ادبیات کلاسیک یا از ادبیات معاصر ناشی شده باشد. همین نگاه رجایی در شعرهای مختلف مجموعه «هنوز زن بودم» آشکار شده است.

رجایی خواسته نمونه‌هایی از این آگاهی را با به کار بردن ترکیباتی چون «چشم‌خانه» و «ارجاع به کتاب‌هایی چون «برشانه‌های زخمی‌هایم» در متن شعر و کلمه‌هایی با بار کهن چون «نغمه» در شعر خود متبلور کند. این که او تا چه حد در اجرای این مهم موفق بوده، بحثی طولانی می‌طلبید. اما نمی‌توان از بندهای خوبی چون: «.../از هر کجا که برگشتی/مرا در چشم‌خانه خود دیدی/این ذوق لعنتی پیاده می‌رود/از فردا بر سر/مردی از کوچه تماشا/ تمام شهر فرنگ چشم‌ها را/به سکه‌ای فروخت»، به

است؛ در این شکی نیست. اگر چه جای شعرهایی از کارهای دهه چهل او در این مجموعه خالی است، اما همان شعرهایی که در مجموعه گنجانده شده‌اند نیز طراحی مناسب و متناسبی از شاعری صفارزاده را ترسیم می‌کنند. کتاب ۵۱۳ صفحه دارد و از ویژگی‌های مثبت دیگرش، گنجاندن سه گفت‌وگو با شاعر (از محمد حقوقی، محمدعلی اصفهانی و بهرام قاسمی) در پایان آن است که می‌تواند نقش مهمی در آشنا شدن بهتر مخاطب با شعر و اندیشه شعری صفارزاده داشته باشد.

به درک عشق رسیدن

«شعر اگر نه آینه روزگار باشد، خود شعر نیست؛ که روزگار را هیچ زبانی به شفافیت شعر ترجمان نبوده است». این جمله‌ها در سرآغاز همه کتاب‌های شعر مجموعه تکا درج شده‌اند. شعر وحیدی، ترجمانی است از روزگار حیات خود شاعر و به همین دلیل، ارزش بحث و بررسی دارد. سیمیندخت وحیدی عموماً شعر کلاسیک می‌گوید و بیشتر شعرهایش غزلند. حسن مطلع از محاسن شعر اوست؛ به گونه‌ای که در بیشتر موارد، مخاطب را وادار به ادامه خوانش شعرش می‌کند: «تشنگی را قطره‌ای شبنم تماشا می‌کنم/فیض اقیانوس را در نم تماشا می‌کنم». آن قدر این بیت موثر است که مخاطب به ادامه خواندن شعر تشویق شود؛ آن‌جا که به بیت‌های خوب دیگری نظیر این‌ها می‌رسد:

«در بیابانی که منزلگاه ایجاد و فناست/جای پای صد هزار آدم تماشا می‌کنم/این جهان گویی تماشاخانه درد است و غم/تا بخواهی جای شادی، غم تماشا می‌کنم/تنگ‌تر از سینه غمگین یک آینه است/آسمانی را که در عالم تماشا می‌کنم/عمر ما یک گام کوتاه است از راهی دراز/جاده را آن سوی این مبهم تماشا می‌کنم/ظواهر در غم، جهان آرزو را دیده‌ام/ماتم و امید را در هم تماشا می‌کنم». همین غزل، ظرفیت خوبی در نقد دارد؛ هم مثبت و هم منفی البته! ولی جنبه مثبت بی‌تردید غلبه دارد.

پس زمینه اسلوب شعر سراسری شاعران سبک هندی از همان بیت نخست این غزل آشکار است. در بیت «عمر ما یک گام کوتاه...» با اوجی از شاعرانگی وحیدی مواجه می‌شویم چرا که واژه «مبهم» اشاره به راه درازی دارد که همه عمر شاعر در آن راه، تنها یک گام کوتاه محسوب می‌شود. به همین دلیل، استفاده از صفت مبهم برای چنین راهی، به نحوی شاعرانه توجیه می‌شود. البته این که شاعر پس از برداشتن تنها گامی که در زندگی کوتاه خود مجال برداشتنش را داشته، به «تماشا کردن» این جاده بسنده می‌کند، بیت را به لحاظ عاطفی غنایی خاص می‌بخشد.

شعر وحیدی ظرفیت چنین موشکافی‌هایی را بسیار دارد و البته در این مطلب کوتاه، مجال چنین ریزبینی‌هایی فراهم نیست و انگیزه نگارنده، مروری سریع برای نشان دادن اهمیتی است که مجموعه تکا در معرفی بانوان شاعر سی سال اخیر داشته است.

بخشید خداوند به من هیأت زن را

فریبا یوسفی بر پیشانی ویلاگ خود (با عنوانی مشابه عنوان این کتاب: «حالات تو»)، نوشته است: «در حال حاضر اولین و آخرین کتابم با نام «حالات تو»، مجموعه‌ای است از آنچه خواسته و نخواسته به چاپ سپرده‌ام».

«حالات تو»، گزیده‌ای است از شعرهای یوسفی. بیش از نیمی از شعرهای این مجموعه، کلاسیک‌اند و بقیه در قالب سپید سروده شده‌اند. در شعرهای کلاسیکی چون «آرامش مردابی»، «ما فقط به هم سلام می‌کنیم»، «طلوع»، «در تالابویی آبی» و «خدا کند تو نباشی»، نمونه‌های خوبی از شاعرانگی یوسفی نمایان است. بیت‌ها خوش ساخت‌اند و به لحاظ بلاغی، برخوردار از سلاست و شیوایی. گاه نکاتی به چشم می‌خورد مثل

نشر تکا (توسعه کتاب ایران) در طول سالیان گذشته بالغ بر صد کتاب را در حوزه شعر و داستان ایرانی منتشر کرده است. در این مطلب، مجال آن فراهم شد تا با توجه به اختصاص کل نشریه کتاب هفته به حوزه مطالعات، پژوهش‌ها و آثار بانوان، به پنج نمونه از کتاب‌های شعری بپردازیم که تکا در حوزه شعر از بانوان شاعر منتشر کرده است. طاهره صفارزاده (طنین بیداری)، سیمیندخت وحیدی (به درک عشق رسیدن)، ناهید یوسفی (گل‌ها به هوش نمی‌آیند)، فریبا یوسفی (حالات تو) و نرگس رجایی (هنوز زن بودم) پنج شاعری‌اند که این مطلب بنا به مجال نگارنده، مروری سریع بر مجموعه شعرهای آنان در مجموعه کتاب‌های تکا است.

طنین بیداری طاهره صفارزاده

شاعر فقید، صفارزاده، مجموعه شعرهای قابل توجهی در طول حیات خود منتشر کرد که برخی از آنها در زمان انتشار خود، منشاء تحولات مثبتی در فرم و محتوای شعری دوران بودند. صفارزاده که شعرهایی چون «آسانسور» اش در دهه چهل، دریچه‌های تازه‌ای بر فرم شعر فارسی گشوده بود (دریچه‌هایی که به ویژه در دهه هفتاد رهروانی شاید افراط کار و شاید صادق یافت)، در سال‌های پیش و به ویژه پس از انقلاب، بیش از همه در حوزه شعر آیینی و انقلابی خود را به مخاطبان معرفی کرد.

وی تحصیل کرده زبان و ادبیات انگلیسی بود و آگاهی نسبی‌اش از فرهنگ غرب در شعرهایی چون «از شیکاگو»، «با تو گابریلا» و «تشیع جنازه ژنرال» بروز می‌کند که هر سه در «طنین بیداری» گنجانده شده‌اند. صفارزاده، قرآن پژوه، دین پژوه و مترجم قرآن بود که تسلطش در این حوزه‌ها نیز در شعرهای دیگری چون «قلم»، «امام سجده شناسان» و «برشانه‌های عبدالله» (از کتاب «روشنگران راه») و در شعرهای دیگری چون «سفر هزاره» و «سفر سلمان» (از کتاب «سفر پنجم») و نیز در بسیاری شعرهای دیگر متبلور می‌شود.

در شعر صفارزاده ویژگی‌هایی وجود دارد که باید بر آنها تأکید کرد؛ در هم تنیدن باورهای مذهبی با باورهای انقلابی، در هم تنیدن نمودهایی از فرهنگ غرب در نمودهایی دیگری از فرهنگ اسلامی (عمدتاً به منظور نشان دادن ضعف فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی)، پایان‌بندی‌های موثر و محکم، زبان عموماً استوار که برآمده از مطالعات شاعر در ادبیات کلاسیک و متون اسلامی است، توجه به تصویر نه به عنوان جزء اساسی شعر (به گونه‌ای که شعر بر پایه آن بنا شود) بلکه به عنوان روزنی دیگر بر محتوا و غایت شعر و روایت پردازی و بازگو کردن یک داستان در بطن شعر.

در این میان، توجه به تصویر به عنوان روزنی بر محتوا و غایت شعر، در کارهای صفارزاده، می‌تواند آموزنده‌تر باشد. نمونه‌ای از این نگاه به تصویر، در سرآغاز شعر «در انتظار کلام» به قاریان نوجوان قرآن مجید تقدیم شده است:

«بخوان بلند بخوان/در صبح این تلاوت معصومانه/صدای ناب اذان می‌آید/دل در حضور می‌آید/دل حاضر است/و سهم گرم بودن خود را/از نور این پیام قدسی بی‌مرز/از بطن این ستون صوتی معنا/برمی‌دارد...».

مشخص است که تصویرهایی چون (صبح تلاوت معصوم)، «صدای ناب اذان» و «سهم گرم بودن را از بطن صوتی معنا برداشتن»، کاملاً در خدمت پیام مضمونی شعر قرار گرفته‌اند. اگر چه در این شعر ردپای از نوع تصویرسازی سهراب سپهری، مثلاً در تصویر سوم، آشکار است، اما نوع استفاده صفارزاده از این روش تصویرسازی، تصویرها را از آن خود او می‌کند.

«طنین بیداری»، مجموعه بهترین شعرهای صفارزاده



احسان استیری

نمی توان این واقعیت را انکار کرد که حضور زنان در عرصه های مختلف فرهنگی و هنری، طی چند سال اخیر رشدی چشمگیر داشته است. این روند رو به رشد، آنچنان جلب توجه می کند که بسیاری از فعالان حوزه جامعه شناسی، با نوشتن مقاله ها و طی پژوهش هایی به بررسی ابعاد مختلف و ریشه های آن پرداخته اند. در گفت و گوهایی که از نظر می گذرند نیز بسیاری از هنرمندان زن بر این رشد صحنه گذارده اند و به بررسی چگونگی حضور زنان در حوزه های هنری پرداخته اند. یکی از رهاورد های بارز این بررسی، ارزیابی عوامل پیشرفت حضور زنان و شناسایی آنهاست؛ چرا که اگر عوامل حضور پررنگ زنان در همه عرصه های هنری را بشناسیم، می توانیم با تقویت آنها موجب ثبات و پایداری شرکت نیمی از جمعیت کشورمان در حوزه های مختلف هنری شویم.

حضور زنان در سال های پس از انقلاب

نقطه عطف

مینو فرشچی: حضور زنان در دانشگاه قبل از انقلاب خجالت آور بود

مینو فرشچی فارغ التحصیل تئاتر عروسکی از دانشکده هنرهای دراماتیک است. او همچنین در کالج سانتامونیکا کالیفرنیا گرافیک خوانده و در رشته فیلمنامه نویسی نیز تحصیلاتی دارد. وی تاکنون داور چندین جشنواره بزرگ سینمایی بوده و فیلمنامه هایی چون «کاغذ بی خط» و «شوکران» نیز در کارنامه اش دیده می شود.

تقریباً تمامی هنرمندان زن در عرصه های مختلف هنری قائل به پیشرفت حضور زنان در ابعاد مختلفند. شما به عنوان یکی از فیلمنامه نویسان شناخته شده زن، چه دیدگاهی نسبت به حضور بانوان در حرفه خود دارید؟

من نیز احساس می کنم حضور زنان در عرصه های هنری بی سابقه بوده است. بسیاری از آقایان به دلایل مختلف، به سمت مشاغلی می روند که از طریق آنها درآمد بیشتری کسب کنند، به این ترتیب، در عرصه های فرهنگی فرصت های بیشتری برای حضور زنان فراهم شده است.

بانوان نیز نشان داده اند که در حوزه های مختلف زندگی می توانند نقشی را که تاکنون مردان انجام می داده اند برعهده گیرند.

آیا علت هایی که بیان کردید، منفی نیستند؟

به هیچ وجه! برای رسیدن به نتیجه ای منطقی در این زمینه، باید مقایسه ای میان فضای فرهنگی قبل از انقلاب و پس از آن صورت داد. پیش از انقلاب به لحاظ فرهنگی، شرایط تحصیل دانشگاهی برای زنان فراهم بود. به عنوان مثال، از میان هم نسلان من که آنها را می شناسم، تنها سه یا چهار نفر بودیم که مادرانمان تحصیلات دانشگاهی داشتند و ما در بسیاری از مواقع، حتی از این که بگوییم مادرمان به دانشگاه رفته، خجالت می کشیدیم. مقصود من از اشاره به این وضعیت و آوردن این مثال، نشان دادن شرایط فرهنگی پیش از انقلاب است که تحصیلات دانشگاهی یا کار زنان امری منفی انگاشته می شد. اکثر زنانی هم که شاغل بودند، تنها در چند زمینه شغلی خاص فعالیت می کردند اما در سال های اخیر، زنان به شدت به تحصیلات دانشگاهی و کار حرفه ای تمایل و گرایش پیدا کرده اند و جو منفی ای که پیش از این در مورد کار زنان در جامعه ما وجود داشت، اکنون رخت بر بسته است.

به نظر شما کار زنان باعث نمی شود که آنان مسئولیت های طبیعی خود را در محیط خانه و خانواده به درستی انجام ندهند؟

ممکن است تا جا افتادن کار زنان در جامعه و اتخاذ سیاست های حمایتی از آنان، یک یا دو نسل آسیب جزئی ببینند، اما به هر حال هر چیزی بهایی دارد و ما باید این مسیر را، هر چند سخت باشد طی کنیم. علاوه بر این، زنان ما هم در محیط حرفه ای حضور محکمی دارند و هم مسئولیت های سنتی خود را به خوبی انجام می دهند.

گاهی برخی از زنان، به رغم حضور در عرصه های هنری در یک ساختار فکری مردانه به تولید اثر هنری می پردازند.

به نظر من قوت حضور زنان به حدی است که

دیگر نمی توان عناصر جنسیتی را در کارهای آنان دید، به این معنا که مثلاً شمائی توانید بفهمید نویسنده یک فیلمنامه زن بوده است یا مرد. شاید هم این به دلیل برخورد و رویکرد اجتماعی زنان باشد. اما اگر نکته ای که شما به آن اشاره کردید درست باشد، زنان هنرمند، خود باید از چارچوب تفکرات جنسیتی خارج شوند و برخی معضلات فرهنگی در این زمینه را تصحیح کنند.

فریندخت زاهدی: زنان در عرصه پژوهش در آغاز راهند

«تئاتر خیابانی» و «گفت و گو» نمایشنامه در یک پرده» از بارزترین آثار دکتر فریندخت زاهدی اند. چنانچه از عنوان این دو اثر برمی آید، دکتر زاهدی، هم در عرصه های نظری و هم حوزه های هنری، دارای آثار فراوانی در قالب کتاب و مقاله است. زاهدی که تا چندی پیش مدیریت گروه نمایش دانشکده هنرهای زیبا را برعهده داشت، بیش از ۲۵ سال به تدریس نمایشنامه نویسی، شخصیت شناسی و دیگر موضوعات در زمینه هنرهای نمایشی پرداخته است.

چه آثاری در دست انتشار دارید؟

نگارش کتابی راجع به دریافت و تاثیر درام ایسن بر درام معاصر ایران را به پایان برده ام. این کتاب به انتشارات دانشگاه تهران سپرده شده و از طریق این انتشارات، باقی آثاری که آماده انتشار کرده ام، به صورت کتاب، مقاله است؛ به عنوان مثال مقاله ای در مورد اکبر رادی آماده کرده ام.

شما در آثاری مجزا از هم، به مقوله مدیریت در هنر پرداخته اید...

بله! من چند سفارش از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته ام که مطابق آن باید پروژه تحقیقاتی ای را انجام می دادم. این پروژه به ارزیابی کیفی و کمی فعالیت های تئاتر کشور می پردازد که حدود یک سال و نیم به آن مشغول بوده ام. تحقیقات من در زمینه ارزیابی کیفی و کمی فعالیت های تئاتری کشورمان در قالب کتابی دو جلدی مشتمل بر هشتصد صفحه آماده شده که تحویل معاونت فرهنگی داده ام. مقاله ای هم که به آن اشاره کردم، شمه ای کوتاه از همان تحقیقات و مطالعاتی بود که درباره فعالیت های تئاتری انجام داده بودم.

ارزیابی شما از حضور زنان در حوزه تئاتر چیست؟

حضور زنان و دختران ما در فعالیت های نمایشی، در طول ده سال اخیر جهشی چشمگیر داشته است و به نظر می آید همراهی زنان و مردان در امور اجتماعی، به عرصه فرهنگ، هنر و تحقیق نیز وارد شده است. خانم ها نشان داده اند که در هیچ یک از حوزه های اجتماعی، فرهنگی، هنری یا تحقیقاتی، از مردان عقب تر نیستند و همراه با آنان در مسیرهای گوناگون پیشرفت می کنند.

بانوانی که در عرصه هنرهای نمایشی فعالیت می کنند، بیشتر به کدام شاخه از این هنرها گرایش دارند؟

خانم ها بیشتر به نمایشنامه نویسی تمایل دارند و



در سال های اخیر در این زمینه موفقیت های چشمگیری کسب کرده اند. در حال حاضر، تعدادی از بزرگ ترین، تاثیر گذارترین و مشهورترین نمایشنامه نویسان ما زن هستند.

آیا زنان در همه شاخه های تئاتر، این گونه پر قدرت ظاهر شده اند؟

نه، هنوز نمی توان پژوهشگران زبده و بی نقصی در میان خانم ها یافت. البته استثناها وجود دارند و در حوزه نمایش، پژوهشگران خوب زن هم داریم؛ اما تعدادشان محدود است. به این نکته نیز باید توجه کرد که مشکلاتی بر سر راه پژوهشگران وجود دارد و اساساً ضعف پژوهش یک امر عمومی است و تعداد قابل ملاحظه ای پژوهشگر مرد نیز در حوزه هنرهای نمایشی نداریم.

پریسا تشکری:

زنان حقوق کمتری می گیرند

پریسا تشکری را به عنوان یکی از فعال ترین گرافیست های ایرانی، چه در عرصه های بین المللی و چه در عرصه های فرهنگی و دانشگاهی می شناسیم. تشکری که دارای مدرک کارشناسی ارشد گرافیک است، در دانشگاه های آزاد و صداوسیما هفت سال سابقه تدریس دارد. او در جشنواره های بین المللی فراوانی جایزه کسب کرده و در برخی جشنواره های بزرگ گرافیک نیز به عنوان داور حضور داشته است.

با توجه به موفقیت هایی که در عرصه های داخلی و بین المللی داشته اید، قصد ندارید مجموعه ای از آثارتان را در قالب کتاب ارائه کنید؟

البته من چند سال پیش کتابی را با عنوان «مجموعه آثار پریسا تشکری» منتشر کردم که این کتاب هنوز هم در موزه هنرهای معاصر موجود است. اما برنامه ای برای چاپ کتاب در آینده ای نزدیک ندارم. البته اگر موقعیت مناسبی پیش بیاید، برای انتشار بخشی از آثارم اقدام خواهم کرد. در مورد گرافیک باید به این نکته هم توجه کنیم که کار گرافیکی، کار خودانگیزه ای نیست؛ به این معنا که ما بر مبنای سفارش های دریافتی، پوستری را طراحی می کنیم. از این جهت، کمتر پیش می آید که یک گرافیست با انگیزه انتشار کتاب، پوسترهایی را طراحی کند.

میزان فعالیت زنان در حوزه گرافیک چگونه است؟

در عرصه گرافیک، حضور زنان هر روز بیشتر می شود. به طور کلی حضور بانوان در همه عرصه های هنری بیشتر شده است. اما علاوه بر حضور، چگونگی حضور هم مطرح است. متأسفانه برخی خانم ها حضور باثباتی در عرصه گرافیک ندارند و این به خاطر نوع زندگی و مسئولیت هایی است که به طور

طبیعی در جامعه ما عهده دارند. خانم ها، به جز فعالیت های کاری و حرفه ای شان باید به وظایف سخت و سنگین خود در خانه هم بپردازند و این امر، گاهی برای آنان در فعالیت های حرفه ای شان ایجاد مشکل می کند.

برخورد صاحبان شرکت های تبلیغاتی و مدیران هنری در شرکت های مختلف مرتبط با گرافیک با بانوان گرافیست چگونه است؟

بسیاری از شرکت های گرافیکی به دلایل مختلف تمایل دارند بیشتر با خانم ها کار کنند؛ چرا که گرافیست های زن معمولاً با حقوق کمتری کار می کنند و مسئولیت هایشان را با دقت، حوصله و وسواس بیشتری انجام می دهند. از این گذشته، خانم ها بلندپروازی کمتری در کارشان دارند و مدام در پی ترفیع جایگاه شغلی شان نیستند.

ممکن است وضعیت کار خانم ها تا حدودی سخت تر از آقایان به نظر آید؛ اما به خاطر همین عواملی که به آن اشاره کردم، خانم ها موفق شده اند که در حوزه گرافیک، موقعیت های بیشتری را از آن خود کنند.

ثمیلا امیرابراهیمی: زنان را

به موضوعات زنانه محدود نکنیم

ثمیلا امیرابراهیمی به خاطر حضور در عرصه های هنری از سال ها پیش از انقلاب، می تواند مرجع خوبی برای قضاوت در مورد پیشرفت زنان در حوزه های هنری باشد. او تدریس در دانشکده هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای تزئینی، دانشگاه هنر و دانشگاه آزاد اسلامی را در کارنامه خود دارد. این هنرمند نقاش دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه تهران و کارشناس هنرهای زیبا از مدرسه عالی حرف و هنر اوکلند آمریکاست.

آخرین کتابی که روی آن کار می کنید چیست؟

در حال حاضر روی مجموعه «چهره ها و نقاب ها» کار می کنم که شامل نقاشی های دوره اول کار من است؛ نقاشی هایی که بین سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲ کار کرده ام و در این روزها مقدمات چاپ آنها را فراهم می کنم. پیش از این نیز، مجموعه ای شامل سه کتاب با عنوان های «به شاعر»، «هزار تو» و «چرخه ها» را روانه بازار کرده بودم. این مجموعه که با عنوان سه کتاب در اختیار علاقه مندان کتاب های هنری قرار گرفت، شامل نقاشی ها و کلاژ های من بود که با یادداشت های خودم همراه شده بودند.

تاثیرگذاری نقاشان زن بر فضای هنرهای تجسمی و نقاشی کشور چگونه است؟

خوشبختانه در سال های اخیر، فعالیت بانوان در

حوزه نقاشی به شکوفایی رسیده است و شاهد حضور پررنگ آنها در عرصه نقاشی هستیم. در سال های اخیر، شاهد تعداد قابل توجهی فارغ التحصیل زن در رشته های گرافیک، نقاشی و به طور کلی هنرهای تجسمی بوده ایم. همین امر باعث شد که حضور خانم هادر عرصه نقاشی هم فراگیر تر و موثر تر شود. نقاشان زن از نظر ارائه کار در بازارهای جهانی و نمایشگاه های بین المللی از نسل پیشین فعال ترند. گالری داران و مسئولان هنری نیز به نسل جوان توجه بیشتری دارند و از دید آنها، تفاوت خاصی بین زن یا مرد بودن وجود ندارد. تنها چیزی که تا حدودی حضور بانوان در عرصه های هنری را محدود می کند وظایف خانوادگی آنهاست؛ گاهی این وظایف و مسئولیت های مربوط به خانه و خانواده، آنقدر سخت و سنگین می شود که بانوان به دشواری می توانند زندگی حرفه ای خود را هم اداره کنند.

آیا حضور زنان، باعث شده که این قشر از جامعه بتواند الگوی شخصیتی یک زن و ویژگی خاص زنانه را در آثارشان معرفی کنند؟

من باین نگاه که بگویم، حضور زنان در عرصه های هنری تنها زمانی مفید و موثر است که آنها به مسائل زنان بپردازند، مخالفم. آیا مردان همیشه به مسائل مردانه می پردازند؟ قطعاً پاسخ منفی است، پس نباید در برخورد با آثاری که خالق آنها زن بوده، انتظار داشته باشیم که فقط به مسائل و عناصر زنانه پرداخته شود. موضوعات زنانه تنها یکی از زمینه ها و موضوعاتی اند که یک زن می تواند به آنها بپردازد و نباید از زنان خواست که تنها به مسائل جنس مونث بپردازند.

گاهی، همین تفکر موجب نوعی کلیشه سازی هم می شود به طوری که ما اصولی را از پیش، زنانه یا مردانه فرض می کنیم و از هر مرد و زنی انتظار داریم که تنها به همین موضوعات بپردازند در حالی که ما باید از هر اثری، به طور مجزا این اصول را برداشت کنیم و آنها را به اثر دیگری تحمیل نکنیم.



افرا نوبهار: انقلاب اسلامی

زمینه ساز حضور زنان در جامعه شد

افرا نوبهار از جمله تصویر گرانی است که به رغم جوانی، آثار مهم و فراوانی در چند سال، با تصویرگری او روانه بازار کتاب شده است. «تاب تاب تاب»، «لولوی قشنگ من»، «هر چه بود»، «سه قسمت مساوی» و «مرد فرچه های سیمی» از جمله کتاب هایی اند که نوبهار آنها را تصویرگری کرده است. وی فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشگاه سوره است.

در حال حاضر مشغول تصویرگری چه اثری هستید؟ آخرین اثری که کار تصویرگری آن را به پایان برده ام داستانی از مهدی ساکی است که به موضوع جنگ و دفاع مقدس مربوط می شود. این داستان مربوط به گروه سنی خاصی نیست و مخاطب آن می تواند طیف گسترده ای از سنین مختلف باشد؛ هر چند من در تصویرگری این کتاب، بیشتر گروه سنی کودک و نوجوان را مدنظر داشته ام.

آیا در حوزه تصویرگری کتاب، خانم ها توانسته اند به جایگاهی در خور دست یابند؟

در این مورد می توان گفت تفاوت خاصی میان آقایان و خانم ها وجود ندارد. در حال حاضر، خانم ها هم مانند آقایان در عرصه تصویرگری حضور دارند و مساله جنسیت اصلاً مطرح نیست. تاثیرگذاری و حضور زنان در حوزه تصویرگری، سطحی نیست؛ بلکه حضوری عمیق و ماندگار است.

چرا شاهد چنین تحولی در مورد حضور زنان در عرصه تصویرگری بوده ایم؟

بخشی از این تحول به دانشگاه های هنری مربوط می شود. پیش از انقلاب اسلامی تنها یک یادو دانشکده هنری داشتیم که به تدریس گرافیک می پرداختند؛ در حالی که بعد از انقلاب تعداد مراکزی که به تدریس آکادمیک هنرهای تجسمی می پردازند زیاد شده است. از دیگر سو، شاهد ورود و گرایش گسترده دختران برای حضور در دانشگاه هستیم. به این ترتیب، بانوان بیشتری فرصت تحصیلات آکادمیک در

رشته های مرتبط با تصویرگری را پیدا می کنند که نتیجه آن حضور بیشتر خانم هادر عرصه های حرفه ای است.

برخی از صاحب نظران اعتقاد دارند که تحصیلات آکادمیک در حضور پررنگ زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، چندان تاثیرگذار نبوده است و این امر در نتیجه تحولات اجتماعی رخ داده است. من باین فکر و تحلیل چندان موافق نیستم. دانشگاه علاوه بر این که فرصت کسب دانش را برای خانم ها فراهم کرده محملی برای انواع تعاملات فرهنگی نیز بوده است. این سخن درستی است که دانشجو، به ویژه دانشجویان هنر، خود باید پیگیری، استعداد و ذوق هنری داشته باشند. این حقیقت نیز که تحولات فرهنگی در جامعه ما به سمت حضور بیشتر زنان در عرصه اجتماع پیش می رود قابل انکار نیست، اما نمی توان تعاملات فرهنگی در دانشگاه ها را که دانشجویان دختر هم در آن حضور دارند، در پیشرفت آنها بی تاثیر دانست.



یلدا معیری: عکاسان برای انتشار عکس های خبری مشکل دارند

عکاسی خبری، یکی از دشوارترین شاخه فعالیت های رسانه ای است و به خاطر همین دشواری ها و خطرات عکاسی خبری، معمولاً تنها مردان سراغ این حرفه می روند. اما یلدا معیری از معدود عکاسان خبری کشورمان است که با حضور در موقعیت های خطرناک و برخی جنگ ها، (به طور مثال جنگ ۳۳ روزه لبنان) نشان داده که با وجود خطرات فراوان، زنان نیز می توانند در زمینه عکاسی خبری فعالیت کنند. در گفت و گوی پیش رو با یلدا معیری به خطرات و مشکلات عکاسی خبری پرداخته ایم. وی چند کتاب عکاسی منتشر کرده که بازتاب دهنده عکاسی های خبری اوست.

چه سهمی از کتاب های موجود در زمینه عکاسی مختص زنان عکاس است؟

متأسفانه تعداد مجموعه عکس های مستند، اجتماعی و عکس های خبری، که به صورت کتاب درآمده باشند، به انگشتان یک دست هم نمی رسند؛ یعنی اساساً هنرمندان، چه زن و چه مرد نسبت به این قضیه کم توجه بوده اند؛ گرچه مشکل، تنها از طرف عکاسان نیست بلکه ناشران در نبود کتاب های عکس مستند اجتماعی و خبری مسئولیت بیشتری دارند. برخی انتشاراتی هاتر جیب می دهند کتاب های عکسی چاپ کنند که یا به طبیعت بپردازند یا به مضامین اینچینی که مشکل فروش ندارند و عموم مردم از دیدن این عکس ها لذت می برند. از دیگر سو، با ناشرانی روبه رو هستیم که تمایلی شدید به کارهای روشنفکرانه یا روشنفکر نمایانه ندارند. در هر صورت، هیچ یک از این ناشران به چاپ عکس های خبری یا مستند اجتماعی که نه مانند عکس های طبیعت لذت بخش اند و نه سرشار از توهّمات روشنفکر نمایانه، تمایل ندارند. به این دلایل، متأسفانه خانم های عکاس به ویژه در حوزه عکاسی مستند اجتماعی و عکاسی خبری توان کمتری در چاپ کتاب دارند.

عکاسی خبری و مستند اجتماعی، حتی برای عکاسان مرد نیز خطرناک است و به نظر می رسد این کار برای خانم ها خطرناک تر باشد. آیا شما این حضور را مثبت ارزیابی می کنید؟

این کار، آنقدر برای خانم ها وحشتناک است که گاهی غیرممکن به نظر می آید، به ویژه برای کسانی مثل من که زیاد فعالیت دارند و از طریق این شغل نیز امرار معاش می کنند. حضور آقایان در بسیاری از مکان ها یا در گرماگرم بسیاری از حوادث، مانند حضور در ورزشگاه یا میدان جنگ، چندان عجیب نیست، اما حضور زنان، نظر همه را جلب می کند و باعث ایجاد مشکلات فراوانی برای عکاسان زن می شود.

شما در جنگ ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی نیز حضور داشته اید. درست است؟

بله من در جنگ ۳۳ روزه لبنان در متن جنگ عکاسی می کردم و شاهد فجایع وحشتناکی بودم. اما

کار عکاسی من با اتمام جنگ به پایان نرسید و تا مدت ها بعد، در لبنان حضور داشتم و از خانواده های حزب الله و شیوه زندگی آنها عکاسی می کردم.

در جریان جنگ ۳۳ روزه یا در دیگر درگیری هایی که از آنها عکاسی کردید، زخمی نشدید یا آسیب روحی ندیدید؟

وقتی ۱۷ ساله بودم، همراه اعضای هلال احمر در دو اردوگاه آوارگان افغانی حضور داشتم و عکاسی می کردم. در آنجا شاهد بودم که هر روز کودکانی می مردند و انسان های بی گناه یکی پس از دیگری کشته می شدند. آن اوضاع، به لحاظ روحی تاثیر عمیقی بر من گذاشت و واقعا مرا شوکه کرد. پس از خروج از اردوگاه نیز به علت گرد و خاک فراوان دچار یک بیماری سخت تنفسی شدم.



فروغ بهمن پور: فرصت ها را

برای حضور زنان افزایش دهیم

«چهره های ماندگار ترانه و موسیقی» و «زمزمه های پایدار» از جمله آثار فروغ بهمن پور به شمار می روند. وی رامی توان از جمله محققان مطرح حوزه موسیقی نیز دانست. بهمن پور، هم در کتاب ها و هم در مقاله های خود بیشتر به تاریخ نگاری موسیقی سنتی در دوران معاصر می پردازد تا ماهیت یا مسائل نظری حوزه موسیقی. وی حدود دویست سال است که فعالانه به تاریخ نگاری و پژوهش پرداخته و نتیجه این تلاش نیز انتشار بیش از بیست عنوان کتاب در این عرصه است.

آیا در فرآیند تولید کتاب با مشکلاتی روبه رو بوده اید؟

بیشترین دشواری هایی که در زمینه چاپ کتاب دامن گیر من شده، برخورد با ناشران و تعامل با آنهاست. برخی ناشران، نمی توانند آثارم را با سرعت روانه بازار کتاب کنند و از طرفی، نمی خواهند کار را هم از دست بدهند. همین امر سبب می شود که کار چاپ به کندی پیش برود و من نیز به مرور زمان، انگیزه ام را برای ارائه کارهای تحقیقاتی ام از دست

بدهم.

کدام یک از آثار شما درگیر فرآیند تولید شده است؟ از میان ده هزار عکسی که آرشیو کرده ام، صد و بیست عکس را برای چاپ در مجموعه ای نفیس به نام «عکس های آهنگین» به کمیته ملی ایکوم سپردم که شامل عکس های هنرمندان برنامه گل ها، آهنگسازان، نوازندگان، شاعران و ترانه سرایان است. عکس های این کتاب شامل بیوگرافی و یادداشت هایی راجع به زندگی و شیوه کار هنرمندان نیز هست. یادداشت هایی که به آنها اشاره کردم، نه آنقدر کوتاهند که اطلاعات مفیدی در مورد هنرمندان ارائه ندهند و نه چندان مفصل اند که تمرکز کتاب را از عکس ها متوجه متن کنند.

عکس های کتاب را از کجا جمع آوری کردید؟

«عکس های آهنگین» از آرشیو شخصی هنرمندان جمع آوری شده و به نوعی تاریخ موسیقی ایران را بازمی نمایاند.

در سال های اخیر، چه عواملی موجب گرایش زنان به عرصه های هنری شده است؟

مشخص است که زنان به دلیل روحیات لطیف خود به عرصه های هنری ای که در آنها ظرافت اصل است، تمایل بیشتری دارند. اما باید توجه کنیم که فرصت ها نیز برای حضور زنان در عرصه های هنری افزایش پیدا کرده، هر چند این ظرفیت هنریابی به افزایش بیشتری نیز دارند. متأسفانه در برخی از فضاهای جامعه ما، هنوز کار هنری زنان توجه نشده است و من به عنوان مثال، حتی در خانواده خود نیز نمی توانم فعالیت هنری ام را توجیه کنم.

چگونه می توان در عرصه های مدیریت فرهنگی فرصت های بهتری برای خانم ها فراهم کرد؟

در حال حاضر، بخش های متفاوتی در حوزه فرهنگ، وظیفه سرپرستی، هدایت و پشتیبانی زنان را برعهده گرفته اند، اما آنچه در این میان مهم به نظر می رسد، آن است که هر یک از این بخش ها باید قائل به تفکیک حوزه های خود باشند و بدون دخالت در بخش های دیگر، وظایفشان را انجام دهند.



خانه کتاب



فراخوان

سومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می شود

این جایزه با هدف کشف استعدادها و تشویق هرچه بیشتر پدید آورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند.

موضوع های مورد ارزیابی هیأت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را در سال ۱۳۸۷ در زمینه های یاد شده به چاپ رسانده اند، دعوت می شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان تیر ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰ طبقه منهای ۲، دبیرخانه جایزه گام اول. تلفن: ۶۶۶۶۰۵۱۹ - دورنگار: ۶۶۶۶۶۲۱۸



بررسی حضور زنان در جشنواره های کتاب

آن که غربال به دست دارد...



در نهایت روزی، ابر از جلوی آفتاب کنار می رود و کاری که در لفافه هیاهو و غوغای پیچیده شده است، رسوا می شود. کار خوب همیشه کار خوب است و بی برو برگرد مخاطب خودش را پیدا می کند. خیلی نباید نگران این موضوع باشیم. در عین حال فراموش نکنید که رقابت های تنگاتنگ موجب پرورش استعداد های نویسندگان می شود. چنان که در عرصه جامعه هم همین طور است و کسی موفقیت مفت و مجانی به دست نمی آورد...

دوره سه جایزه ادبی پروین اعتصامی، درباره روند کیفی آثار نویسندگان زن که معمولاً منجر به شرکت در مسابقات و جوایز می شود، می گوید: «تصور من این است که نوشته ها روند رو به رشدی داشته اند. گاهی شده که داستان کوتاهی از یک نویسنده گمنام مرا شدیداً تحت تاثیر قرار داده است. البته این انرژی های جوان باید در مسیر درست هدایت شوند و با مطالعه و تمرین به مرز پختگی برسند. شرکت در کلاس های آموزشی، یکی از شرط هایی است که برای نویسندگان جوان از آن شب هم واجب تر است.»

تجارب درباره وجود جشنواره ها و جایزه های کتاب می گوید: «جایزه ها و جشنواره ها حاکم نورافکن هایی را دارند که برای مدت کوتاهی روی یک اثر زوم می کنند و از راه میان بر، آن را به مردم و مخاطبان کتاب معرفی می کنند. موج های تند، خیلی زود فروکش می کنند ولی دریا همیشه دریاست. این را هرگز نباید فراموش کرد.

نکته بعدی درباره نویسندگان زن، این است که آنان غالباً، احساس زیادی به نوشته شان تزریق می کنند. این از جهتی خوب است و از جهتی بد. یا لاقال اگر نگوییم بد، ریسک پذیری بالایی دارد. چون کاری که مملو از احساسات زنانه است، امکان غلظتدش به سمت رمان های بازاری کم نیست. این جور کارها با یک بار خواننده شدن کهنه می شوند.»

نگاهی به جشنواره ادبی

پروین اعتصامی

و اما جایزه پروین اعتصامی. چیست و از کی و به چه شکل کار خود را آغاز کرده است. جشنواره پروین اعتصامی در سال ۱۳۸۳ به همت

ادبیات زنانه، ادبیات مردانه مسئله این است

«راضیه تجار» برای کتابخوانان حرفه ای نام ناشناخته ای نیست. نویسنده ای که در کنار بسیاری از نویسندگان اصلی انقلاب، فضای ادبیات پس از سال ۵۷ را شکل دادند. یک بررسی دم دستی نشان می دهد تجار قطعاً کسی نیست که بشود در مطالعات ادبیات امروز ایران به راحتی از کنار نامش گذشت. با و تماس گرفتیم و نظرش را درباره نویسندگان زن ایران و موفقیت یا عدم موفقیت آنان در کسب جوایز ادبی و غیر ادبی، جوایز شدیم. او با این که ترجیح می دهد این بحث به شکل کارشناسی شده پی گیری شود، می گوید: «پیش از این، طیف وسیعی از نویسندگان زن کارهای عامه پسند می نوشتند به طوری که این شکل از ادبیات - که اتفاقاً در همه دنیا هم رواج دارد - با نام زنان گره خورده بود. این کتاب ها غالباً مخاطبان زیادی داشتند ولی کاری که صرفاً برای مخاطب عام با سطح سلیقه معمولی نوشته می شود، توان وارد شدن به مسابقات نفس گیر و فرهنگی را ندارد. البته در کنار این دست کارها، اثرهایی هم خلق شده اند که علاوه بر تغذیه مخاطب عام، همواره شاخصه های یک کار داندان گیر و رو به جلو را به نمایش گذاشته اند.» راضیه تجار با اینکه از رواج نگاه جنسیت گرا گله دارد، ولی آن را آنقدر پررنگ نمی بیند که لزوم به وجود آمدن جشنواره های مخصوص زنان را گوشزد کند.

او در ادامه می گوید: «من به ادبیات زنانه، مردانه قائل نیستم. هرگز هم نگاه کارشناسی خودم را تا این اندازه تقلیل نداده ام. هر وقت داور بوده ام، سعی کرده ام قضاوت هایم طبق اصول حرفه ای باشد نه بر اساس رفاقت ها و فالوده خوردن های مرسوم. البته انکار نمی کنم که گاهی دایره نظرها تنگ می شود و رفاقت های مردانه نظرشان را به استحقاق آثار تحمیل می کنند. نمی توانم قاطعانه بگویم این رفاقت ها همیشه ملاک انتخاب آثار برترند ولی از عهده انکار این بی انصافی ها هم بر نمی آیم. ببینید! از قدیم گفته اند «آن که غربال به دست دارد از عقب کاروان می آید» ولو بی عدالتی در انتخاب آثار حاکم شود و ادبیات را وارد مناقشه های زنانه و مردانه کند.

کتاب های زنان، بیش از کتاب مردان فروش رفته است و به قول حسن میرعبادینی، کارشناس ادبیات، این شاید به دلیل زبان ساده یا به قول برخی منتقدان «زبان ساده نمای» آنها باشد در حالی که رمان های ایرانی غالباً در ۵۰۰۰ نسخه به چاپ می رسند، شمارگان بعضی از کتاب هایی که زنان نوشته اند، از مرز ۱۰۰ هزار نسخه هم تجاوز کرده است. تا جایی که با وقوع انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در کارنامه نویسندگان زنان به وجود آمد. «گلی امامی» می گوید: «در پی انقلاب و سختی های ناشی از جنگ، بسیاری از زنان به این نتیجه رسیدند که باید دیدگاه منفعلانه خود را کنار بگذارند و از خانه بیرون بروند و برای امرار معاش کار کنند. سرانجام، آنان پس از پایان یافتن جنگ، این جسارت را پیدا کردند که درباره جنگ بنویسند.» این گفته ها و اطلاعات آماری را که کنار نام نویسندگان تاثیر گذار حاضر می گذاریم و در عین حال نیم نگاهی هم که به تعداد برگزیدگان زن جوایز کتاب می اندازیم، این نکته برایمان بیش از گذشته روشن می شود که موج نو نویسندگان زن، شکل دهنده جریان شده اند که امروز بازار فرهنگی ایران بی آنها قطعاً چیزی کم خواهد داشت. این حضور پررنگ فارغ از تمام جهت گیری ها و خوب و بد هایش، بین حضور فعال آنان در جامعه و ایفای نقش کلیدی شان سر بزنگاه های فرهنگی و اجتماعی است.

راضیه تجار: به ادبیات زنانه، مردانه قائل نیستم. هرگز هم نگاه کارشناسی خود را تا این اندازه تقلیل نداده ام. هر وقت داور بودم، سعی کردم قضاوت هایم طبق اصول حرفه ای باشد

هرگز حریت را دست کم نگیر. تو وقتی می بازی که به جای رعایت قواعد بازی، برنده بودنت را محرز فرض کنی. یک زمانی بود که مردان نویسنده، نویسندگان زن را متخصص پروژه های دست چندم ادبیات عامه پسند می دانستند. حتی قیافه های حق به جانب می گرفتند و با کلمات عصا قورت داده، تنزل سطح سلیقه کتابخوانان را از چشم آنها می دیدند. بیراه هم نمی گفتند، به هر حال طی دهه های اخیر، نام طیفی از نویسندگان زن یا زنان نویسنده - که ماهیتاً هیچ فرقی با هم ندارند - به قول منتقدان ریش و سبیل دار، با ادبیات کوچک و بازاری گره خورده بود. ولی حالا به قول رودکی «زمانه دگر گشته و آنها دگر گشته اند». جمال میرصادقی می گوید: «زنان آینده را می سازند. به همین دلیل بزرگ ترین نویسندگان زن احتمالاً در نسل جدید زنان نویسنده خواهند بود. می بینید که جوایز ادبی را هم اینها می برند... لا بد در آثار نسل امروز نویسندگان زن چیزی دیده است که تا دیروز وجود خارجی نداشته. اطلاعات آماری نشان می دهند فارغ از حوزه ادبیات که شامل داستان، شعر، خاطره و... می شود، شمار زیادی از جوایز کتاب از اول انقلاب تا امروز نصیب نویسندگان زن شده است. منیژه آرمین، نویسنده و منتقد و خالق اثر «شب و قلندر» در جایی گفته است: «زنان نویسنده در مقایسه با مردان، از قابلیت های بیشتری برای رمان نویسی برخوردارند و اگر زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی خلاقیت آنها فراهم شود، می توانند از مردان سبقت بگیرند. من تقسیم بندی ادبیات به زنان و مردان را رد می کنم به خاطر این که داستان یک «کل» منسجم است، یعنی کلیتی است که نگاه خاصی به انسان دارد و نمی شود به گونه دیگری به آن نگاه کرد... وقتی به برندگان جوایز کتاب های ادبی و غیر ادبی طی این چند سال اخیر نگاه می کنیم، رد پای رشد افزون حضور نویسندگان زن - که رفته رفته با جدیت تمام خود را اثبات می کنند - از چند فرسخی پیدا می شود.

جنگ کلمات

برای بازسازی نقش زنان در جامعه

بگذارید در همین اول کار، چند تن از کسانی را که برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شده اند به شما معرفی کنیم. «شیرین بیانی» یکی از این چند نفر است. پدر و مادرش دکتر ملک زاده بیانی و دکتر خانبابا بیانی، هر دو از استادان دانشگاه بودند. بیانی دوره دکترایش را در دانشگاه سوربن فرانسه گذراند. کتاب سه جلدی «دین و دولت در ایران عهد مغول» وی برنده جایزه کتاب سال در سال ۱۳۷۰ شد. نفر بعدی (ماندانا صدیق بهزادی) استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر است. صدیق بهزادی برای تالیف کتاب مرجع «رده PIR زبان ها و ادبیات فارسی» برنده کتاب سال ایران در سال ۱۳۷۲ شد.

نام ها و چهره های دیگری هم در این حوزه وجود دارند که گذشتن از کنار اسم آنها بی انصافی است. مثلاً کتاب «از این باغ شرقی» تالیف پروین سلاجقه که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده، جزو یکی از برگزیدگان ادوار کتاب سال جمهوری اسلامی است. اینها را بیفزایید به نام دیگری مثل «فریبا وفی» نویسنده کتاب «پرند من» که در زمان خودش برنده سه جایزه مهم ادبی ایران شد. او یکی از نویسندگانی است که جزو «موج نو» نویسندگان زن ایران به شمار می روند. از طرفی، طبق آمار و گفته ها، تعداد زنانی که رمان منتشر کرده اند امروزه به ۳۷۰ نفر رسیده است. همین آمارها نشان می دهند

مواجهه شده ایم. از طرفی جشنواره‌ها غالباً تأمین کننده گرایش‌های خاص برگزارکنندگان جوایزند، تا جایی که مشاهده می‌شود برگزیدگان این جشنواره‌ها، معمولاً افراد ثابتی اند که مدام، این ور و آن ور قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند.»

او درباره این که جوایز ادبی ویژه زنان چه محاسن و معایبی دارد و آیا نمونه‌های دیگری در جهان دارد یا نه؟ می‌گوید: «در همه حوزه‌ها و همه کشورها از این دست تقسیم‌بندی‌ها به چشم می‌خورد. جشنواره‌های متعددی وجود دارند که ویژه زنانند و باموضوعات خاص برگزار می‌شوند. این جشنواره‌ها واسطه آماده شدن بستری مناسب برای پرورش استعدادها و نهفته به شمار می‌روند. مثلاً تنها جشنواره بانوی فرهنگ را داشتیم که زیر نظر سمیرا اصلان پور اداره می‌شد که نمی‌دانم به چه دلیلی کارش به تعطیلی کشید. زنان برای ورود به عرصه اجتماع، به وجود چنین جوایزی نیازمندند.»

آبیار درباره نقش و کارنامه زنان به ویژه در دهه‌های اخیر در عرصه کتاب و تولید آثار فرهنگی، می‌گوید: «به دور از نگاه افراطی فمینیستی، حضور زنان در این عرصه فعال، پویا و چشمگیر بوده است. اگر چه همیشه انتزاع غیر قابل انکاری از آثار سطحی و پیشرو وجود داشته است. در ساحت سینما و فیلمسازی نیز زنان جزو نیروهای پیشرو و ساختار شکن بوده‌اند.»

جرقه فانوس‌های آینده

برگلدسته تاریخ

متفکران ساحت فرهنگ اعتقاد دارند رونق این حوزه، عین درخشیدن چراغ‌های شعله‌ور در دل تاریکی موجب روشن شدن راه آینده هر جامعه‌ای می‌شوند.

فرهنگ اگر اسیر سیاست زدگی نباشد، روی گلدسته‌های تاریخ، فانوس‌های امید و سازندگی می‌گذارد. حالا که وارد چهارمین دهه عمر انقلاب اسلامی می‌شویم، حضور پررنگ زنان در عرصه کتاب و خلق آثار هنری، می‌تواند باعث احیای نقش این قشر مظلوم جامعه شود.

چه کسی چراغ‌ها را روشن می‌کند؟

برگردیم سر موضوع جشنواره‌ها و جوایز ادبی. جوایز ادبی، جزو مهم‌ترین و مشهورترین گردهمایی‌های فرهنگی جهان شناخته می‌شوند. علاوه بر جوایز ادبی، جوایز حوزه کتاب هم حائز اهمیت‌های ویژه‌اند. البته در مورد جوایز کتاب و به ویژه جوایز ادبی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. تا جایی که بعضی از اهالی فرهنگ، چاره کار را در غیر دولتی شدن این جوایز می‌دانند. با این حال، یکی از مهم‌ترین جوایز حوزه کتاب در ایران، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی است که تا امروز ۲۵ دوره برگزار شده است و زنان سهم خیلی زیادی از این بیست و پنج دوره نداشته‌اند؛ اگر چه این غیبت تاریخی تو جبهات اجتماعی و فرهنگی قابل ذکری دارد، به طوری که از سال‌های اول انقلاب به دلیل عوض شدن جو جامعه و فضای فرهنگی، حضور زنان رفته رفته بیشتر می‌شود.

از این دست جوایز که طی صد سال اخیر در اقصی نقاط جهان شکل گرفته‌اند، می‌شود به جایزه ادبی نوبل، جایزه مارگارتا، جایزه استریتی پرسی، جایزه بین‌المللی کتاب، جایزه کتابشناسی بوکر، جایزه رانگاناتان، جایزه جین آدامز و جایزه کمبل اشاره کرد. اما برای جایزه کتاب سال ایران تاریخچه‌ای ذکر می‌کنند که ظاهراً از سال ۱۳۳۲ شروع شده و تا امروز ادامه داشته است.

این جایزه بعد از انقلاب با عنوان جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود که از ۱۳۶۲ با هدف ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی و حمایت و تشویق مولفان، مترجمان و مصححان کشور آغاز شده است.

جایزه‌های ادبی، فضایی

برای شکوفایی استعدادهای پنهان

نرگس آبیار، از نویسندگان نسل امروز ایران، نظرات جالبی درباره جوایز حوزه کتاب دارد: «جوایز کتاب نسبت به جوایز حوزه سینما، تعدادشان بسیار ناچیز است. تعداد جشنواره‌های ادبی به انگشتان یک دست هم نمی‌رسند به طوری که در این عرصه با یک رکود

افسانه شعبان نژاد (به نشر)

شعر نوجوان: ۱. دلم برای تو تنگ است، اثر آتوسا صالحی (پیدایش) ۲. ستاره گم شد، اثر کبری بابایی (مدرسه)

داستان کودک: به سوی زندگی، اثر ماری سابلین روژه، مترجم نیلوفر باقری زاده اکبری (علمی و فرهنگی)

داستان نوجوان: با کفش‌های دیگران راه برو، اثر شارون کریچ، مترجم کیوان عبیدی آشتیانی (چشمه)

بخش ادبیات داستانی

داستان بلند: فصل آخر، اثر گیتا گرکانی (کاروان) بخش ادبیات نمایشی نمایشنامه مردمی برای تمام فصول، اثر رابرت بولت، مترجم فرزانه طاهری (قطره)

بخش شعر

شعر سنتی: پیانو، اثر مریم جعفری آذرمانی (مجنون) شعر نو و سپید: به وقت البرز، اثر مهرنوش قربانعلی (آهنگ دیگر)

شعر ترجمه: گیرنده شعر معاصر ایران، اثر فریبا گورگین (انجمن شاعران ایران)

بخش ادبیات پژوهشی

نقد و پژوهش ادبی (تالیف): از این باغ شرقی، اثر پروین سلاجقه (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)

نقد و پژوهش ادبی (تصحیح): ۱. شرفنامه نیری، اثر حکیمه دیران (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) ۲. تذکره الشعراء، اثر فاطمه علاقه مند (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

نقد و پژوهش ادبی (ترجمه): نظریه ادبیات ترجمه عاطفه طاهایی (اختران)

پایان‌نامه: مدرنیسم و پسا مدرنیسم در ادبیات داستانی معاصر فارسی، اثر منصوره تدینی (دانشگاه علامه طباطبایی)

بخش جنبی

تجلیل از نویسندگان خارجی: ندا حسون پیشکسوت برت: مرحوم طاهره صفارزاده

معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی آغاز به کار کرد. نخستین دوره این جشنواره در سال ۱۳۸۳ برگزار شد و طی آن، کتاب‌های حاصل طبع بانوان نویسنده در دوره سنی بزرگسال و کودک و نوجوان به دبیرخانه جشنواره رسیدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند و از میان آنها ۶ اثر برگزیده در رده سنی بزرگسال و ۹ اثر در رده سنی کودک و نوجوان تقدیر شدند. دومین دوره مصادف شد با پانزدهم اسفند سال ۸۵ که همزمان بود با یکصدمین سال تولد پروین اعتصامی. در این دوره آثاری مورد ارزیابی قرار گرفتند که برای نخستین بار در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ چاپ شده بودند. در پایگاه اطلاع‌رسانی جشنواره پروین اعتصامی درباره اهداف این جشنواره آمده است: «هدف از برگزاری جایزه ادبی پروین اعتصامی و اهدای جایزه ادبی آن، بزرگداشت مقام و شخصیت شاعر نامدار ایران پروین اعتصامی، رشد و اعتلای خلاقیت‌ها و آفرینش‌های ادبی بانوان، ترویج و تقویت زبان فارسی در خارج از کشور، ایجاد پیوند بین ادبیات ملل به ویژه در حوزه جهان اسلام، معرفی چهره‌های شاخص زنان ادیب و پژوهنده و تقدیر از زنان در عرصه زبان و ادب فارسی است. حوزه مورد ارزیابی هیات داوران این جایزه، آثار تالیفی و ترجمه بانوان است که به زبان فارسی منتشر شده و موضوعات آن عبارتند از شعر، ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی، پژوهش‌های ادبی و ادبیات کودکان.»

طبق اطلاعات همین پایگاه، اسامی برگزیدگان سومین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی به ترتیب زیر است:

بخش ادبیات کودک

داستان کودک: ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال، اثر مژگان شیخی (انتشارات قدیانی) داستان نوجوان: خانوم کوچیک، اثر سهیلا علوی زاده (نشر منادی تربیت)

شعر کودک: ۱. کفش‌های پولکی، اثر شکوه قاسم نیا (کتاب‌های ارغوانی) ۲. آی زنگوله آی زنگوله، اثر

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۲/۲۲ تا چهارشنبه ۸۸/۲/۲۶، ۱۰۶۵ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع ادبیات و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب: موضوعات دین، کودک و نوجوان، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل	تعداد کل
۱	کلیات	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۷	۲۰	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۳	دین	۱۲۸	۱۰۰	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۴	علوم انسانی	۱۰۶	۸۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
۵	زبان	۴۱	۲۸	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۷	علوم عملی	۱۶۶	۱۱۲	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴
۸	هنر	۵۱	۲۴	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۹	ادبیات	۱۸۶	۱۴۵	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۵۹	۲۹	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۸۲	۸۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	کودک و نوجوان	۱۶۶	۸۴	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲
	جمع بندی	۱۰۶۵	۷۸۰	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵	۲۸۵

* جایزنده به نامی از این اطلاعیه می‌باشد که برنده باشد. آثاری چون صحیح، عبود، گردآوری، تحقیق، لغز و نظیر آن.
** منظور از موضوع طرزتزی و کمک‌درسی، کتاب‌های است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی، تمام طایفه تدریس‌اند. راهنمای و دبیرستان مربوطه هست و مطابقت آنها با دانش‌آموزان از پیش‌بینی تا دبیرستان هست.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
گزارشگر کتاب	۱۵۰۰۰۰ ریال	قیمت‌های خانه یریس رعاد، ناقد صبرای گیلاسری، نقاشان جهان، چاپ ۱، ۴۳۰ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۹ مرتبه	ایدها و نقلی‌ها، کتاب کمک‌آموزشی شیوه‌ی آساره، گروه تحقیق جامعه‌القرآن الکبری، نقسرا: جامعه القرآن کبری، ۴۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰۰ نسخه	رنگ‌آمیزی و قصه، فرهاد فروتن، نقسرا: سید، چاپ ۱۲، ۲۱ صفحه، ۷۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۱۰۰۰ نسخه	پنج بری نولفوری: الفسافه‌های شگفتی از کشور چین و هند، جیستا پتر، نقسرا: قطره، چاپ ۸۸، ۱۰۰۰۰ صفحه، ۱۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۷۴ صفحه	کتاب علوم بین: حرکت، نیل آردلی، سعید عبید، نقسرا: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، چاپ ۳، ۳۳۰۰۰ نسخه، ۱۲۰۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۴۰۰۰ ریال	۲۵ روش برای زندگی بهتر، نقسرا: مطبوعات، چاپ ۱، ۳۳ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	۲۹۰۰۰۰ ریال	اسپشناسی دهان و فک و صورت، مریم قنبریه، نقسرا: نزال جوان، چاپ ۱، ۹۰۸، ۱ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۷ مرتبه	قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۹/۱۲/۱۳۱۹ قانون تجارت الکتریکی، این نامه اصلاحی است تشکیلات ... نقسرا: ویدار، ۳۶۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	نوبت‌های عمومی (۲)، ابوالفضل قرطبی، نقسرا: دانشگاه پیام نور، چاپ ۱۴، ۱۲۰ صفحه، ۶۸۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۲۵۰۰ نسخه	فلسفه انقلاب، مسعود احمدی، نقسرا: مسعود احمدی، چاپ ۱، ۱۴۸، ۱ صفحه، ۳۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۷۹۲ صفحه	کلیات دیوان شمس تبریزی: مشتمل بر اشعار فارسی، عربی، طبعات و ریاضیات، نقسرا: اقبال، چاپ ۷، ۱۵۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۲ صفحه	رسول مهر، مجموعه آثار خوشنویسی کت با موضوع صلوات اسلامی ادبیات، نقسرا: اندیشه زرین، چاپ ۱، ۱۵۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۶۰۰۰ ریال	مجموعه سوالات هفتاد کشور لیزیک ۳ (همراه با پاسخ تشریحی و راهنمای تصحیح) رشته علوم تجربی، نقسرا: راز نهان، ۴۴ صفحه
گزارشگر کتاب	۱۷۰۰۰۰ ریال	مجموعه آزمون‌های حقوق جزا، بابک فرعی، نقسرا: طرح نسون اندیشه، چاپ ۴، ۶۶۸، ۱ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۷ مرتبه	مجموعه‌ی دروس عمومی ادبیات فارسی - زبان انگلیسی - اندیشه اسلامی (۱) ویژه آبی‌ی رشته‌ها، خیراله اسماعیلی، نقسرا: مدرسان تشریف، ۴۹۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۹۸۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰۰ نسخه	شیمی عمومی ۱ رشته شیمی، سعید میرشکرانی، نقسرا: دانشگاه پیام نور، چاپ ۱، ۳۳۶ صفحه، ۱۹۶۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	دانش‌های الکتریکی، ای بی تکران، سعید حسین حسینیان، نقسرا: دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران)، چاپ ۱، ۸۸۶، ۱ صفحه، ۱۲۰۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان			
		مؤلف*	مترجم	زن	مرد
۴۰۳	۶۳	۱۰۱	۳۶۰	۶۲	۲۴۶

* مؤلف: نامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، ناشر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم

نگاهی به تازه‌ترین اثر ترجمه شده از جوپا لاهیری

رنج و غم تنهایی در خاک غریب

گذشته است: «کارش را به خاطر همسرش ترک کرده و بیش از اندازه خود را گرفتار فرزندان و شوهرش می‌کند.»

مادر او شا به تازگی از دنیا رفته و پدرش به دیدار آنها آمده است. او نگران است که پدرش بخواهد با آنها زندگی کند اما پدر نگران موضوع دیگری است. او به تازگی با زنی بنگالی آشنا شده و صحبت کردن درباره این زن با دخترش دشوار است. پدر و دختر برخلاف انتظارشان یک هفته را به خوبی در کنار یکدیگر می‌گذرانند. لاهیری داستان گریایی را نگاشته که حول محور یک سؤال اساسی می‌چرخد: «آیا شخصیت‌های داستان می‌توانند از تنهایی فرار کرده و خوشحال باشند؟» جوابی که در داستان‌ها به آن می‌رسیم، معمولاً منفی است. مرگ، بیماری و مهاجرت در کنار سایر مسائل، انسان‌ها را از یکدیگر دور نگه می‌دارد.

مرگ و سوگواری در اکثر داستان‌های این مجموعه دیده می‌شوند. مخصوصاً در سه داستان آخر که از لحاظ معنایی به یکدیگر مربوطند. اما داستان «تنها خوبی» که فضای آن تا حدی با سایر داستان‌ها متفاوت است، بهترین داستان این مجموعه قلمداد شده است. در این داستان «سودا» دانشجوی دانشگاه «LSE» نامه‌ای از سوی برادرش که از دانشگاه کورنل اخراج شده دریافت می‌کند. او سعی دارد به رابطه سرد شده‌شان گرمی دوباره‌ای ببخشد اما این موضوع رابطه او با همسر انگلیسی‌اش را تحت تأثیر قرار داده و امنیت فرزند خردسالش را به خطر می‌اندازد. لاهیری در این داستان با استفاده از سبکی موجز و استادانه، فشار تفاوت‌های فرهنگی را از دوش شخصیت‌ها برداشته و به آنها اجازه می‌دهد تا فراتر از مسائل فرهنگی و به عنوان اشخاصی واقعی نمایان شوند.

اما «تنها خوبی» با سایر داستان‌های لاهیری یک نکته مشترک دارد: «اکثر شخصیت‌های دنیای لاهیری از افراد تحصیل کرده جامعه آمریکایی‌اند. گرچه اکثر این افراد مهاجرند اما یا در هاروارد درس خوانده‌اند یا در مدارس گران شیبانه روزی. همه آنها - به جز زنان خانه‌دار - تحصیل کرده‌اند و درباره هومر به صحبت و مباحثه می‌پردازند و همین موضوع شاید بزرگ‌ترین ضعف آثار لاهیری باشد.

لاهییری در «خاک غریب» درباره مسائل روزمره و عادی می‌نویسد. بسیاری از شخصیت‌های داستانی او از وجود سکوت و سیاه چال‌های ارتباطی در روابطشان رنج می‌برند. این مجموعه ماهرانه نگاشته شده و با وجود نقایص اندک، اثری قابل اعتنا و در بعضی مواقع شگفت‌آور است.



این نارضایتی نسل اول به زندگی فرزندان نشان که از نسل دوم مهاجران محسوب می‌شوند نیز کشیده شده. در داستان «خاک غریب» که عنوان کتاب نیز از آن گرفته شده، «روما» با همسر آمریکایی و پسرشان در حومه شهر سیاتل زندگی می‌کند. زندگی او درست به همان شیوه‌ای می‌گذرد که زندگی مادرش

لاهییری یک نیوانگلندی است. داستان لاهیری مثل نقل قول آغازش و مثل آثار جی.دی. سالینجر که او نیز یک نویسنده نیوانگلندی است، به بعد تاریخ روابط انسانی می‌پردازد.

البته نیوانگلندی بودن این نویسنده که از پدر و مادری بنگالی در لندن متولد شده و اکنون نیز ساکن بروکلین نیویورک است، به هیچ عنوان به معنای بی تفاوتی او نسبت به کشورش و مساله مهاجرت نیست. آثار قبلی او، هر یک به نحوی به تنهایی و رنج مهاجران بنگالی ساکن شمال شرق آمریکا پرداخته‌اند. در داستان «جهنم-بهشت» این مجموعه، «اوشا» دختر یک خانواده مهاجر است که به کودکی‌اش در بوستون می‌اندیشد. او سعی می‌کند بفهمد مادرش، زنی که الگوهای فرمز و سفید مخصوص زنان متاهل بنگالی را به دست می‌کرد، از بیگانگی فرهنگی با محیط خود تا چه اندازه رنج می‌کشیده. در این داستان، لاهیری در به تصویر کشیدن مراسم عروسی یک جوان بنگالی با زنی آمریکایی، برخورد فرهنگ‌ها را نیز نشان می‌دهد. پدرش که به غذا خوردن با دست عادت دارد با چنان قدرتی چاقو و چنگالش را به سطح ظرف چینی می‌کشد که صدای برخورد آن شنیده می‌شود. مادر او شا هم با حرکات کودکانه و شکایت مداومش از روند تشریفاتی مراسم، به کهن‌الگوی که لاهیری از زنان مهاجر بنگال ساخته، تبدیل می‌شود.

یک سؤال از مترجم

ویدا اسلامیه یکی از مترجمان کتاب «مترجم دردها» اثر جوپا لاهیری است. از او درباره استقبال خوانندگان ایرانی از آثار این نویسنده و دلیل انتخابش برای ترجمه آثار لاهیری پرسیدیم: ویدا اسلامیه: قبل از اینکه ترجمه کتاب «مترجم دردها» را شروع کنم تعریف آن را شنیده بودم. داستان‌ها را که خواندم احساس کردم فضایی که تصویر می‌کنند فضای متفاوتی است. از صداقت لاهیری در نحوه بیان مشکلات مهاجران شرقی در ایالات متحده خوشم آمد. به نظر آمد که تا حد امکان با زبانی ساده و روان به موضوعات مورد نظرش پرداخته است. فکر می‌کنم یکی از دلایلی که خوانندگان ایرانی از آثار لاهیری استقبال می‌کنند همین توصیف صادقانه‌اش از مشکلات مهاجران شرقی باشد. کسانی که از ایران رفته‌اند معمولاً یا برای اینکه باعث ناراحتی نزدیکانشان نشوند و یا برای اینکه وجهه خود را از دست ندهند، از مشکلات مهاجرت کم‌تر صحبت می‌کنند. این باعث می‌شود که خیلی‌ها هم فکر کنند آن طرف مدینه فاضله است. لاهیری نشان می‌دهد که مشکلات همه جا هست و یک مهاجر ممکن است حتی بیشتر از آدم‌هایی که در وطن خوشان هستند مشکل داشته باشد. در داستان‌های لاهیری مهاجران نسل اول به دلیل رابطه نزدیک تری که با وطن خودشان دارند به ارزش‌های سنتی‌شان پایبندترند و اصرار در حفظ آنها دارند. این موضوع باعث می‌شود که بیشتر از فرزندان‌شان با محیط در تضاد باشند. اما نسل دوم مهاجران گرچه با محیط همسوترند، اما به اختلاف نظری که به دلیل شکاف نسل‌ها با پدر و مادرانشان دارند، اختلافات فرهنگی هم اضافه شده و باعث شده تا این موضوع برایشان دردناک‌تر شود. ترجمه این اثر برای من بسیار لذت بخش بود. در مدتی که مشغول ترجمه این کار بودم به موسیقی بی‌کلامی نیز گوش می‌دادم. حالا هر بار که آن موسیقی را می‌شنوم شخصیت‌های داستانی لاهیری دوباره برایم زنده می‌شوند.

بین این فرزندان با میهن پدر و مادرشان بار دیگر موضوع نگرش لاهیری شده است. بیشتر داستان‌های این مجموعه حس بنیادی غم در مادرانی را که در مراحل مختلف زندگی‌شان احساس گمشده‌گی می‌کنند نشان داده است و همان‌طور که ماجراها به پیش می‌روند ابعاد جدیدتری از این غم نمایانگر می‌شود. داستان‌های لاهیری درباره مهاجرت، هویت، سرخوردگی، و بلوغ شاهدهی هستند بر مهارت نویسنده‌ی خانم لاهیری. **بوک لیست:** ساختار محکم و موجز داستان کوتاه بهترین فرمی است که می‌تواند حس ناگهانی تغییرات دردناک زندگی را به خواننده منتقل کند. لاهیری بسیار ریزبین است. لاهیری مینیاتور نیست کلمات است و با استفاده از کم‌ترین کلمات تصویر دقیقی را از ماجرا به خواننده ارائه می‌دهد. داستان‌های لاهیری حس اجتناب‌ناپذیری را در خواننده ایجاد می‌کنند.

نیویورک تایمز: لاهیری در پدیده‌ی از خود در شخصیت‌هایش نمی‌گذارد. به نظر می‌رسد که شخصیت‌ها به طور طبیعی و بدون دخالت نویسنده رشد می‌کنند و راه خود را برمی‌گزینند. خواندن کتاب‌های او مثل نگاه کردن به دور تند یک فیلم درباره رشد گیاه است: جوانه خاک را کنار می‌زند، شکوفای می‌شود و پس از اینکه پژمرده، دوباره به خاک برمی‌گردد.

ماورین کوریگان: اگر آثار لاهیری را تنها برای تجربه کردن یک مسافرت فرهنگی بخوانید درست مثل این است که دانه را برای این بخوانید که بدانید ایتالیایی‌های قرون وسطی چگونه اسپاگتی می‌خوردند. داستان‌های لاهیری به کاوش در عمق تنهایی بشر می‌پردازند.

نیو ریپابلیک: کتاب‌های لاهیری بیشتر درباره تجربه نخبگان ساکن سواحل اقیانوس است تا تجربه مهاجران هندی ... داستان‌های او که درباره ازدواج، طلاق، پدر یا مادر شدن و مرگ پدر و مادر هستند، بیشتر به تصویرسازی دقیقی از طبقه متوسط جامعه شبیه‌اند تا به ادبیات مهاجرت. در واقع آنها در قالب سنتی ادبیات مهاجرت قرار نمی‌گیرند. **تایمز:** مثل فرزندان تمامی مهاجران، شخصیت‌های داستانی خانم لاهیری هم به تفاوت پدر و مادرشان با سایرین واقفند. لاهیری با زبردستی تمام نشان می‌دهد که نسل دوم مهاجران چگونه از آن چه پدر و مادرانشان برای آنها می‌خواستند فاصله گرفته و بعضاً در تقابل با آن قرار می‌گیرند. او به نشان دادن ناراحتی آنها از دست نیافتن به رویاهای خانواده‌شان و آگاهی‌شان نسبت به نقشی که در طول زمان در غرب زده کردن نسل خود دارند نیز می‌پردازد.

پابلیشرز ویکلی: فاصله بین مهاجران بنگالی با فرزندان‌شان و فاصله

در دل هر کسی رازی نهفته است. آخرین مجموعه داستان جوپا لاهیری به خواننده می‌گوید که پشت پرده زندگی‌های معمولی آدم‌های خیلی معمولی هم، غم‌ها و ماجراهایی پنهان شده: «یک مرد میانسال متوجه می‌شود که مرگ همسرش فرصت‌های جدیدی برای او فراهم آورده. دخترش که فکر می‌کند وظیفه نگهداری از پدر اکنون بر عهده او است، ناگهان می‌فهمد که همه چیز تغییر کرده. دختری دیگر، با گذشت سال‌ها و پس از اینکه خود بالغ شد، رنج و عشق مادرش را به گونه‌ای دیگر درمی‌یابد و زن و مردی جوان، پس از گذشت سال‌ها و در حالی که زندگی‌شان در مسیری کاملاً متفاوت قرار گرفته، دوباره با یکدیگر ملاقات می‌کنند.» در «خاک غریب» جوپا لاهیری مجدداً به تجربه مهاجران می‌پردازد، اما این بار به نحوی عمیق‌تر و تکان‌دهنده‌تر.

پیش از این، جوپا لاهیری موفق شده بود به خاطر نگارش نخستین مجموعه داستان خود «مترجم دردها»، جایزه پولیتزر را به دست آورد. اثر دوم او هم که رمانی است با عنوان «همنام» با استقبال خوبی مواجه شد. اما توجه خوانندگان ایرانی به آثار این بانوی آمریکایی بنگالی تبار چشمگیر بوده است. آخرین اثر او «خاک غریب» که مجموعه داستانی است متشکل از هشت داستان کوتاه نسبتاً بلند، با نقل قولی از ناتانیل هائورن نویسنده آمریکایی قرن نوزدهم، آغاز می‌شود. هائورن می‌گوید با کاشتن انسان‌ها در خاک جدید، آنها قوی‌تر شده و شکوفای می‌شوند. در «خاک غریب» لاهیری با به تصویر کشیدن دو نسل از بنگالی‌های مهاجر سعی در یافتن پاسخ این سوال دارد که آیا خاکی نو، گیاهی قوی‌تر به بار می‌آورد یا نتیجه چنین تجربه‌ای محصولی ضعیف‌تر و بی‌قواره‌تر است؟

«کاشیک» قهرمان یکی از این داستان‌ها که از مرگ ناگهانی مادرش و ازدواج سریع پدرش متأثر شده، برای فرار از فضای نامساعد خانه، زندگی مرفه خود را در منطقه ثروتمند ماساچوست رها کرده و بدون هدفی مشخص، به سوی شمال آمریکا می‌رود. او پس از سفر از میان جنگل‌های صنوبر و در کنار اقیانوسی که گاهی کاملاً سیاه به نظر می‌رسد، احساس می‌کند به قدرتی دست یافته که اکنون مادر از دست رفته‌اش نیز آن را دارد. برای کاشیک، طبیعت ناآرام آمریکا حکم معبد را دارد. این طبیعت در او ترسی آمیخته با احترام ایجاد می‌کند. درست مثل احساسی که هائورن نویسنده رمانتیک آمریکایی، نسبت به این طبیعت داشت.

هائورن یک «نیو اینگلندی» بود، همان‌طور که

منتقدان درباره لاهیری چه می‌گویند؟

کریستین ساینس مانیاتور: جوپا لاهیری، برنده جایزه پولیتزر، در «خاک غریب» به ظرافت شکافی که بین مهاجران و فرزندان‌شان که در سرزمین دیگری به دنیا آمده‌اند را به تصویر می‌کشد.

لس آنجلس تایمز: «خاک غریب» داستان فرزندان مهاجران است. آنها خانه پدری‌شان را ترک کرده‌اند و خود تشکیل خانواده داده و بار و بار پیچیده‌خانوادگی و مسئولیت‌های جدیدی مواجه می‌شوند. در این داستان‌ها اختلافات بین دو فرهنگ با اختلافات دو نسل جایگزین شده است.

نیویورک مگزین: لاهیری در اثر تازه خود با عمق بیشتری به شرایط مهاجران بنگالی نگاه می‌کند. او به تجربه‌های نسل دوم مهاجران می‌پردازد: به روابط پر تنشی که با پدر و مادرانشان دارند، به ازدواج‌های بین‌نژادی و در کل به شرایط ویژه انسانی.



«آن انرایت» برنده جایزه بوکر:

به نویسندگان زن اعتماد ندارند



جایزه بوکر یکی از معتبرترین جوایزی است که در عرصه ادبیات داستانی به نویسندگان اهدا می‌شود و انرایت چهارمین نویسنده ایرلندی پس از آیریس مردخ، رادی دوئل و جان بان ویل است که موفق به دریافت این جایزه ۵۰ هزار پوندی شده است. او با این همه، به فضای غرب و توجه به نویسندگان زن در فضای غرب معترض است. گفت‌وگوی زیر، یکی از آخرین گفت‌وگوهای این نویسنده جوان و موفق ایرلندی است که با روزنامه گاردین انجام شده است. رمان «گردهمایی» که انرایت را به بوکر رساند، از جمله آثار موفق وی در بازار کتاب نیز به حساب می‌آید. این رمان درباره یک خانواده از هم گسیخته است که غرق شدن عضوی از این خانواده در دریا - برادر راوی - بهانه‌ای برای کنکاش در پیشینه خانوادگی آنان و بیرون کشیدن رازهای نهفته در چندین نسل می‌شود.

شما در «گردهمایی» فضایی تلخ را با طنزی قوی به نمایش گذاشته‌اید. چطور شد که چنین فضایی را برگزیدید؟

«گردهمایی» تصویری از روزگار ماست؛ روزگاری که خانواده در آن ارزش چندانی ندارد و هرکس به عنوان جزیره‌ای جدا افتاده سرگرم کار خویش است. من در این رمان به هیچ وجه نخواستام تا فضایی متفاوت را به نمایش بگذارم. فقط خواستام تا به عنوان یک زن، دنیای پیرامونم را به نمایش بگذارم. اما سعی کرده‌ام با کمی طنز این فضای سنگین را بشکنم، چرا که به گمان من، آوردن این همه تلخی در کنار هم، ظلم به خواننده است. من به هیچ وجه فکر نمی‌کردم که با این رمان برنده بوکر شوم.

چطور؟

ناشران، نویسندگان را تحت فشار می‌گذارند تا رمان‌های بوکری بنویسند یعنی رمان‌هایی غمبار و سرد که خوانندگان علاقه‌ای به آنها نشان نمی‌دهند، من اما نه به خوانندگان احتمالی کتابم فکر می‌کردم و به فکر گرفتن بوکر نبودم. دلم می‌خواست آینه‌ای در برابر جامعه‌ام بگیرم و آن را به تمامی به نمایش بگذارم. «گردهمایی» از لحن طنز خاص در توصیف تلخ‌ترین اتفاقات چون مرگ یک عزیز استفاده می‌کند و این طنز کلامی، بی شک همان تسلی‌ای است که دیگران از آن غافل بوده‌اند. به هر حال، هیچ کس به من نگفته بود که یک رمان غمگین بنویسم. من هیچ وقت نویسنده مطبوعی نبوده‌ام. اگر کسی به من می‌گفت درباره چه بنویس، مطمئنم وقتی پشت میز می‌نشستم، قلمم خشک می‌شد. کار من نوشتن کتاب است و نمی‌توانم نظر بیشتری درباره جایزه بوکر داشته باشم.

شما نگاهی زنانه و نرم به یک تراژدی داشته‌اید. آیا زن بودن دلیلی بر انتخاب سوژه این داستان بوده است؟

یکی از مشکلات جهانی که مادر آن زندگی می‌کنیم، آن است که همه چیز کاملاً بر عکس خود عمل می‌کند. به عنوان مثال ما مخترع ماشین بوده‌ایم تا در خدمت ما باشد، اما در شرایط اخیر، ما برده ماشین شده‌ایم. شرایط زنان و خانواده هم، دقیقاً شبیه به همین موضع است. جامعه غرب مدام دم از برابری زن و مرد می‌زند، اما در نهایت، زنان وضعیت چندان خوبی در اروپا ندارند. آنها مجبورند به بهانه برابری اجتماعی به شغلی روی بیاورند و در عین حال، از مسوولیت آنها در خانه کاسته نشده است. وضعیت زنان در خانواده بدتر از این است. به همین علت است که «عشق و نفرت» را در کنار هم می‌آورید؟

مضامینی مانند خانواده و خشونت اخلاقی در ادبیات ایرلندی مضامین آشنا و متداولی‌اند. آیا شما به نظر خودتان یک رمان نویس ایرلندی هستید؟

این مضامینی که شما از آنها صحبت کردید، در واقع در خاطره جمعی ایرلندی‌ها مضامین بزرگ و مهمی‌اند ولی در ادبیات داستانی ایرلند، مضامین خیلی بزرگی نیستند. ولی من خودم را شدیداً یک نویسنده ایرلندی می‌دانم که با سنت‌های ایرلندی درگیر است. من خیلی خوب می‌دانم، تعداد زنانی که در ایرلند داستان می‌نویسند خیلی زیاد نیستند و همین وضع باعث می‌شود احساس کنم حرفی را که در داستان‌هایم می‌زنم، مهمند، البته در یک گستره کوچک. به نظر شما چرا تعداد نویسندگان زن ایرلندی کم است؟

خوب من نظرهای متفاوتی دارم. بازار بسیار رونق و فعالی برای کتاب‌های جلد شومیز در میان نویسندگان زن در ایرلند وجود دارد. این ژانر خیلی پر سود است. این ژانر مردم را راضی و خوشحال نگه می‌دارد. مردم ایرلند هم خیلی علاقه‌مندند که دیگران را راضی و خوشحال نگه دارند. شاید اگر علاقه‌مند نبودند رمان‌های ناراحت‌کننده بیشتری منتشر می‌شد. اما مهم‌ترین، نکته‌شاید آن باشد که ما هنوز به نویسندگان زن اعتماد نداریم.

به نظر شما این قضیه در بیرون از ادبیات هم مصداق دارد؟

بله. این مسأله در فرهنگ‌های هندو-هایم دیده می‌شود، به همین دلیل نمی‌دانم آیا این مسأله یک مسأله پسا استعماری است یا نه. شما وقتی فرهنگ غالب نیستید، به ارزش‌های دیگر پناه می‌برید؛ ارزش‌هایی که با استکبار و سلطه جویی ارتباطی ندارند.

گردهم‌آیی با نقدهای مختلفی روبرو شد. شما این نکته را چگونه می‌بینید؟

در رمان «گردهمایی» نقدهای مختلف و واکنش‌های مثبت و منفی بسیاری را در پی داشته‌ام. شاید مهم‌ترین واکنش که مسیر زندگی مرا را برای همیشه عوض خواهد کرد، متعلق به هاوارد دیویس، رئیس هیأت داوران جایزه بوکر بود. سخن او به این معنی بود که نمی‌توان خانواده را ترک کرد. این یک باور سفت و سخت ایرلندی است چون هر وقت با دوستانی در نیویورک یا لندن حرف می‌زنم، می‌شنوم که آنها برای کریسمس پیش خانواده‌هایشان نخواهند رفت یا آن‌که به والدینشان سر نمی‌زنند و خیلی کم آنها را می‌بینند. این، در زندگی من امکان ندارد.

دقیقاً. چون ما در دنیایی متعارض زندگی می‌کنیم و یکی از این تعارض‌ها نشان دادن این مسأله است که چطور عشق و نفرت گاه آنچنان در هم تنیده می‌شوند که نمی‌توان آنها را از یکدیگر منفک کرد و گاه این حس پیش می‌آید که انسان، از این که خیلی به چیزی دلبسته است، از دست خودش عصبانی می‌شود. این رمان این حقیقت ساده را در بخش‌هایی نشان می‌دهد. مثلاً در رمان «گردهمایی» بخشی که انعکاس دهنده این موضوع است، آنجاست که ورونیکا به شوهرش می‌گوید: «دختران هم شوهر خواهند کرد؛ شوهرانی که از آنها نفرت خواهند داشت چون خودشان را دلبسته به آنها می‌دانند.» این بار می‌خواستم عشق را طور دیگری نشان دهم و این یکی از جوانب عشق است. جنبه متفاوتی که کمتر به آن اندیشیده‌ایم؛ عشق در عین نفرت.

خود شما هم در مصاحبه‌ای گفته‌اید که برای دریافت بوکر، دو فرزندتان را تنها گذاشته‌اید. آیا حس تعلق زنان به خانواده، دلیلی بر مشکلاتی نیست که با آن روبرویند؟

به هیچ وجه. من دو بچه‌ام را به شدت دوست دارم و آنها به من برای نوشتن انگیزه می‌دهند. اما فضای متعارضی که من از آن حرف می‌زنم چیزی دیگر است. به نظر من در شرایط فعلی، زنان در چند جبهه قرار دارند و این به نفع خانواده‌ها نیست. خیلی مقرراتی نیستند. در روزهای، نوشتن خیلی ساده‌تر از روزهای دیگر است و من فقط زمانی می‌نویسم که می‌توانم. قبلاً خیلی کارها را با هم انجام می‌دادم ولی حالا به نوشتن نیاز دارم چون اگر ننویسم، دیوانه می‌شوم. به نظرم داشتن بچه، شما را در کارتان دقیق می‌کند چون می‌دانید وقت محدودی برای نوشتن دارید و باید حداکثر استفاده را از آن ببرید.

یکی از مشکلات جهانی که مادر آن زندگی می‌کنیم، آن است که همه چیز کاملاً بر عکس خود عمل می‌کند. به عنوان مثال ما مخترع ماشین بوده‌ایم تا در خدمت ما باشد، اما در شرایط اخیر، ما برده ماشین شده‌ایم. شرایط زنان و خانواده هم، دقیقاً شبیه به همین موضع است. جامعه غرب مدام دم از برابری زن و مرد می‌زند، اما در نهایت، زنان وضعیت چندان خوبی در اروپا ندارند. آنها مجبورند به بهانه برابری اجتماعی به شغلی روی بیاورند و در عین حال، از مسوولیت آنها در خانه کاسته نشده است. وضعیت زنان در خانواده بدتر از این است. به همین علت است که «عشق و نفرت» را در کنار هم می‌آورید؟

در رمان «گردهمایی» شخصیت‌های خیلی زیادی وجود دارند. وقتی مشغول نوشتن رمان بودید چگونه توانستید از اوضاع و احوال شخصیت‌های داستانی‌تان دائماً مطلع باشید؟

در پایان نگارش رمان مشکلی نداشتم. ولی در حین نوشتن کتاب، نمودارهای زیادی روی دیوار آویزان کرده بودم و در کامپیوترم فایل‌های زیادی داشتم که در آنها جزئیات همه سنین آورده شده بود. در اواخر نگارش رمان متوجه شدم سالی که ماجرای داستانم در آن می‌گذرد سال ۲۰۰۵ نیست بلکه سال ۲۰۰۱ است. بنابراین به نمودارهای روی دیوار نگاهی انداختم و پنج سال کارم را عقب کشیدم. ولی متوجه شدم که کارم خوب دارد پیش می‌رود. این موضوع ناخودآگاه نشان می‌داد که شم من، بهتر از آن نمودارها کار می‌کردند.

بوکر چه تغییری در کار شما به وجود آورده است؟ اوایل، این جایزه را به شکل یک جور تشویق شغلی و ارتقای کاری می‌دیدم اما وقتی نامم را در فهرست نامزدها دیدم، متوجه شدم که خیلی بیشتر از این چیزهاست. همیشه از لحظه اعلام نتایج می‌ترسیدم چون فکر می‌کردم با بردن یک نفر دیگر دوران خوش من هم که در فهرست نامزدها بودم، به پایان خواهد رسید.

برنده شدن چه حسی دارد؟

هنوز نمی‌دانم! نفهمیدم چطور می‌توانم آن را بپذیرم. این حس را به شوهرم نمی‌رسید. بعد هم که با انبوهی از کسانی که آنها را نمی‌شناختم، درباره برنده شدنم صحبت کردم. می‌دانید، من خودم را آماده کرده بودم که سه شنبه آینده گریه کوچکی بکنم.

آیا معنی این حرف شما این است که فکر نمی‌کردید برنده جایزه شوید؟

خودم را برای هر پیشامدی آماده کرده بودم. ولی هر نویسنده‌ای گوشه کوچکی برای خود دارد که همیشه هیولایی در آن هست و این هیولا، دلش می‌خواهد برنده شود. من خیلی تلاش می‌کردم به برنده شدنم فکر نکنم. ولی آسان‌ترین این است که آدم به برنده شدنش فکر کند. ما نویسندگان هر چیزی را که تصور می‌کنیم، برای امرار معاش است.

کمی به پیش‌تر برگردیم. نوشتن را چطور شروع کردید؟

زمانی که برای تولد ۲۱ سالگی‌ام یک ماشین تحریر هدیه گرفتم، حس کردم باید بنویسم. بعد به دانشگاه رفتم و زیر نظر استادانی چون مالکوم برادبوری و آنجلا کاتر تحصیل کردم. با این حال، زندگی واقعی‌ام به عنوان یک رمان نویس وقتی شروع شد که کارم را در مقام تهیه‌کننده یک برنامه زنده تلویزیونی در ایرلند، به خاطر فشار بیش از حد کار، رها کردم. سه روز در هفته برنامه زنده داشتیم و واقعاً اگر همین طوری ادامه می‌دادم، یک جایی از پا می‌افتادم. فشار کار روی ما خیلی زیاد بود. بعد از این بود که چهار رمان نوشتم. «دلخوشی الیزابت»، «تومثل چه هستی؟»، «کلاه گیسو که پدرم می‌پوشید» و «گردهمایی».

به نظر می‌رسد که شما برای نوشتن، محیط نامنظم و به هم ریخته‌ای دارید؟

برای نوشتن، یک اتاق کوچک دارم. یکی از دیوارهای این اتاق کاملاً با قفسه‌های کتاب پوشیده شده. رو به روی من پنجره اتاق است و پرده این پنجره را هم کشیده‌ام تا نور روی صفحه مانیتور کامپیوترم منعکس نشود. من خیلی از یادداشت‌هایم را روی دیوار آویزان می‌کردم، ولی سال‌ها قبل بدی بود؛ الان دیگر از «دیوار زن دیوانه» خبری نیست!



روایت اول شخص

استخراج اشعار بزرگان

حکیمه دبیران، مدرس دانشگاه



یکی از کتاب‌هایی که تمام عمرم را صرف آن کردم «شرف‌نامه» یا «فرهنگ ابراهیمی» است. مولف این لغت‌نامه، ابراهیم قوام فاروقی، قرن نهم در هند می‌زیسته و با

توجه به ارادتی که نسبت به شرف‌الدین نیری داشته، فرهنگ لغت را به نام او نام‌گذاری کرده است.

این فرهنگ لغت حاوی ۱۰۰۰ مدخل در واژه‌های فارسی و معانی آنهاست که در کنار معنی، لغات مترادف ذکر و برای اغلب واژه‌ها به عنوان شاهد، شعری آورده شده است.

این کتاب در دو جلد و توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده و در سال ۸۵ برگزیده جایزه کتاب سال و در سال گذشته برگزیده جشنواره پروین اعتصامی شد. اما مطمئناً چاپ نخست کتاب تمامی آنچه را که مدنظرم بوده ایفا نمی‌کند و همچنان در این زمینه تحقیقات گسترده‌تری را انجام می‌دهم تا تصحیحی دقیق‌تر و جدیدتر ارائه دهم تا به خوبی قابل استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

در کنار کارهای تحقیقی برای تصحیح و نگارش جدید این کتاب، در حال گردآوری مجموعه شاهد شعری آن هستم؛ می‌توان اشعار ابراهیم قوام فاروقی و بزرگان شعر فارسی را از این فرهنگ استخراج کرد و آنها را به عنوان اثری مستقل به چاپ رساند که در آینده نزدیک این امر تحقق می‌یابد.

در دانشگاه، «شرح گلشن راز» لاهیجی را تدریس می‌کنم. به نظرم به تدوین و تصحیح جدیدی در این زمینه نیازاست تا دانشجویان بهره بیشتری از آن ببرند. تلخیص مناسبی از این اثر را در دست دارم که بیش از دو سوم کار آن انجام شده است. در این تلخیص تعریف‌های غیر ضروری را حذف کرده‌ام، بازنویسی مطالب به صورت نگارش شرح مجدد در یک مبحث و به زبان ساده‌تر انجام گرفته و سعی من بر آن بوده که گزیده شرح گلشن راز، بدون تقدم و تاخر سخن لاهیجی باشد و بدون هیچ دخل و تصرفی رساننده مقصود.

از سوی دیگر، شناخت‌نامه‌ای از «گلشن راز» براساس تصحیح نسخه خطی «گلشن راز» شبستری - موجود در کتابخانه مرکزی نیویورک - را در دست تدوین دارم. این نسخه خطی را در فرصت مطالعاتی، زمانی که در نیویورک بودم، با نسخه موجود مقایسه و تفاوت‌های آن را استخراج کردم البته در این تصحیح از نسخه دیگری که در کتابخانه دانشگاه تهران موجود بود نیز استفاده کردم. بازنویسی و تصحیح پایان‌نامه مرحوم پدرم، باموضوع «تاریخ قرآن» براساس «الاتقان» سیوطی را نیز در دست اقدام دارم، البته در این اثر، پدر از تغییرات استادش فروزانفر نیز بهره گرفته است.

زیبایی سوررئال

اعظم رسولی، مترجم زبان ایتالیایی

«دیوار و شمعدانی» نوشته آلبرتو مورایا نویسنده ایتالیایی قرن بیستم، مجموعه داستانی سوررئالیستی است که اخیراً با ترجمه من از سوی نشر «کتاب خورشید» منتشر شده است. سبک کتاب، جدید و حال و هوای آن با مجموعه «داستان‌های رومی» مورایا متفاوت است. افرادی که کتاب را مطالعه کرده بودند، اعتقاد داشتند تا مدت‌ها داستان با آنها می‌ماند و از ذهنشان بیرون نمی‌رود.

نویسنده در این کتاب با نثری درون‌کاو، احساسات درونی و پنهان انسان عصر حاضر را به نمایش می‌گذارد. کنج‌کاوی، حیرت و ناراضی‌آزهر آن‌چه که در اطراف اوست درون‌نامه داستان‌هایی می‌شوند که خود راوی آنهاست. او رویا و واقعیت را در هم می‌آمیزد، مرزها را می‌شکند و شجاعانه دست به کاوش دنیایی می‌زند که در آن مجال خود بودن را بیابد.

از این نویسنده، پیش از این مجموعه داستان «یک چیزیه هر حال یک چیز است» شامل ۴۴ داستان را ترجمه کرده بودم که سال گذشته منتشر شد. در این مجموعه نیز نویسنده به دنیای درون پای می‌گذارد. جست‌وجوی او در هزارتوی درون انسان پیچیده عصر حاضر و لایه‌های پنهان و ناپیدای افکار او، پرده از موضوعاتی برمی‌دارد که از زبان شخصیت اصلی هر داستان، مجال ابراز می‌یابد و درون‌نامه اصلی داستان را شکل می‌دهد.

در حال حاضر نیز مشغول ترجمه مجموعه داستان دیگری از همین نویسنده‌ام با عنوان «خوشبختی در ویت‌ن» که امیدوارم به زودی به پایان برسد.

کارهای ویژه در راه است

اعظم کیان افغان، ناشر



نتیجه کار و تلاش سال گذشته رادر نمایشگاه امسال ارائه کردیم و تازه‌خستگی آن‌به‌پایان رسیده، اما این پایان کار نیست و شروعی دوباره است. از اواخر خرداد کتاب‌های جدید نشر افراز به بازار کتاب راه می‌یابند که البته در میان آن‌ها چند کار ویژه نیز به چشم می‌خورند.

رمان «رقص با طوفان» نوشته محمدرضا آریان‌فر، روایت اتفاقاتی در دوران جنگ است. آریان‌فر، نمایش‌نامه‌نویس است که پیش از این نیز در حوزه دفاع مقدس می‌نوشته و با شناختی که از قلمش داشتم، او را تشویق به نوشتن داستان کردم. ویژگی این کتاب در این است که اتفاقات، مستقیماً به جنگ ارتباطی ندارند و تنها حول محور زمانی جنگ رخ می‌دهند. آخرین رمان ژان ماری گوستاو لوکلزیو، برنده فرانسوی نوبل ادبیات، با عنوان «آوای گرسنگی» نیز توسط مهتاب صبوری ترجمه و تیر ماه روانه بازار کتاب می‌شود.

همچنین، رمانی از رمان‌نویس آمریکایی «آن تایلر»، رمانی با عنوان «وقتی بزرگ بودیم» توسط کیهان بهمنی ترجمه شده که آن را تا نیمه‌های تابستان منتشر خواهیم کرد.

یکی دیگر از کتاب‌های ویژه که اخیراً منتشر کرده‌ایم، «تئاتر ایران در گذر زمان» نام دارد که جلد دوم آن، از سال (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷)، جلد سوم کارگاه نمایش از آغاز تا پایان و جلد چهارم «اکسیر نقش» به، به زندگی هنری محمد علی کشاورز اختصاص یافته است. نخستین کتابی که سرآغاز این اتفاق در انتشارات افراز بود، «جادوی صحنه» زندگی عزت‌الله انتظامی است. اما در سال ۱۳۸۳ این کتاب شامل زندگی تئاتری عزت‌الله انتظامی شد. پس از آن تصمیم گرفتم تاریخ تئاتر ایران را مکتوب کنم و امیدوارم روزی دایرةالمعارف تئاتر ایران نیز تدوین شود.

زنان خوشنویس

عذرا عقیقی بخشایشی، خوشنویس

تاکنون تألیفات ارزشمند بسیاری درباره خوشنویسان ایران و جهان انتشار یافته که غالباً مردان ستون فقرات آن را تشکیل داده‌اند و کمتر به زنان خوشنویس که تعداد آنها در عرصه هنر کم هم نیست پرداخته شده است.

کتاب «زنان خوشنویس» نخستین تذکره‌ای است که اختصاصاً به معرفی بانوان هنرمند از گذشته دور تا زمان معاصر می‌پردازد. بسیاری از آنان در عرصه تعلیم این هنر نقش آفرین بوده و دارای آثار کتابت بی‌ظنیری هستند، که مهجور واقع شده‌اند. تلاش

کردم با چاپ و ارائه آثار آنانی که چراغ هنر را در جای جای کشور روشن نگه داشته‌اند و بی‌هیچ چشم‌داشتی، تنها با عشق به تربیت هنرجویان یا خلق آثار ماندگار در عرصه هنر نقش آفرینی می‌کنند، خدمتی هرچند ناچیز انجام دهم.

کتاب حاضر با پیشگفتار عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، آغاز شده و شامل شرح حال و نمونه آثار ۳۲۰ تن از زنان خوشنویس است. کتاب در فصل‌های «زنان خوشنویس در گذر تاریخ»، «معرفی زنان خوشنویس از قرن چهارم هجری تا امروز»، «بانوان سرآمد» و «بانوان خوشنویس دارای مدرک ممتاز انجمن خوشنویسان ایران» منتشر می‌شود. امیدوارم بتوانم همکاری هنرمندان خوشنویس را برای جلد‌های بعدی این کتاب جلب کنم تا شاهد تذکره کاملی از زنان خوشنویس باشیم که خود، آلبوم چشم‌نوازی از شگفتی هنر ایرانی اسلامی باشد و به عنوان مرجع در اختیار هنرپژوهان و هنرجویان قرار گیرد.

حکمت‌هایی برای فکر کردن

نرگس آبیان، نویسنده

مجموعه داستان‌های فانتزی ام با عنوان «حکمت کوچک» در ۱۰ جلد توسط انتشارات سفیر ارداهال منتشر می‌شود. سه جلد از این مجموعه، سال گذشته منتشر شد و دو جلد با عنوان‌های «شعرهای یک ماهی سیاه‌آسمون‌جل» و «زندگی غم‌باریک‌بت خوشبخت» در نمایشگاه امسال ارائه شدند. پنج جلد دوم این داستان‌های فانتزی هم در دست تألیف و انتشارند. در این مجموعه، سعی کرده‌ام مضامین مورد نظرم را با نگاه هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه به خواننده معرفی کنم. در این مجموعه برای مخاطب چالش ایجاد می‌شود بدون آن‌که پیام خاصی را بیان کند و در حقیقت مخاطب را وادار به فکر کردن می‌کند.

این کتاب‌ها تصویری شده و به نظر می‌رسد برای گروه سنی کودک و نوجوان است اما مضامین کتاب به گونه‌ای است که برای تمام گروه‌های سنی قابل استفاده‌اند.

پنج جلد دیگر این مجموعه در دست نگارش یا طرح ریزی برای سوره اولیه است. هم‌زمان با این مجموعه، بازآفرینی داستان‌های هزار و یک شب را با نگاهی تازه، برای گروه سنی نوجوان به پایان رسانده‌ام که توسط نشر پیدایش منتشر می‌شود. آشنایی من با سلیقه نوجوان، باعث شد تا بازنویسی این کتاب را به راحتی انجام دهم.

در کنار تمام فعالیت‌های کاری، مشغول نگارش رمانی برای بزرگسالانم که یک درام عاطفی است و به موضوع جنگ در سال‌های ۶۰ تا ۶۵ می‌پردازد.

سویه‌های فرمی متفاوت

مهرنوش قربانعلی، شاعر



امسال را با چاپ دوم مجموعه شعر «به وقت البرز» آغاز کردم. چهارمین مجموعه شعرم که مرداد ۱۳۸۶ برای نخستین بار توسط انتشارات آهنگ دیگر به بازار کتاب ارائه

شد، از همان ابتدا محل نقد و نظر منتقدان و صاحب‌نظران شعر امروز قرار گرفت و در سال ۸۷ به عنوان اثر برگزیده جایزه «پروین اعتصامی» معرفی شد.

در فاصله‌ای که گذشت، مجموعه شعر تازه‌ام را آماده چاپ کردم، که دارای سویه‌های فرمی، مضمونی اجرایی متفاوتی در ساختار خود و فصل‌بندی‌های چندگانه خویش است و آماده ارائه به ناشر.

در مجلات، روزنامه‌ها و سایت‌های تخصصی ادبیات، به انتشار نقد و نظر درباره شعر امروز ایران و گستره‌های آن پرداخته‌ام که تصمیم دارم آن را به صورت کتابی مستقل منتشر کنم. همچنین، در سایت ادبی «پیاده رو» مسئولیت بخش‌اندیشه و نقد و جلسات نقد کتاب (شعر) «کانون ادبیات ایران» را برعهده دارم.

یادداشت

فرشته احمدی



ادبیات در خدمت ادبیات



نمی‌توان انکار کرد؛ «تعداد» زمانی که در سال‌های اخیر به نوشتن روی آورده‌اند، رشد گسترده‌ای داشته، آری این رشد را نمی‌توان کم‌نمان کرد. بی‌تردید بسیاری از کتاب‌های منتشر شده پارسال و برخی از آثار برجسته از میان آن‌ها به ویژه در زمینه رمان، اثر نویسندگان زن بود. تعداد نویسندگان زن و زنان فعال در عرصه ادبی گسترش یافته و این یک حقیقت است. اما انتقادی هم وجود دارد. کمیت به تنهایی کافی نیست. گاهی کیفیت آثاری که ادیبان زن خلق کرده‌اند، آنچنان نیست که باید باشد.

اگر زنان نویسنده آثار یک‌دیگر را مطالعه کنند، نگران خواهند شد. تکرار در این آثار فراوان است. آنها روایت‌هایی به کار بسته‌اند که خود احساس می‌کنند، شخصی و خانوادگی است و تنها برای نخستین بار در داستان می‌آید، اما واقعیت چیز دیگری است. این روایت‌ها به کرات در سایر آثار نیز دیده می‌شود.

در نگاهی کلی به آثار نویسندگان زن، متوجه می‌شویم که نوع نگارش آنان به دو شیوه است. عده‌ای روایت‌های شخصی و خانوادگی را با زاویه دید انتقاد به زندگی و حال و هوای زنی که به اوضاع فعلی اش اعتراض دارد. اما در بطن وضعیت موجود می‌نویسد، بیان می‌کند و عده دیگری، یا را فراتر نهاده‌اند و از نگاه زنی که از این وضعیت خارج شده و مشغول فعالیت اجتماعی است، می‌نویسند. اما آنچه که در نهایت حاصل می‌شود، زنجیره روابط خانوادگی و پرداختن به موضوعاتی است که شاید تا قبل از این سال‌ها، به آن پرداخته نشده بود ولی امروزه دیگر پرداختن به آنها بیش از حد نیاز است.

از این که تعداد زیادی از زنان در عرصه نویسندگی فعالیت می‌کنند خرسندم، این یک حرکت است که شخصی تصمیم بگیرد قدمی فراتر از زندگی روزمره خود بردارد و کاری خلاقانه صورت دهد. نوشتن نشان از پیدا کردن راهی برای خروج از سکون و یکجا ماندن است. اما زنان باید در این عرصه حرفه‌ای‌تر عمل کنند. جدی‌تر گرفتن کار، تفاوت قائل شدن بین زندگی دیروز و امروز و مقایسه خود با نویسندگان زن مطرح در جهان و افرادی مانند «جومپا لاهیری»، نویسنده هندی، که در جهان به شهرت عظیمی دست یافته و آثارش به زبان‌های مختلف در سراسر دنیا ترجمه و منتشر می‌شود، از گام‌های موثر در این راه است.

در مقایسه ویژگی‌های مشترک آثار زنان، نقاط مثبت و منفی مطرح می‌شوند؛ آثار زنان از نظر تنوع موضوعی در مقایسه با آثار نویسندگان مرد، حتی با وجود طیف گسترده آثار آنها از نظر کمی، محدودتر است. از سوی دیگر، استقبال از آثار نویسندگان زن نشان می‌دهد مخاطب، آثار این نویسندگان را پسندیده و این در نتیجه تکراری هنوز برای بسیاری از خوانندگان جذاب است. اما فکر می‌کنم دیگر زمان آن رسیده که از نوشتار و زبان زنانه در آثار دور شویم؛ به گونه‌ای که متن داستان‌های جنسیتی نویسنده نباشد. این امر به سادگی و با کمی تغییر در نوع نگاه به جهان و عناصر داستان نویسی، امکان‌پذیر است.

احساس شخصی‌ام با توجه به آثار موجود این است که ادبیات برای زنان نویسنده در خدمت زندگی شخصی‌شان است که باید از این وضع خارج و ادبیات را در خدمت ادبیات بگیرند و تنها به خاطر ویژگی‌های ادبیات برای آن ارج و قرب قائل شوند.